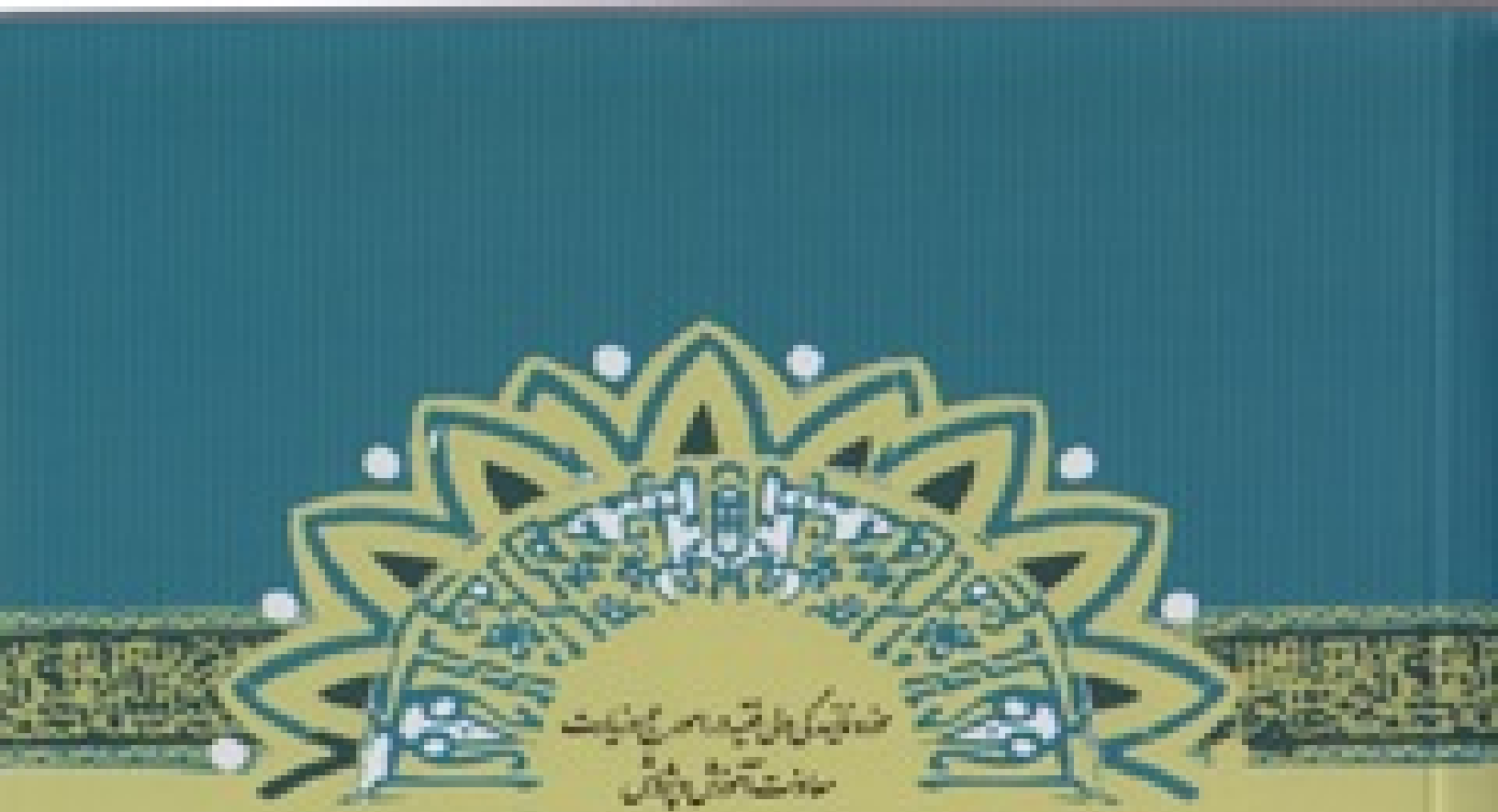


درسنامه آداب سفر حج



سید علی قاضی عسکر



www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

درسنامه آداب سفر حج

مشخصات کتاب

سرشناسه : قاضی‌عسکر، سیدعلی، ۱۳۲۵-
عنوان و نام پدیدآور : درسنامه آداب سفر حج / علی قاضی‌عسکر.
مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری : ۲۲۴ ص.
شابک : ۲۲۰۰۰ ریال978-964-540-233-2 :
وضعیت فهرست نویسی : فاپا
یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع : حج -- راهنمای آموزشی
موضوع : حج
رده بندی کنگره : BP۱۸۸/۸/ق۲د۴ ۱۳۸۹
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۷
شماره کتابشناسی ملی : ۲۰ ۳۶۳۶۵
ص: 1

اشاره

ص: 2

ص: 3

ص: 4

ص: 5

ص: 6

ص: 7

ص: 8

ص: 9

ص: 10

ص: 11

ص: 12

ص: 13

دیباچه

مراتب معنوی حج، که سرمایه جاودانه است و انسان را به افق توحید و تنزیه نزدیک می‌نماید، حاصل نخواهد شد مگر آنکه دستورات عبادی حج به طور صحیح و شایسته و مو به مو عمل شود. (1)
حج نمایشی باشکوه از اوج رهایی انسان موحد از همه چیز جز او و عرصه پیکاری فرا راه توسن نفس و جلوه بی‌مانندی از عشق، ایثار، آگاهی و مسئولیت در گستره حیات فردی و اجتماعی است. پس حج تبلور تمام عیار حقایق و ارزش‌های مکتب اسلام است.
مؤمنان زنگار دل را با زمزم زلال توحید می‌زدایند و با حضرت دوست تجدید میثاق می‌کنند و گرچه میراث ادب و فرهنگ ما، مشحون از آموزه‌های حیات‌بخش حج است، اما هنوز ابعاد بی‌شماری از این فریضه مهم، ناشناخته و مهجور مانده است.
پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در پرتو اندیشه‌های تابناک امام خمینی(قدس سره) حج را نیز همچون دیگر معارف و احکام اسلامی، در جایگاه واقعی خویش نشاند و سیمای راستین و محتوای غنی آن را نمایاند. اما

1- امام خمینی، صحیفه نور، ج 19، ص 25.

هنوز راهی دراز در پیش است تا فلسفه، ابعاد، آثار و برکات آن شناخته و شناسانده شود.
در راستای تحقق این هدف بزرگ، با الهام از اندیشه‌های والا و ماندگار امام راحل- احیاگر حج ابراهیمی- و با بهره‌گیری از رهنمودهای ارزشمند رهبر عزیز انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه‌ای- مدظله- معاونت آموزش و پژوهش بعثه مقام معظم رهبری، تلاش می‌کند با کاربردی کردن متون آموزشی، فصل جدیدی فرا راه کارگزاران حج و زائران حرمین شریفین بگشاید.
از این رو، پس از کارشناسی‌های متعدد و بهره‌گیری از اساتید و متخصصان فن، تلاش گردیده تا برای تهیه درسنامه‌ها و محتوای مورد نیاز در سفر حج و عمره، عناوین، موضوعات، سرفصل‌ها و منابع هر درس را مشخص و جلسات آموزشی آنها زمان‌بندی گردد تا به نحو بهینه مورد استفاده قرار گیرد.
عناوین این درسنامه‌ها عبارتند از:
1. مناسک حج
2. آداب سفر حج
3. اسرار و معارف حج
4. آشنایی با تاریخ اسلام(1 و 2)
5. آشنایی با تاریخ و اماکن مقدس مکه و مدینه
6. اخلاق معاشرت
7. احکام مبتلابه حج
8. آشنایی با کشورهای اسلامی

ص: 15
9. گزیده سیمای عقاید شیعه
10. شناخت عربستان
11. محاوره عربی
بی‌تردید آغاز هر کاری با کاستی‌ها و نواقص احتمالی همراه است. لذا انتظار می‌رود با بهره‌گیری از نظرات خوانندگان ارجمند، نقاط قوت و ضعف این مجموعه شناسایی و به تقویت داشته‌ها و زدودن کاستی‌های آن اقدام شود.
در پایان ضمن تشکر از همه کسانی که ما را در تهیه و تنظیم این مجموعه یاری کرده‌اند، توفیق همگان را از خداوند منان خواهانیم.
معاونت آموزش و پژوهش بعثه
اداره کل آموزش

ص: 16

درس اول: تعیین هدف، آگاهی کامل، ضرورت فراگیری احکام و مناسک حج

هدف‌های آموزشی

انتظار می‌رود با مطالعه این درس:
- اهمیت تعیین هدف را بدانیم و بتوانیم هدف خود را تعیین نماییم.
- بدانیم چه آگاهی‌هایی را باید قبل از سفر کسب کنیم.
- ضرورت فراگیری احکام و مناسک حج را بدانیم.
- با آیات و روایات در باره موارد فوق آشنا شویم.

در این درس بخشی از آداب سفر حج شامل تعیین هدف، ضرورت کسب آگاهی، دانستنی‌های مورد نیاز، ضرورت فراگیری احکام و مناسک حج و نیازهای علمی و معنوی در سفر حج به اختصار توضیح داده شده است.

ص: 17

تعیین هدف

سیر و سفر با انگیزه‌های دینی و عقلانی، از دیدگاه اسلام امری پسندیده و مقبول است. خداوند متعال در آیات متعددی از قرآن کریم مردم را به سیر و گردش در زمین دعوت نموده، از آنان خواسته است تا با سفر به گوشه و کنار جهان، در تاریخ و سرنوشت نهایی ملت‌ها بیاندیشند و از حوادث، رخدادها و خوب و بد زندگی امت‌های گذشته درس عبرت بگیرند:
أَوَلَمْ یَسِیرُوا فِی الْأَرْضِ فَیَنْظُرُوا کَیْفَ کانَ عاقِبَةُ الَّذِینَ کانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ ... (1)
«آیا در زمین نگشته‌اند تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آن‌ها زیسته‌اند چگونه بوده است؟»
سفر الهی و معنوی حج نیز به دلیل اهمیتی که در اسلام دارد، باید با انگیزه‌ای الهی و با قصد قربت و به‌صورتی هدفمند انجام شود تا حاجی بتواند به دستاوردهای در نظر گرفته شده از سوی خداوند، دست یابد.
امام صادق(ع) فرمود:
«الْحَجُّ حَجَّانِ: حَجٌّ لِلَّهِ وَ حَجٌّ لِلنَّاسِ، فَمَنْ حَجَّ لِلَّهِ کَانَ ثَوَابُهُ عَلَی اللَّهِ الْجَنَّةَ، وَ مَنْ حَجَّ لِلنَّاسِ کَانَ ثَوَابُهُ عَلَی النَّاسِ یَوْمَ الْقِیَامَةِ». (2)
«حج دو گونه است: 1. حج برای خدا 2. حج برای مردم، پس آن‌کس که برای خدا حج گزارد، از خداوند پاداش بهشت گیرد و

1- غافر: 21.

2- وسائل الشیعه، ج 11، ص 109، ح 40؛ ثواب‌الاعمال، ج 74، ص 16.

آن‌کس که برای مردم حج به‌جای آورد، پاداش آن در روز قیامت با مردم است!»
از این روایت به‌خوبی می‌توان فهمید که هدف و انگیزه تا چه‌اندازه در سفر حج تأثیرگذار است.
بنابراین، اگر حاجی با هدف خداخواهی، خداجویی، تحول روحی و اخلاقی، و پالایش روح و جان در این راه گام نهد، اعمال و رفتار خود را نیز با این اهداف منطبق می‌سازد و در نتیجه در حرمین شریفین پیوسته به نماز و دعا و عبادت و تفکر در حقایق اسلام و تاریخ زندگی پیامبران و امامان و یاران باوفا و پاکباخته آنان می‌پردازد، از لحظه‌لحظه سفر بهره‌گیری می‌کند، پرده‌های غفلت را از جلو چشمانش کنار می‌زند تا هنگام رسیدن به مرقد معشوق در مدینه و معبد عشق در مکه، کاملاً روح و جان خویش را صیقل داده، رنگ الهی و معنوی به خود بگیرد.
و اگر حاجی به قصد تفریح و استراحت به حج بیاید، به‌گونه‌ای دیگر رفتار خواهد کرد، بیشتر به مسکن بهتر، غذای لذیذتر، و خرید کالای بیشتر و ارزان‌تر می‌اندیشد و به‌جای حضور در حرمین شریفین در کوچه و خیابان و بازار پرسه می‌زند و در پایان سفر نیز با کوله‌باری از اجناس پرزرق و برقِ دنیایی به دیار خویش بازمی‌گردد.
رسول خدا(ص) در یک تقسیم‌بندی تنبّه‌آفرین، حاجیان امت خود در آخرالزمان را به سه دسته تقسیم فرموده، وضعیت آنان را این‌چنین پیش‌بینی کرده‌است:
دسته اول: ثروتمندان که با انگیزه تفریح و خوشگذرانی به حج می‌روند.
دسته دوم: گروه‌های متوسط جامعه که با هدف تجارت و سوداگری

راهی زیارت خانه خدا می‌شوند.
دسته سوم: نیازمندان و فقیران که برای خودنمایی و ریاکاری عازم آن دیار می‌شوند. (1)
و طبیعی است که هیچ یک از این سه دسته، بهره و نصیب معنوی از این سفر نخواهند داشت.
از این‌رو، حاجیان پیش از سفر، باید هدف و انگیزه خود را مشخص کنند و سپس در راستای همان اهداف در نظر گرفته شده، برنامه‌ریزی نموده، سفر را آغازنمایند.

آگاهی کامل

آشنایی با اهداف حج، موجب می‌شود تا حاجی برای دستیابی به آن‌ها، معلومات و دانستنی‌های مورد نیاز این سفر را به خوبی فراگیرد و با آگاهی کامل در این مسیر قدم‌بگذارد.
رسول خدا(ص) در سخنرانی مهم روز غدیر از مردم خواستند تا با آگاهی و بصیرت کامل به حج روند و از این اماکن مقدس جز با توبه و رها شدن از گناه‌بازنگردند؛ «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(ص) فِی خُطْبَتِهِ فِی الْغَدِیرِ: مَعَاشِرَ النَّاسِ! حُجُّوا الْبَیْتَ بِکَمَالِ الدِّینِ وَالتَّفَقُّهِ وَلا تَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ إِلَّا بِتَوْبَةٍ وَ إِقْلاعٍ». (2)
برخی از ویژگی‌ها که در روایات آمده عبارتند از:
* رسول خدا(ص) فرمود:

1- تهذیب، ج 5، ص 463، ح 1613؛ تاریخ بغداد، ج 10، ص 296.

2- الحج و العمرة فی القُرآن و السنة، ص 257، ح 718.

«طواف خانه خدا و سعی میان صفا و مروه و رمی جمرات، برای برپایی و اقامه یاد خدا وضع شده است.» (1)
* علی(ع) فرمود:
«... خداوند حج را نشانه تواضع مردم دربرابر عظمت خود و ... پرچم افراشته اسلام و پناهگاه امن پناه‌جویان قرار داده است.» (2)
* و نیز فرمود:
«... خداوند حج را وسیله دستیابی به رحمت خود و رسیدن به بهشت و موجب آمرزش و امتحان مردم، و زدودن کبر از دل‌ها و ایجاد تواضع و فروتنی در درون جان آنان، قرار داد.» (3)
* امام رضا(ع) بخشی از فلسفه حج را، جداشدن از سنگدلی، خسّت و زبونی نفس، ناامیدی، بازداشتن نفس از فساد و بازیابی حقوق شمرده‌اند. (4)
* و امام صادق(ع) آن را برای شناخت بیشتر مسلمانان از یکدیگر، بهره‌های تجاری، شناخت نشانه‌ها و آثار رسول خدا(ص) دانسته‌اند و .... (5)
طبیعی است که این اهداف تنها با دانستن احکام و مناسک حج قابل دستیابی نیست، از این‌رو حاجی باید از ماه‌ها پیش از حج، با مطالعه کتب و انجام یک‌سلسله تمرینات جسمی و روحی، خود را برای دستیابی به این اهداف آماده نماید و تنها به شرکت در چند جلسه محدود

1- سنن ابی‌داوود، ج 2، ص 179، ح 188.

2- نهج‌البلاغه، خطبه 1.

3- کافی، ج 4، ص 199، ح 2.

4- علل‌الشرایع، ص 404.

5- همان، ص 405.

که معمولًا کاروان‌ها برگزار می‌کنند بسنده نکند.
امام صادق(ع) به عیسی بن أبی منصور فرمود:
«یَا عِیسَی إِنِّی أُحِبُّ أَنْ یَرَاکَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِیمَا بَیْنَ الْحَجِّ إِلَی الْحَجِّ وَ أَنْتَ تَتَهَیَّأُ لِلْحَجِّ». (1)
«ای عیسی، من دوست می‌دارم که خداوند عزوجل در فاصله بین دو حج، تو را در حال آماده شدن برای حج بعد ببیند.»
برخی از اطلاعات مورد نیاز و ضروری این سفر عبارتند از:
1. احکام عمومی از قبیل وضو، غسل، تیمم، طهارات، نجاسات و ...؛
2. مناسک حج؛
3. اسرار و معارف حج؛
4. تاریخ اسلام؛
5. شناخت اماکن و آثار اسلامی موجود در حرمین شریفین؛
6. آداب و اخلاق سفر حج؛
7. آداب معاشرت با هموطنان و نیز دیگر مسلمانان شرکت‌کننده در حج؛
8. آشنایی با پیامبر(ص) و ائمه معصومین(علیهم السلام) و سیره علمی و عملی آنان؛
9. آشنایی با عقاید تشیع، به‌منظور معرفی مذهب و فرهنگ اهل‌بیت به دیگران؛
10. شناخت مفهوم زیارت، آداب سخن گفتن با پیامبر و ائمه، مضامین زیارتنامه‌ها و ....

1- کافی، ج 4، ص 281، ح 1.

11. آشنایی با مذاهب اسلامی، اعتقادات و مسائل فقهی آن‌ها، برای پیشگیری از هرگونه برخورد و ایجاد تفرقه در صفوف مسلمانان؛
12. تسلط به یکی از زبان‌های زنده دنیا و مهم‌ترین آن‌ها زبان عربی، برای ایجاد ارتباط با دیگر مسلمانان؛
13. دستیابی به آگاهی‌های بهداشتی و اجرایی؛
14. شناخت کشور عربستان و قوانین و مقررات حاکم بر آن کشور.
حال برای فراگیری مطالب مربوط به محورهای فوق، چه‌مقدار زمان نیاز است؟ و چه تعداد کتاب باید مطالعه شود؟ و چند کلاس آموزشی باید تشکیل گردد؟ تا حاجی از هرجهت توجیه شود، سپس رهسپار حرمین شریفین گردد! (1)

ضرورت فراگیری احکام و مناسک حج

در میان مجموعه اطلاعات مورد نیازی که ذکر شد، فراگیری مناسک حج از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و حاجی باید آن را به‌طور دقیق بیاموزد و به‌کار بندد؛ زیرا صحت و درستی عمل یکی از شروط قبولی آن است.
مسائل و فروعات حج نیز به حدی زیاد است که زراره از اصحاب امام صادق(ع) می‌گوید:

1- خوشبختانه در سال‌های اخیر توسط بعثه مقام معظم رهبری و سایر علما و اندیشمندان، گام‌های مؤثری در این زمینه برداشته شده، کتب، مجلات، فیلم و دیگر ابزار آموزشی مورد نیاز تا حد زیادی فراهم آمده که حاجیان عزیز باید به‌موقع آن‌ها را تهیه نمایند و بهره ببرند و پیش از سفر، خود را کاملاً آماده‌نمایند.

«قُلْتُ لِابِی عَبْدِ اللَّهِ(ع): جَعَلَنِیَ اللَّهُ فِدَاکَ أَسْأَلُکَ فِی الْحَجِّ مُنْذُ أَرْبَعِینَ عَاماً فَتُفْتِینِی فَقَالَ یَا زُرَارَةُ بَیْتٌ یُحَجُّ قَبْلَ آدَمَ(ع) بِأَلْفَیْ عَام تُرِیدُ أَنْ تَفْنَی مَسَائِلُهُ فِی أَرْبَعِینَ عَاماً». (1)
«به امام صادق(ع) عرض کردم، فدای شما شوم، حدود چهل سال است که درباره حج از شما می‌پرسم و شما پاسخ می‌دهید و فتوای خویش را بیان می‌فرمایید. امام(ع) فرمود: ای زراره، خانه‌ای که بیش از دو هزار سال، قبل از پیدایش آدم(ع) حج گزارده می‌شد، می‌خواهی در چهل سال مسائل آن پایان پذیرد؟»
هر چه حاجی در زمینه اعمال و مناسک حج آگاه‌تر باشد، ضمن انجام درست اعمال، بیشتر ذهن خود را به‌سوی اسرار و معارف هریک از اعمال حج معطوف داشته، بهره معنوی بیشتری می‌برد. برخی از حاجیان در میقات، به‌جای ریختن اشک و توجه بیشتر به حضرت حق و انابه و توبه و راهیابی به‌حضور صاحب‌خانه، در وسوسه درست تلفظ کردن نیت گیر می‌کنند و از آن همه زیبایی و عشق محروم می‌مانند و حال آن‌که فقها همگی فتوا داده و می‌دهند که نیت لازم نیست بر زبان جاری شود و همان مرور به قلب و فکر کافی است.
رسول خدا(ص) فرمود:
«تَعَلَّمُوا مناسِکَکُم، فَانَّها مِنْ دِینِکُمْ». (2)
«مناسک حج خود را فراگیرید که آن، بخشی از دین شما است.»

1- من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 519.

2- تاریخ دمشق، ج 26، ص 211.

البته اهمیت فراگیری مناسک حج، نباید موجب دلهره و اضطراب حاجی شود؛ زیرا چگونگی انجام درست آن، معادله پیچیده‌ای نیست که نتوان به‌راحتی حل کرد، فقط دقت عمل لازم دارد، همانند راننده‌ای که به‌قصد رسیدن به مکان خاصی حرکت می‌کند، اگر فرمان را درست در دست نگیرد و یک مرتبه به‌سمت راست و چپ بپیچد، از مسیر خود منحرف خواهد شد، حاجی نیز در چگونگی عمل اگر دقت لازم را داشته باشد، مشکلی برای او پیش نخواهدآمد.
رسول خدا(ص) آنگاه که به حج مشرف می‌شد، در هر فرصتی چگونگی انجام مناسک را به مردم می‌آموخت. ابن عمر گوید:
«کانَ رَسُولُ الله(ص) اذا کان قَبْلَ التَّرْوِیَةِ بِیَوْم، خَطِبَ النّاسَ فَأَخْبَرَهُمْ بِمَناسِکِهِمْ». (1)
«رسول خدا(ص) پیوسته یک روز پیش از ترویه، برای مردم خطبه می‌خواند و مناسکشان را به آن‌ها می‌آموخت.»

خلاصه درس

در این درس ابتدا ضرورت تعیین هدف مطرح و روشن شد که سفر حج باید با انگیزه‌ای الهی و با قصد قربت و به صورتی هدفمند انجام شود تا حاجی بتواند به دستاوردهای در نظر گرفته شده از سوی خداوند، دست یابد. و حاجیان باید پیش از سفر، هدف و انگیزه خود را مشخص کنند و برای دستیابی به اهداف در نظر گرفته شده، برنامه‌ریزی نموده، سفر را آغاز نمایند. همچنین دانستیم که مهمترین

1- الحج و العمرة فی الکتاب و السنة، ص 246، ح 680.

اهداف حج عبارتند از: یاد خدا، تواضع مردم در برابر عظمت خداوند، شناخت بیشتر مسلمانان از یکدیگر، جداشدن از سنگدلی، خسّت و زبونی نفس، ناامیدی، بازداشتن نفس از فساد و بازیابی حقوق، وسیله دستیابی به رحمت خداوند و رسیدن به بهشت و آمرزش و امتحان مردم، و زدودن کبر از دل و ایجاد تواضع و فروتنی در درون جان آنان. در این درس همچنین اطلاعات ضروری سفر حج مطرح و چهارده مورد از آن‌ها ذکر شد و بالاخره نتیجه آن شد که فراگیری مناسک حج از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و حاجی باید آن را به طور دقیق بیاموزد و به کار بندد؛ زیرا صحت و درستی عمل یکی از شروط قبولی آن است.

خود آزمایی

1. چرا تعیین هدف قبل از سفر ضروری است؟
2. برخی از اهداف حج که در روایات آمده‌است را نام ببرید.
3. از نظر امام صادق(ع) حج بر چند نوع است؟
4. منظور از آگاهی کامل داشتن آگاهی در چه زمینه‌هاست؟

ص: 26

درس دوم: تأمین مخارج، توشه حلال، حلالیت طلبی، انتخاب همراه، مشوقان خوبی‌ها

هدف‌های آموزشی

انتظار می‌رود با مطالعه این درس:
- شرایط استطاعت مالی برای حج را بدانیم
- به اهمیت فراهم کردن زاد و توشه حلال آگاه شویم
- چگونه باید خداحافظی کرده و حلالیت بطلبیم؟
- چه نکاتی را در انتخاب همراه مورد توجه قرار دهیم؟
- بدانیم چگونه باید مشوق خوبی‌ها باشیم
- با آیات و روایات در باره موارد فوق آشنا شویم

در این درس با اهمیت تأمین مخارج خانواده و احادیث و روایات مربوط به آن آشنا می‌شویم و موضوع‌های مهمی همچون: اهمیت فراهم کردن زاد و توشه حلال، اهمیت خداحافظی وحلالیت‌طلبی، ضرورت انتخاب همراه و

شایسته و تشویق دیگران به خوبی‌ها و توصیه ائمه معصومین(علیهم السلام) نسبت به آنها آشنا می‌شویم.

تأمین مخارج خانواده

سفر حج به‌لحاظ معنوی و دینی نه‌تنها در روحیه حج‌گزار تأثیر می‌گزارد، بلکه از جنبه روحی و اخلاقی، برای خانواده و نزدیکان وی نیز برکات فراوانی را به‌دنبال خواهد داشت. از این‌رو برای این‌که از این تأثیر شگرف در اطرافیان کاسته نشود، باید حاجی به کلیه مسائل جانبی سفر نیز توجه کند. یکی از این مسائل، تأمین نیازمندی‌های خانواده است؛ به شکلی که پس از رفتن وی به حرمین شریفین، اطرافیان دچار مشکلات شدید نگردند. هر مسلمانی زمانی مستطیع خواهد بود که بتواند علاوه بر هزینه سفر، زندگی افراد تحت تکفل خود را تأمین کند و پس از مراجعت نیز گرفتار فقر و تهیدستی نگردد.
امام صادق(ع) در پاسخ سؤال‌کننده‌ای که مراد از «سبیل» در آیه شریفه وَ لِلّهِ عَلَی النّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَیْهِ سَبِیلًا (1) را پرسید، فرمود:
«... السَّعَةُ فِی الْمَالِ إِذَا کَانَ یَحُجُّ بِبَعْضٍ وَ یُبْقِی بَعْضاً لِقُوتِ عِیَالِهِ». (2)
«وسعت در مال، به‌اندازه‌ای که با بخشی از آن حج انجام دهد و بخشی را برای خوراک خانواده‌اش باقی بگذارد.»
در حدیث دیگری نیز امام صادق(ع) فرمود: حج خانه خدا بر کسی

1- آل‌عمران: 97.

2- وسائل‌الشیعه، ج 11، ص 37، ح 14181.

که راهی به‌سوی او بیابد واجب است و راه همان داشتن هزینه سفر، مرکب، همراه با سلامتی بدن است و نیز بخشی که برای خانواده خود به‌جای می‌گذارد و بخشی نیز برای تأمین هزینه‌های زندگی پس از بازگشت از حج.
مرحوم‌صاحب‌جواهر(رحمة الله) نیز چهارمین‌شرط از شرایط استطاعت را، داشتن امکانات مالی به‌اندازه نیازهای سفر و تأمین نیازمندی‌های خانواده دانسته، می‌گوید:
«فلو قصر ماله عن ذلک لم یجب علیه الحج بلا خلاف أجده، بل ربما ظهر من بعضهم الإجماع علیه، للأصل و عدم تحقق الإستطاعة بدونه». (1)
«پس اگر کسی مالی که دارد، کمتر از آن است که بتواند هزینه افراد تحت تکفل خود را بپردازد، حج بر او واجب نیست، قول خلافی نیز من در آن نیافتم، بلکه از اظهارات برخی از فقها اجماع بر این مطلب فهمیده می‌شود، به مقتضای اصل، و تحقق نیافتن استطاعت بدون داشتن آن.»
لذا عزیزان حج‌گزار به این نکته توجه نموده، به‌شکلی عمل کنند که در نبود آن‌ها، به بازماندگانشان سخت نگذرد و این دوران را یکی از شیرین‌ترین لحظه‌های زندگی خود به‌حساب آورند. نکته جالب دیگر این‌که، قبل از حرکت مناسب است حاجی افراد خانواده خود را جمع نموده، آنان را به خانه دعوت کند و پس از محبّت به آن‌ها و خواندن دعا، در یک فضای کاملاً صمیمی و معنوی از آنان خداحافظی کرده، عازم سفر حج شود.

1- جواهرالکلام، ج 17، ص 273.

برید بن معاویه عجلی گوید: امام باقر(ع) هرگاه تصمیم رفتن به حج را داشتند، خانواده خویش را در خانه جمع نموده، این‌گونه دعا می‌کردند:
«اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَوْدِعُکَ الْغَدَاةَ نَفْسِی وَ مَالِی وَ أَهْلِی وَ وُلْدِی الشَّاهِدَ مِنَّا وَ الْغَائِبَ، اللَّهُمَّ احْفَظْنَا وَ احْفَظْ عَلَیْنَا، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِی جِوَارِکَ، اللَّهُمَّ لا تَسْلُبْنَا نِعْمَتَکَ وَ لا تُغَیِّرْ مَا بِنَا مِنْ عَافِیَتِکَ وَ فَضْلِکَ». (1)
«بارخدایا! همانا من [از] فردا، خود و مال و خانواده و فرزندانم، چه آنان که نزد من‌اند و چه آنان که نیستند، همه را به تو می‌سپارم. پروردگارا! در کنار خود ما را قرار ده، نعمت‌هایت را از ما نگیر و آن‌چه از سلامتی و فضل تو در اختیار ما است آن را تغییر مده.»
همچنین مستحب است مسافر پیش از سفر، خانواده خود را جمع نموده، دو رکعت نماز بخواند و بگوید:
«اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَوْدِعُکَ نَفْسِی وَ أَهْلِی وَ مَالِی وَ دِینِی وَ دُنْیَایَ وَ آخِرَتِی وَ أَمَانَتِی وَ خَاتِمَةَ عَمَلی». (2)
«بارخدایا! همانا من خود، خانواده، مال و فرزندانم و دنیا و آخرتم، و أمانت و پایان کارم را به تو می‌سپارم.»

زاد و توشه حلال

بر حاجی است که هزینه سفر و زاد و توشه خود را از مال حلال برگیرد تا توفیق عبادت پیدا کند و بتواند در بهترین اماکن روی کره

1- وسائل‌الشیعه، ج 11، ص 380، ح 15065.

2- همان، ص 379، ح 15064.

زمین، شیرینی مناجات با خدا را لمس و از عبادات خود لذّت ببرد.
خداوند متعال در قرآن کریم، به رسولان خود این‌چنین دستور می‌دهد:
یا أَیُّهَا الرُّسُلُ کُلُوا مِنَ الطَّیِّباتِ وَ اعْمَلُوا صالِحاً إِنِّی بِما تَعْمَلُونَ عَلِیمٌ (1)
«ای رسولان، از چیزهای پاکیزه بخورید و کار شایسته کنید که من به آن‌چه انجام می‌دهید دانا هستم.»
و در آیه‌ای دیگر خطاب به مؤمنان می‌فرماید:
یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا کُلُوا مِنْ طَیِّباتِ ما رَزَقْناکُمْ وَ اشْکُرُوا لِلّهِ إِنْ کُنْتُمْ إِیّاهُ تَعْبُدُونَ (2)
«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از نعمت‌های پاک و پاکیزه‌ای که روزی شما کرده‌ایم بخورید و خدا را شکر کنید، اگر تنها او رامی‌پرستید.»
استفاده از زاد و توشه حلال و بهره‌گیری از نعمت‌های پاک، وظیفه رسولان و همه مؤمنان و دلباختگان به خداوند است. و آن‌ها که اموالشان را از راه حرام و یا شبهه‌ناک به‌دست آورده‌اند، باید پیش از سفر، دارایی خود را تزکیه کنند، خمس و زکات و ردّ مظالم و دیگر حقوق مردم را به صاحبان اصلی آن بپردازند، سپس لباس احرام بپوشند وگرنه، در میقات پذیرفته نمی‌شوند و هرگز در حریم کبریایی حق وارد نخواهند شد، گرچه به‌صورت ظاهر جسم آنان در چنین اماکن مقدسی در گردش باشد.

1- مؤمنون: 51.

2- بقره: 172.

امام باقر(ع) فرمود:
«لا یَقْبَلُ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ حَجّاً وَ لا عُمْرَةً مِنْ مالٍ حَرامٍ». (1)
«خداوند حج و عمره با مال حرام را نمی‌پذیرد.»
و در روایتی دیگر فرمود:
«مَنْ أَصَابَ مَالًا مِنْ أَرْبَع لَمْ یُقْبَلْ مِنْهُ فِی‌أَرْبَع:
مَنْ أَصَابَ مَالًا مِنْ غُلُول أَوْ رِبًا أَوْ خِیَانَة أَوْ سَرِقَة لَمْ یُقْبَلْ مِنْهُ فِی زَکَاة وَ لا فِی صَدَقَة وَ لا فِی حَجٍّ وَ لا فِی عُمْرَةٍ». (2)
«کسی که از چهار طریق مالی به‌دست آورد، هزینه‌کردن آن درآمد، در چهار چیز پذیرفته‌نمی‌شود:
کسی که مالی را از راه فریب، ربا، خیانت و یا سرقت به‌دست آورد و با آن زکات یا صدقه دهد و یا به حج و عمره رود، خداوند از او نمی‌پذیرد.»
رسول خدا(ص) نیز فرمود:
هنگامی که مردی با مال حرام به حج می‌رود و] در میقات [می‌گوید:
«لَبَّیْک، اللّهُمَّ لَبَّیْک ...».
«به فرمانبرداری ایستاده‌ام، بارخدایا! در اطاعت و خدمت تو هستم».

1- بحارالانوار، ج 96، ص 120.

2- امالی صدوق، ص 442.

خداوند در پاسخ به او می‌فرماید:
«لا لَبَّیکَ وَلاسَعْدَیکَ، حَتّی تَرُدَّ ما فِی یَدَیْکَ». (1)
«نه، به فرمانبرداری نایستاده‌ای و در اطاعت و خدمت نیستی، تا آن‌که هرچه در اختیار و در دست تو است، به صاحبان آن بازگردانی.»
و در حدیثی دیگر فرمود:
«... و حَجُّکَ مَرْدُودٌ إِلَیْکَ».
«حج تو، به تو برگردانده می‌شود.» (2)
در اشعاری منسوب به احمد حنبل آمده است:
إذا حَجَجْتَ بِمالٍ اصْلُهُ سُحْتٌ فما حَجَجْتَ ولکن حَجَّتِ الْعِیرُ
لا یَقْبَلُ الله إلّا کُلَّ طَیّبة ما کُلُّ مَن حَجَّ بیتَ الله مَبرُورٌ (3)
«با مالی حج گزاردی که اصل آن حرام است، پس تو حج انجام‌نداده‌ای، بلکه حیوانی حج گزارده است.
خداوند جز پاک را نپذیرد، این‌گونه نیست که هرکس حج خانه خدا کند، حج او مبرور و پذیرفته باشد.»

حاجی هرگاه تصمیم می‌گیرد به حج مشرف شود، بر اساس توصیه امام صادق(ع)، شایسته است برادران دینی خود را از رفتنش آگاه سازد.

1- هداية السالک، ج 1، ص 136.

2- همان.

3- همان، ص 137.

آن حضرت به نقل از رسول‌خدا(ص) فرمود:
«حَقٌّ عَلَى الْمُسْلِمِ إِذَا أَرَادَ سَفَراً أَنْ يُعْلِمَ إِخْوَانَهُ وَ حَقٌّ عَلَى إِخْوَانِهِ إِذَا قَدِمَ أَنْ يَأْتُوهُ». (1)
«مسلمانی که قصد مسافرت دارد، شایسته است برادران خویش را آگاه سازد، بر برادران او نیز لازم است هنگام بازگشت به دیدن وی بیایند.»
انجام این دستورالعمل ثمرات و برکات فراوانی دارد؛ یکی از این برکات، زدودن تیرگی‌ها و کدورت‌ها از دل انسان‌ها است.
افراد بشر به دلیل اجتماعی بودن، در زندگی شخصی و اجتماعی خود گرفتار تضادها و مشکلاتی می‌شوند که درنتیجه رنجش و نارضایتی دیگران را به‌دنبال دارد، همسر، فرزندان، برادران و خواهران، همسایگان، همکاران، مردم کوچه و بازارو ....
اگر به یکی از این کسان ظلمی روا داشته، غیبتی کرده، حقوقی از آنان پایمال نموده، روابط غیرصمیمانه با آنان داشته، ناسزا و دشنامی به آن‌ها داده و ... لازم است پیش از سفر به عنوان خداحافظی نزد آنان رفته، حلالیت بطلبد و به آن‌ها بگوید، من عازم سفر خانه خدا هستم و از آن‌جا که در این سفر میهمان خداوندم و او از راز و درون من باخبر است، نمی‌خواهم با دل آلوده به کینه و کدورت در محضر او حضور یابم. من در این سفر برای شما دعا می‌کنم، شما نیز اگر حقی به گردن من دارید، مرا حلال کنید. به یقین چنین برخوردی، عاطفه طرف مقابل

1- وسائل‌الشیعه، ج 11، ص 448، ح 15227.

را تحریک نموده، اشک از دیدگانش جاری می‌شود و رضایت می‌دهد و فضایی کاملًا معنوی و الهی را بر زندگی حاجی و دیگران حاکم می‌سازد. و پس از آن زمینه برای بهره‌گیری هرچه بیشتر از حج فراهم می‌شود؛ زیرا حاجی تصمیم گرفته است تا در این سفر، قلب خود را لبریز از محبت خدا کند. اگربخشی از قلب را کدورت و کینه نسبت به مردم پر کرده باشد، تنها بخش خالی آن ظرفیت خواهد داشت و اگر آن ظرفیت پرشده از کینه، خالی شود به یقین جای بیشتری برای ذخیره معرفت و عشق به‌حق فراهم‌می‌آید.
در این‌جا توجه به این نکته مهم نیز ضروری است که در بسیاری اوقات شیطان مانع ایجاد کرده، انسان را وسوسه می‌کند که اگر نزد دیگران بروم و این حرکت را آغاز کنم، ممکن است باعث حقارت و کوچکی من شود و همین وساوس شیطانی وی را از دستیابی به یک نعمت بزرگ محروم می‌سازد.
خودشکنی و پرهیز از کبر و غرور زمینه پاکی از گناه‌و آمرزش را فراهم می‌آورد و اگر حاجی خودشکنی را پیش از سفر آغاز نکند، بهره لازم را نخواهد برد.
امام صادق(ع) می‌فرماید:
«كَانَ أَبِی يَقُولُ:
مَنْ أَمَّ هَذَا الْبَيْتَ حَاجّاً أَوْ مُعْتَمِراً مُبَرَّأً مِنَ الْكِبْرِ رَجَعَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَهَيْئَةِ يَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ». (1)
«پدرم امام باقر(ع) پیوسته می‌فرمود:

1- کافی، ج 4، ص 252، ح 2.

ص: 35
کسی که برای حج یا عمره قصد این خانه کند، در حالی‌که از کبر و خودپسندی بری و دور باشد، همانند روزی که از مادر متولد گردیده، از گناهان پاک می‌شود.»
بنابراین، بر حاجی لازم است از اقوام و دوستان و همسایگان و همکاران حلالیت بخواهد و سپس عازم دیار نور شود.

انتخاب همراه

از توصیه‌های رسول خدا(ص) و اهل بیت آن حضرت(علیهم السلام) به مسافران این است که تنها به مسافرت نروند و پیش از سفر برای خود همراهی انتخاب کنند تا آن‌ها را در لحظات حساس سفر یاری‌داده، از خستگی و تنهایی به‌درآیند و مددکار یکدیگر باشند.
رسول خدا(ص) فرمود:
«الرَّفِیقَ ثُمَّ السَّفَرَ». (1)
«اوّل [انتخاب] رفیق و همراه، سپس مسافرت.»
امام کاظم(ع) فرمود:
از وصایای رسول خدا(ص) به علی بن ابی‌طالب(ع) یکی این بود:
«لا تَخْرُجْ فِی سَفَر وَحْدَکَ، فَإِنَّ الشَّیْطَانَ مَعَ الْوَاحِدِ، وَ هُوَ مِنَ الاثْنَیْنِ أَبْعَدُ ...». (2)
«به تنهایی مسافرت مکن؛ زیرا شیطان همراه فرد تنها است و او از دو نفر دورتر است.»

1- وسائل‌الشیعه، ج 11، ص 408، ح 15123.

2- همان، ص 410، ح 15127.

در حدیث دیگری آمده است که رسول خدا(ص) سه نفر را لعنت کرده است:
«الآکِلَ زَادَهُ وَحْدَهُ وَ النَّائِمَ فِی بَیْت وَحْدَهُ وَالرَّاکِبَ فِی الْفَلاةِ وَحْدَهُ». (1)
«کسی که تنها غذا بخورد، و آن‌کس که تنها در خانه‌ای بخوابد و کسی که در دشت به‌تنهایی سفر کند.»
همچنین از اسماعیل بن جابر نقل شده که گوید:
در مکه خدمت امام صادق(ع) بودم، که مردی از اهالی مدینه وارد شد.
حضرت از وی سؤال فرمود: چه کسی همراه توبود؟
پاسخ داد: هیچ‌کس همراه من نبود!
امام صادق(ع) فرمود: اگر همراهی می‌داشتی، من ادب تو را می‌ستودم، سپس فرمود: یک‌نفر شیطان است، دو نفر نیز شیطانند و سه نفر همراه و چهار نفر رفیقان‌اند.
از مجموع این روایات به‌خوبی می‌توان فهمید که پیشوایان دین، مردم را از تنها سفر کردن منع و آنان را به مسافرت دسته‌جمعی ترغیب نموده‌اند.
بدیهی است آن کس که بر اساس ضرورت، گاهی مجبور می‌شود تنها غذا بخورد یا در خانه‌ای تنها بخوابد و یا تنها سفر کند، هرگز مورد لعن قرار نمی‌گیرد. بلکه تنها کسانی که می‌توانند و چنین نمی‌کنند مخاطبین روایت‌اند.

1- همان، ح 15129.

اگر نگاهی گذرا به مسافرت در گذشته داشته باشیم، به‌خوبی مفهوم این توصیه‌ها را درک می‌کنیم؛ زیرا درگذشته عوامل بسیاری؛ مانند بدی آب و هوا، نبود جاده‌های مناسب، ناامنی در جاده‌ها، نبود امکانات رفاهی و آب و غذا در طول مسیر، نبود مرکب مناسب و ... جان مسافرانِ تنها را تهدید می‌کرد، علاوه بر آن، ایجاد اضطراب و وحشت و در نهایت افسردگی، از دیگر نتایج سفرهای فردی بود و پیشوایان معصوم برای پیشگیری از این‌گونه عوارض، به مردم توصیه کرده‌اند که به‌تنهایی مسافرت نکنند.

مشوّقان خوبی‌ها

در سفر حج، دوستانِ دیندار و عاشقِ خداوند، در ترغیب و تشویق همراهان به‌عبادت و بهره‌وری بیشتر از سفر، سهم مؤثر و به‌سزایی دارند. گاهی شیطان حاجیان را وسوسه نموده، به‌خواب و استراحتِ بیشتر فرا می‌خواند، لیکن دوست صمیمی و دیندار، با رفتار و گفتار خوبِ خود، همسفران را به حرکت واداشته، شیطان را در دستیابی به اهداف خود ناکام می‌کند.
از این‌رو، در روایات به مؤمنان توصیه شده تا دوستانی را برای خود برگزینند که آنان را در انجام کارهای مربوط به آخرت یار و یاور باشند.
رسول خدا(ص) فرمود:
«بهترین برادرت کسی است که تو را به پیروی از خدا کمک نموده، از نافرمانی او بازدارد و تو را به خشنود ساختن او وادار کند.» (1)

1- المحبة فی الکتاب و السّنة، ص 109، ح 462.

علی(ع) نیز فرمود:
«بهترین برادرت کسی است که به‌سوی خیر شتاب کند و تو را نیز به‌دنبال خود بکشد و تو را به نیکی فرمان دهد و بر انجام آن یاریت رساند.» (1)
بنابراین، سزاوار است حاجی همسفران خود را به‌حضور در حرمین شریفین و خواندن قرآن و نماز و دعا و نیزکمک و یاری‌همسفران و دیگر امور خیر تشویق کرده، خود نیز در انجام این کارها پیشقدم گردد.

خلاصه درس

سفر حج به‌لحاظ معنوی و دینی بودن آن، از جنبه روحی و اخلاقی نیز برای خانواده و نزدیکان حاجی برکات فراوانی دارد. از این‌رو، برای این‌که از این تأثیر شگرف در اطرافیان کاسته نشود، باید به کلیه مسائل جانبی حج از جمله تأمین نیازمندی‌های خانواده توجه شود، به شکلی که پس از رفتن وی به حرمین شریفین، آن‌ها دچار مشکلات شدید نگردند. هر مسلمانی زمانی مستطیع خواهد بود که بتواند علاوه بر هزینه سفر، زندگی افراد تحت تکفل خود را تأمین کند و پس از مراجعت نیز گرفتار فقر و تهیدستی نگردد. حاجی باید شرایط استطاعت را داشته باشد و زاد و توشه حلال برای خود و خانواده فراهم نماید تا خداوند حجش را بپذیرد. حاجی هرگاه تصمیم می‌گیرد به حج مشرف شود، شایسته است برادران دینی خود را از رفتنش آگاه سازد و از آنان حلالیت بطلبد. انجام این دستورالعمل ثمرات و برکات فراوانی دارد؛ یکی از این برکات،

1- همان، ص 110، ح 478.

زدودن تیرگی‌ها و کدورت‌ها از دل انسان‌ها است. از توصیه‌های رسول خدا(ص) و اهل بیت آن حضرت(علیهم السلام) به مسافران این است که تنها به مسافرت نروند و پیش از سفر برای خود همراهی انتخاب کنند تا در لحظات حساس سفر همدیگر را یاری‌داده، از خستگی و تنهایی به‌درآیند و مددکار یکدیگر باشند. در سفر حج، دوستانِ دیندار و عاشقِ خداوند، در ترغیب و تشویق همراهان به‌عبادت و بهره‌وری بیشتر از سفر، سهم مؤثر و به‌سزایی دارند. از این رو، حاجی باید در تشویق همراهان به خوبی‌ها همواره بکوشد.

خودآزمایی

1. شرایط استطاعت مالی برای حج کدامند؟
2. چرا باید زاد و توشه حلال برای خود و خانواده فراهم کنیم؟
3. چگونه باید خداحافظی کنیم و حلالیت بطبیم؟
4. خداحافظی و حلالیت طلبی چه آثار مثبتی دارد؟
5. انتخاب همراه خوب چرا مهم است؟
6. همراه خوب چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟
7. چگونه باید مشوق خوبی‌ها باشیم؟

ص: 40

درس سوم: انتخاب مدیر، همراهان شایسته، لوازم سفر، آغاز سفر با نماز و دعا

هدف‌های آموزشی

انتظار می‌رود با مطالعه این درس:
- بدانیم با چه افرادی باید هم سفر شویم
- بدانیم با همسفران خود چگونه رفتار کنیم
- در انتخاب مدیر چه ویژگی‌هایی را در نظر بگیریم؟
- با نیازمندی‌های سفر آشنا شویم
- نقش و اهمیت دعا و نماز در آغاز سفر را بدانیم
- با آیات و روایات در باره موارد فوق آشنا شویم

در این درس ویژگی‌های مدیر کاروان حج، ویژگی‌های همسفران، لوازم و وسائلی که در سفر حج مورد نیاز است و ضرورت آغاز سفر با

ص: 41
نماز و دعا بیان شده است. توجه به این نکات آمادگی زائر را در سفر افزون خواهد ساخت.

انتخاب مدیر

در زندگی جمعی، مشکلات کمتر خود را نشان می‌دهد و در صورت بروز آن نیز با همکاری دیگر همسفران مشکلات راحت‌تر حل و مرتفع می‌گردد. خوشبختانه در سفر حج و عمره، مردم به صورت کاروانی حرکت می‌کنند و در نتیجه با مشکلات تنها سفر کردن روبه رو نیستند. البته مسافرت‌های جمعی نیز مشکلات مخصوص به‌خود را دارد که پیشوایان اسلام برای رفع آن‌ها، راه‌حل‌های زیبا و مناسبی را ارائه داده‌اند.

از جمله این راه‌حل‌ها، انتخاب یک‌نفر به‌عنوان مسؤول و مدیر اجرایی سفر است تا در لحظات تصمیم‌گیری دچار تردید و دودلی نشوند، اختلافات تشدید نگردد و بتوانند به‌راحتی تصمیم‌گیری نموده، به اهداف سفر نائل شوند.

رسول خدا(ص) فرمود:

«إذا خَرَجَ ثَلاثَةٌ فی سَفَرٍ، فَلْیُؤَمِّروا احَدَهُمْ». (1)

«هنگامی که سه نفر با یکدیگر به قصد مسافرت خارج می‌شوند، باید یک‌نفر را از میان خود، به سرپرستی برگزینند».

اصحاب رسول خدا(ص) نیز چنین عمل می‌کردند و درباره فرد منتخب می‌گفتند: این سرپرستی است که رسول خدا(ص) تعیین کرده

1- سنن ابی‌داوود، ج 3، ص 36، ح 2608.

است. (1)
نافع می‌گوید: در سفری که با ابی سلمه و تنی چند همراه بودیم به ابی‌سلمه گفتم: امیر ما در این سفرتویی. (2)
از عبدالله مروزی نیز نقل شده که ابوعلی الرِّباطی در سفری با او همراه شد. عبدالله به او گفت: تو فرمانده می‌شوی یا من؟
ابوعلی گفت: تو فرمانده باش.
از آن پس عبدالله توشه سفر خود و ابوعلی را بر دوش حمل می‌کرد تا آن که شبی باران در گرفت و عبدالله در تمام شب بالای سر رفیق و همراهش ایستاد و عبایی را روی سر او گرفت تا باران روی اونریزد.
ابوعلی بارها گفت: برای خدا، برای خدا، این کار را نکن و عبدالله پاسخ می‌داد: مگر نگفتی فرماندهی از آن تو است؟ پس از گفته خود برنگرد و مرا مجبور مکن. ابوعلی گوید:
دوست می‌داشتم می‌مردم و به او نمی‌گفتم تو امیرباش. (3)
انتخاب فردی بااخلاق، مدیر و مدبّر، باحوصله و پرکار برای مدیریت و اداره کارها در طول سفر و نیز در مراحل مختلف سفر از جمله: زمان حرکت، تقسیم اتاق‌ها، کیفیت پخت و تقسیم غذا، و برنامه‌ریزی برای کارهای دیگر تا بازگشت به وطن می‌تواند از مشکلات و درگیری‌ها و نزاع‌های احتمالی جلوگیری کند و سفر را برای مسافران شیرین سازد.
فرد منتخب نیز باید خود را خدمتگزار مردم بداند و با تمام وجود در خدمت زائران باشد.
پیامبر(ص) فرمود:

1- محجةالبیضاء، ج 4، ص 58.

2- سنن ابی‌داوود، ج 3، ص 36، ح 2609.

3- محجة البیضاء، ج 4، ص 59.

«سیِّدُ الْقَوْمِ خادِمُهُمْ فِی السَّفَرِ». (1)
«بزرگ هر گروهی در سفر، خدمتگزار آن‌هااست».

همراهان شایسته

انتخاب همسفران شایسته و هم‌شأن، یکی دیگر از آداب سفر است. کسانی که از نظر سلوک و خصوصیات رفتاری و سطح زندگی با یکدیگر همگون هستند، مناسب است در یک کاروان ثبت‌نام نموده و با هماهنگی مدیر کاروان، آن‌ها که با هم سنخیت بیشتری دارند در یک اتاق جای گیرند.
امام باقر(ع) فرمود:
«إِذَا صَحِبْتَ فَاصْحَبْ نَحْوَکَ، وَ لا تَصْحَبْ مَنْ یَکْفِیکَ فَإِنَّ ذَلِکَ مَذَلَّةٌ لِلْمُؤْمِنِ». (2)
«هنگامی که با کسی همراه و همسفر شدی، پس با مثل خودت همراه شو و با آن‌کس که زندگی تو را اداره می‌کند همسفر مشو، که این کار موجب ذلت مؤمن است.»
همچنین برای این‌که حاجی در جمع همراهان تحقیر نشود، نباید با کسانی که برای او قدر و منزلتی قائل نیستند همسفر شود. علی(ع) در این زمینه فرمود:
«لا تَصْحَبَنَّ فِی سَفَرِکَ مَنْ لا یَرَی لَکَ مِنَ الْفَضْلِ عَلَیْهِ کَمَا تَرَی لَهُ عَلَیْکَ». (3)

1- همان، ص 61.

2- وسائل‌الشیعه، ج 11، ص 412، ح 15135.

3- کافی، ج 4، ص 286.

«با کسی که در تو فضیلتی نسبت به خود احساس نمی‌کند و تو نیز در او فضیلتی نسبت به خود نمی‌بینی در سفر همراه مشو.»
امام صادق(ع) نیز فرمود:
«إِصْحَبْ مَنْ تَتَزَیَّنُ بِهِ وَ لا تَصْحَبْ مَنْ یَتَزَیَّنُ بِکَ». (1)
«با کسی همسفر شو که موجب افتخار و زینت تو باشد و با آن‌کس که تو باعث افتخار او باشی همراهی مکن.»
فردی به‌نام شهاب بن عبدربّه گوید:
به امام صادق(ع) گفتم:
شما از حال من آگاهید و دست و دل‌بازی و بذل و بخششم را نسبت به برادران دینی‌ام می‌دانید، آیا می‌توانم با بعضی از آن‌ها در راه مکه همراه شوم و به آنان بذل و بخشش کنم؟ حضرت فرمود:
ای شهاب، چنین مکن. اگر تو آن‌چه داری بر آنان ببخشایی و آنان نیز در هزینه کردن زیاده‌روی کنند، به آنان ستم کرده‌ای، و] اگر تو ببخشایی [و آنان از خرج کردن خودداری کنند، آن‌ها را ذلیل کرده‌ای، پس با امثال خود همسفر شو. (2)
حسین بن ابی‌العلا نیز گوید:
همراه با بیست و چند نفر مرد به‌طرف مکه حرکت کردیم، در میان راه، در هر منزلی گوسفندی برای آنان قربانی می‌کردم، پس زمانی که

1- وسائل الشیعه، ج 11، ص 412، ح 15133.

2- همان، ص 413، ح 15137.

به محضر امام صادق(ع) شرفیاب شدم، آن‌حضرت خطاب به من فرمود: ای حسین، مؤمنان را خوار و ذلیل می‌کنی؟
گفتم: از چنین کاری به خداوند پناه می‌برم!
حضرت فرمود: به من خبر رسیده است که در هر منزلی برای آنان گوسفندی کشته‌ای!
گفتم: قصدی جز خدا نداشتم.
حضرت فرمود: آیا ندانستی که در میان همراهان تو کسانی هستند که دوست دارند مانند تو عمل کنند، لیکن به‌دلیل نداشتن توانایی مالی، نمی‌توانند و در نتیجه احساس کوچکی و حقارت می‌کنند؟
گفتم: از خداوند طلب مغفرت می‌کنم و از این پس چنین نخواهم کرد. (1)
رعایت این نکته اخلاقی باعث می‌شود که افراد کاروان و همسفران، از چشم و هم‌چشمی و ایجاد تنش‌های روحی و اخلاقی پرهیز نموده، در محیطی سالم و آرام به‌سر ببرند و بیشتر به دنبال کسب معرفت و بهره معنوی باشند.

نیازمندی‌های سفر

شایسته است مسافر برخی از نیازمندی‌های خود را همراه بردارد تا هنگام نیاز از آن بهره گیرد. عایشه گوید:

1- همان، ص 415، ح 15142.

«رسول خدا(ص) هرگاه به مسافرت می‌رفت چند چیز با خود برمی‌داشت: 1. آیینه؛ 2. سرمه‌دان؛ 3. شانه کوچک(مِدْرَی)؛ 4. مسواک؛ 5. شانه بزرگ». (1)
ام سعد انصاری نیز گوید:
«رسول خدا(ص) در مسافرت آیینه و سرمه‌دان را از خود دور نمی‌کرد.» (2)
مرحوم مجلسی(رحمة الله) نیز در بحارالأنوار نقل می‌کند:
«رسول خدا(ص) هرگاه به مسافرت می‌رفت، شانه، مسواک و سرمه‌دان با خود برمی‌داشت». (3)
با توجه به خصوصیات اخلاقی رسول خدا(ص) می‌توان از این احادیث به‌خوبی دریافت که پیروان آن حضرت، باید در مسافرت‌ها ابزار و وسایلی که آنان را در منظم و آراسته بودن و نیز نظم و ترتیب یاری می‌دهد، همراه بردارند و از بی‌نظمی و آشفته‌بودن سر و صورت و وضعیت ظاهری خود اجتناب ورزند.
حماد بن عیسی از امام صادق(ع) نقل کرده که آن حضرت فرمود:
در وصیت لقمان به فرزندش این چنین آمده است:
«ای پسرم، شمشیر و کفش و عمامه و ریسمان و مشک آب و نخ خیاطی و سوزن در سفر همراه داشته باش و داروی بیشتری

1- محجة البیضاء، ج 4، ص 72.

2- همان: 73.

3- بحارالانوار، ج 73، ص 235.

همراه خود بردار تا هم خود و هم همراهانت از آن استفاده کنید و در هر کاری که نافرمانی خدا در آن نباشد با همسفرانت موافقت کن». (1)
مرحوم فیض نقل کرده است که بعضی از متوکلین و کسانی که توکل به خداوند در وجود آنان قوی بود، در سفر و در وطن، قمقمه، ریسمان، سوزن و نخ و قیچی را از خود جدا نکرده، می‌گفتند: «این‌ها مربوط به دنیانیست». (2)
شایان ذکر است که آنچه در این روایت و نظیر آن آمده، نیازمندی‌های حاجیان در آن زمان بوده و طبیعی است که در این دوران نیز باید نیازمندی‌های فعلی از قبیل: مسواک، دمپایی، قیچی، ناخن‌گیر و امثال آن را همراه بردارند.

همراه داشتن خوراکی

شایسته است زائر خانه خدا در سفر حج، از پاکیزه‌ترین اموال خود بهره گیرد و برخی از خوراکی‌های فاسدنشدنی را همراه بردارد تا در صورت نیاز از آن استفاده کند.
رسول خدا(ص) فرمود:
«از بزرگواری مرد است که هنگام رفتن به مسافرت، توشه‌اش پاکیزه باشد.» (3)

1- من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 185، ح 834.

2- محجة البیضاء، ج 4، ص 73.

3- وسائل‌الشیعه، ج 11، ص 423، ح 15160.

امام صادق(ع) نیز فرمود:
«زیادی توشه و پاکیزه بودن و بخشش آن به همراهانی که در سفر با شما هستند، از نشانه‌های جوانمردی است». (1)
امام سجاد(ع) نیز هرگاه به قصد حج یا عمره، به مکه مسافرت می‌کرد، از بهترین و پاکیزه‌ترین خوراکی‌ها، مانند: بادام، شکر، سویق و آرد نرم الک‌نکرده، همراه خود برمی‌داشت. (2)
گفتنی است، خوراکی‌هایی که مسافر همراه خود برمی‌دارد، نباید فاسدشدنی باشد و تنها خوراکی‌های خشک و قابل نگهداری در شرایط آب و هوایی مختلف، برای استفاده در سفر مناسب‌است.

همراه داشتن دارو

در عصر حاضر، به‌دلیل توسعه گردشگری در جهان، مسؤولان هر کشوری تلاش می‌کنند تا امکانات رفاهی و پزشکی را برای مسافران فراهم سازند. جمهوری اسلامی ایران نیز در کاروان‌های زیارتی حج و عمره، پزشکی را همراه کاروان می‌فرستد که از آغاز تا پایان سفر، حاجیان را همراهی و در صورت نیاز به دارو و درمان، آن‌ها را معالجه کند. لیکن در عین حال حاجیان اگر بیماری خاصّی دارند لازم است ضمن آگاه ساختن پزشک کاروان، داروهای ضروری و سوابق مربوط به بیماری خود را همراه بردارند، دیگران نیز برای دردها و

1- همان، ص 424، ح 15162.

2- همان، ص 423، ح 15161.

بیماری‌های سطحی مقداری دارو با خود داشته باشند، تا در صورت نیاز از آن استفاده کنند.
لقمان حکیم به فرزندش فرمود:
« [در مسافرت] با خود دارو بردار [تا در صورت نیاز] هم تو و هم همسفرانت از آن بهره‌گیرند ...». (1)

همراه داشتن تربت حسینی

یکی از توصیه‌های امام صادق(ع) به مسافران این است که مقداری تربت امام حسین(ع) در سفر همراه داشته باشند.
روزی از آن حضرت پرسیدند: ای فرزند رسول‌خدا(ص)، همان‌گونه که تربت قبر حسین بن علی(علیهما السلام) شفای هر دردی است، آیا ایمن‌بخش از هر ترس و نگرانی هم هست؟
امام صادق(ع) فرمود: آری، اگر یکی از شما بخواهد از هر ترسی در امان باشد، تسبیحی از تربت حسین(ع) با خود برگیرد و هنگام خفتن در بستر، دعای وقت خفتن را سه مرتبه بخواند، آن‌گاه آن تربت را بوسیده، بر چشمان خود بگذارد و این گونه‌بگوید:
«اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ وَ بِحَقِّ صَاحِبِهَا وَ بِحَقِّ جَدِّهِ وَ بِحَقِّ أَبِیهِ وَ بِحَقِّ أُمِّهِ وَ أَخِیهِ وَ بِحَقِّ وُلْدِهِ الطَّاهِرِینَ اجْعَلْهَا شِفَاءً مِنْ کُلِّ دَاءٍ وَ أَمَاناً مِنْ کُلِّ خَوْفٍ وَ حِفْظاً مِنْ کُلِّ سُوءٍ». (2)

1- من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 185، ح 834.

2- وسائل‌الشیعه، ج 11، ص 427.

ص: 50
سپس آن تربت را در جیب خود گذارد. اگر در وقت عشا چنین کند تا صبحگاهان در پناه خدا خواهدبود. (1)

آغاز سفر با نماز

در سفر حج، حاجی میهمان خداوند است و باید قبل از سفر، خود را برای این میهمانی مهم آماده کند، لذا مستحب است سفر را با نماز، که یاد خدا است، آغاز نماید.
امام صادق(ع) از طریق پدران بزرگوارشان، از رسول‌خدا(ص) نقل کرده‌اند که فرمود:
مردی که عازم سفر است هیچ چیزی برای خانواده‌اش از خود باقی نمی‌گذارد بهتر از این‌که هنگام رفتن دو رکعت نماز بخواند و بگوید:
«اللّهُمَّ انّی أسْتَودِعُکَ نَفْسی وَ اهْلی وَ مالی وَ ذُرِّیَتی وَ دُنْیای وَ آخِرَتی وَ أَمانَتی وَخاتِمَةَ عَمَلی، الّا اعْطاهُ الله عَزَّ وَ جَلَّ ماسئل». (2)
«بارخدایا! خود و خانواده و مال و اولاد و دنیا و آخرت و امانت و پایان کارم را نزد تو به امانت می‌گذارم. [این دعا را کسی نمی‌خواند] مگر این‌که آن‌چه را از خدا خواسته، به او عنایت می‌کند.»

1- همان.

2- همان، ص 379، ح 15064.

ص: 51

دعا هنگام خروج

صباح حذاء گوید: از موسی بن جعفر(علیهما السلام) شنیدم که‌فرمود:
«اگر یکی از مردان شما قصد مسافرت کرد، هنگام خروج از منزل و روبه سمتی که به‌قصد آن در حرکت است بایستد و سوره حمد را در چهار سوی خود بخواند، همچنین معوذتین] یعنی سوره‌های فلق و ناس [و قل هوالله احد و آیةالکرسی را در پیش رو و سمت راست و پشت‌سر بخواند و سپس بگوید:
«اللَّهُمَّ احْفَظْنِی وَ احْفَظْ مَا مَعِی وَ سَلِّمْنِی وَ سَلِّمْ مَا مَعِی وَ بَلِّغْنِی وَ بَلِّغْ مَا مَعِی بِبَلاغِکَ الْحَسَنِ الْجَمِیلِ». (1)
«بارخدایا! مرا و هرچه همراه من است را نگهدار و من و هرچه با من است را سالم بدار و من و هرچه با من است را به مقصد برسان به گونه‌ای شایسته و زیبا.»
[آن‌گاه] خداوند او را با آن‌چه همراه خود دارد محفوظ داشته و به سلامت به‌مقصد می‌رساند. آیا ندیده‌ای که مرد [مسافر] خود مصون و سالم می‌ماند، لیکن آن‌چه همراه خود دارد محفوظ نمانده و سالم به‌مقصد نمی‌رسد؟
در حدیث دیگری امام صادق(ع) فرمود:
«هر کس هنگام بیرون رفتن از خانه، ده مرتبه سوره «قُل هُوَ اللهُ احَد»(توحید) را بخواند، پیوسته در پناه و حمایت خداوند است تا به خانه برگردد». (2)

1- همان، ص 381، ح 15067.

2- کافی، ج 4، ص 333.

ابوحمزه ثمالی نیز گفت:
هرگاه امام باقر(ع) از خانه بیرون می‌رفت می‌فرمود:
«بِسْمِ اللَّهِ خَرَجْتُ وَ عَلَی اللَّهِ تَوَکَّلْتُ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلّا بِاللَّهِ». (1)
«به‌نام خدا خارج شده و بر او توکل کردم، هیچ توانایی و نیرویی نیست جز به‌نیروی خدا.»
امیر مؤمنان علی(ع) هنگام بیرون رفتن از خانه برای مسافرت، این دعا را می‌خواند:
«اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ وَ کَآبَةِ الْمُنْقَلَبِ وَ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِی الْاَهْلِ وَ الْمَالِ وَالْوَلَدِ اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِی السَّفَرِ وَ أَنْتَ الْخَلِیفَةُ فِی الْاَهْلِ وَ لا یَجْمَعُهُمَا غَیْرُکَ لِانَّ الْمُسْتَخْلَفَ لایَکُونُ مُسْتَصْحَباً وَالْمُسْتَصْحَبُ لا یَکُونُ مُسْتَخْلَفاً». (2)
«بارخدایا! به تو پناه می‌برم از سختی‌های سفر و اندوهناک برگشتن و بدنگری [مردم] در جان و خانواده و مال و فرزندم؛ بارخدایا! تو در سفر همراه منی و جانشین من در خانواده‌ام و جز تو کسی نیست که بتواند میان این‌دو جمع کند [در سفر همراه و در وطن جانشین باشد] زیرا آن‌که بازمانده و [در وطن]

1- همان.

2- نهج‌البلاغه، خطبه 46.

جانشین در خانواده باشد [در سفر] همراه و رفیق نیست و آن‌که رفیق سفر است جانشین در خانواده نیست.»
پیمودن راه و طی مسیر در زمین و آسمان، همراه با فراز و نشیب و اوج و فرود است، اتومبیل وقتی به مناطق کوهستانی می‌رسد، جاده‌های پرپیچ و خم کوهستان را طی کرده بالا می‌رود و پس از رسیدن به قله سرازیر می‌شود، هواپیما از باند فرودگاه برمی‌خیزد، اوج می‌گیرد و با رسیدن به مقصد فاصله خود را با زمین کم کرده، در فرودگاهِ مقصد، به زمین می‌نشیند، مسافرِ خانه خدا سزاوار است که در تمامی این مراحل به‌یاد خدا بوده، زیر لب زمزمه عاشقانه با خدا داشته باشد.
رسول خدا(ص) هر زمان در مسیری بالا می‌رفت «الله اکبر» و آن‌گاه که فرود می‌آمد «سبحان‌الله» می‌گفت. (1)
برخی مناطق در میان راه، همچون گردنه‌های صعب‌العبور و راه‌های پرپیچ و خم، خطرناک و ترس آفرین‌اند، امام صادق(ع) فرمود:
اگر به جایی رسیدی که ترسانی این آیه را بخوان:
«وَ قُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَ أَخْرِجْنِی مُخْرَجَ صِدْقٍ وَ اجْعَلْ لِی مِنْ لَدُنْکَ سُلْطاناً نَصِیراً». (2)
«پروردگارا! مرا [در هرکاری] به‌طرز درست داخل کن و به‌طرز درست خارج ساز و از جانب خود برای من تسلّطی یاری‌بخش قرار ده [و پیروزی و یاری عنایت فرما].»

1- وسائل‌الشیعه، ج 11، ص 391، ح 15088.

2- اسراء: 80.

امام سجاد(ع) فرمود:
«اگر کسی پیاده حج گزارد و سوره «إنّا انْزلناه ...» [سوره قدر] را بخواند، درد سخت پیاده‌روی را لمس نمی‌کند». (1)
ادعیه سفر فراوان است و پیشوایان دین برای مراحل مختلف همچون: خروج از منزل، زمان سوار شدن بر مرکب، موقع حرکت و زمان فرود آمدن، ادعیه گوناگونی را نقل کرده‌اند که به‌دلیل رعایت اختصار، از ذکر آن‌ها خودداری می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند به کتب مربوط مراجعه کنند.

خلاصه درس

انتخاب یک‌نفر به‌عنوان مسؤول و مدیر اجرایی سفر بسیار ضروری است تا در لحظات تصمیم‌گیری دچار تردید و دودلی نشوند، اختلافات تشدید نگردد و بتوانند به‌راحتی تصمیم‌گیری نموده، به اهداف سفر نائل شوند.
انتخاب فردی بااخلاق، مدبّر، باحوصله و پرکار برای مدیریت و اداره کارها در طول سفر، در مراحل مختلف از جمله: زمان حرکت، تقسیم اتاق‌ها، کیفیت پخت و تقسیم غذا، و برنامه‌ریزی برای کارهای دیگر تا بازگشت به وطن می‌تواند از مشکلات و درگیری‌ها و نزاع‌های احتمالی جلوگیری کند و سفر را برای مسافران شیرین سازد.
همچنین انتخاب همسفران شایسته و هم‌شأن، یکی دیگر از آداب

1- وسائل‌الشیعه، ج 11، ص 396، ح 15099.

سفر است. کسانی که از نظر سلوک و خصوصیات رفتاری و سطح زندگی با یکدیگر همگون هستند، مناسب است در یک کاروان ثبت‌نام نموده و با هماهنگی مدیر کاروان، آن‌ها که با هم سنخیت بیشتری دارند در یک اتاق جای گیرند. همچنین برای این‌که حاجی در جمع همراهان تحقیر نشود نباید، با کسانی که برای او قدر و منزلتی قائل نیستند همسفر شود.
همچنین شایسته است مسافر برخی از نیازمندی‌های خود را همراه بردارد تا هنگام نیاز از آن بهره گیرد از جمله وسایل بهداشتی، دارو، خوراکی، تربیت حسینی و سایر لوازم ضروری سفر را باید به همراه داشته باشد و سفر خود را با نماز و دعا به درگاه خداوند آغاز نماید.

خود آزمایی

1. مدیر خوب باید دارای چه خصوصیاتی باشد؟
2. رسول خدا(ص) در باره ضرورت انتخاب مدیر چه فرموده‌اند؟
3. چه نوع افرادی را باید به عنوان همسفر انتخاب نماییم؟
4. همسفر خوب باید چگونه باشد؟
5. امام صادق(ع) در باره نحوه بخشش به همسفران چه فرموده‌اند؟
6. در سفر حج به به چه لوازم ضروری نیاز داریم؟
7. چه نماز و دعاهایی را در آغاز سفر باید بخوانیم؟

ص: 56

درس چهارم: توبه و استغفار، اخلاص، وصیت و غسل

هدف‌های آموزشی

انتظار می‌رود با مطالعه این درس:
- ضرورت توبه و استغفار را بهتر بدانیم
- با چگونگی توبه نصوح آشنایی کامل پیدا کنیم
- چگونگی اخلاص را بیشتر درک کنیم
- به ضرورت وصیت قبل از سفر واقف شویم
- با روایات در زمینه‌های فوق آشنا شویم

توبه و استغفار در ابتدای سفر معنوی حج و داشتن اخلاص در این سفر معنوی از نکات مهمی هستند که در این درس به آن‌ها پرداخته شده است. همچنین در این درس ضرورت وصیت قبل از سفر و غسل قبل از این سفر و اهمیت آن و آغاز سفر با صدقه و احادیثی از ائمه طاهرین(علیهم السلام) درباره موارد فوق آورده شده است.

ص: 57

پس از آن‌که خداخواهی و خداجویی به‌عنوان هدف مشخص شد، حاجی باید زنگارهای گناه و معصیت را از جان و دل بزداید، و روح را از تیرگی‌ها پاک کند تا زمینه را برای راه‌یابی به محضر حق و حریم عشق و پذیرش در پیشگاه معبود فراهم سازد.
امام صادق(ع) فرمود:
«إذا ارَدْتَ الْحَجَّ ... ثُمَّ اغْسِلْ بِمَاءِ التَّوْبَةِ الْخَالِصَةِ مِنَ الذُّنُوبِ ...». (1)
«هرگاه اراده حج کردی ... با آب توبه خالص گناهانت را بشوی ...»
حاجی در سفر حج و عمره میهمان خداوند است و از آن‌جا که خداوند، به ظاهر میهمان نمی‌نگرد بلکه به باطن نظر دارد، لذا به روح و جان حاجی نظر می‌افکند و روا نیست انسان با آلودگی به محضر حق وارد شود.
عادت مردم در میهمانی‌ها این است که از محل کار خود به خانه رفته، جسم خویش را شستشو داده، لباس‌های تمیز پوشیده، موها را شانه زده، خود را معطر می‌کنند و سپس به میهمانی می‌روند و هرچه میزبان در نظر آن‌ها مهم‌تر باشد، این‌گونه آداب را بیشتر رعایت می‌کنند.
حال چه‌کسی از خداوند عظمتش بیشتر است؟ آیا از ادب به‌دور نیست که انسان در پیشگاه خالق و آفریننده خود با قلبی

1- مصباح‌الشریعه، ص 142.

مالامال از گناه و معصیت شرفیاب شود؟ خدایی که به تمام افکار و اسرار نهان ما آگاه است، اعمال ما را می‌داند و از نیات ما باخبر است.
از این رو، پیش از ورود به حرمین شریفین لازم است حاجی خانه دل را از گناه پاک نماید، آن‌گاه به‌سوی کوی دوست حرکت کند. توبه نیز باید حقیقی و به بیان قرآن کریم توبه نصوح‌باشد:
ی أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَی اللهِ تَوْبَةً نَصُوحاً عَسی رَبُّکُمْ أَنْ یُکَفِّرَ عَنْکُمْ سَیِّئَاتِکُمْ وَ یُدْخِلَکُمْ جَنّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ .... (1)
«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به درگاه خدا توبه‌ای راستین کنید، امید است که پروردگارتان، بدی‌هایتان را از شما بزداید و شما را به باغ‌هایی که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است درآورد ...»
خواجه گر توبه نصوح کند هر دمی، عالمی فتوح کند
توبه نصوح، توبه بدون بازگشت است و نیازمند یک تصمیم جدی و قاطع.
روشی که برای دستیابی به توبه نصوح از سوی پیشوایان دینی ارائه گردیده، چنین است:
گناهکار ابتدا باید از عملکرد بد خویش پشیمان شود، سپس تصمیم بگیرد از این پس خود را به معاصی نیالاید و گناهان مرتکب شده را ترک گوید، آن‌گاه از پیشگاه خداوند طلب مغفرت و

1- تحریم: 8.

آمرزش کند.
گناهان نیز بر دو قسم‌اند: 1. حقّ‌الله؛ 2. حق‌الناس.
دسته اول گناهانی است که مستقیماً به خداوند ارتباط پیدا می‌کند، مثلًا نمازی را نخوانده، روزه‌ای نگرفته و ....
توبه این‌گونه گناهان آن است که انسان از نافرمانی خداوند پشیمان شود، سپس تصمیم بگیرد گذشته را جبران کند، نمازها و روزه‌ها را قضا نماید و از این‌پس نیز فرایض دینی را در موعد مقرر به‌جای آورد. آن‌گاه از خداوند طلب مغفرت و آمرزش کند.
دسته دوم گناهانی است که به مردم ارتباط پیدا می‌کند، همچون غیبت، افترا، سرقت، ظلم و ستم و ....
توبه این‌گونه گناهان، پس از پشیمانی و تصمیم به ترک گناه، آن است که در صورت امکان رضایت مردم را جلب و سپس از پیشگاه حق، طلب مغفرت نماید. اگر مالی از کسی به زور گرفته، آن را به صاحبش برگرداند و اگر صاحبش را نمی‌شناسد با اذن مرجع تقلید از سوی صاحب اصلی صدقه دهد، اگر غیبت دیگران را کرده از آن‌ها حلالیت بطلبد و پس از آن استغفار نماید.
زمنجلاب هوس گر برون نهی قدمی نزول در حرم کبریا توانی کرد
اگر زهستی خود بگذری یقین می‌دان که عرش و فرش و فلک زیر پا توانی کرد
پشیمانی از گناه، آغازی برای جبران گناهان است و به‌قول صائب، شاعر نامدار:
ابر رحمت را کند اشک ندامت مایه‌ار آبروی عفو در شرمندگی پوشیده است

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:
وَ أَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّکُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَیْهِ یُمَتِّعْکُمْ مَتاعاً حَسَناً إِلی أَجَلٍ مُسَمًّی وَیُؤْتِ کُلَّ ذِی فَضْلٍ فَضْلَهُ ... (1)
«از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس به درگاه او توبه کنید [تا این‌که] شما را با بهره‌مندی نیکویی تا زمانی معین بهره‌مند سازد و به هر شایسته نعمتی، از کرم خود عطا کند ...»

اخلاص شرط اساسی در تمامی عبادات است، هرکس عبادتی را برای خودنمایی و ریا و یا دستیابی به امور مادی و دنیایی انجام دهد، از آن عمل هرگز بهره و نصیبی نخواهد برد.
این اصل مهم به‌اندازه‌ای کارساز و تعیین‌کننده است که اگر رزمنده و جهادگری در میدان نبرد شرکت کند و هدفش دستیابی به غنایم جنگی و یا چیره‌شدن و انتقام‌گیری از دشمن باشد و در این راه کشته شود، شهید به‌حساب نمی‌آید.
رسول گرامی اسلام(ص) فرمود:
«إِنَّمَا الْاَعْمَالُ بِالنِّیَّاتِ». (2)
«جز این نیست که اعمال به نیت‌ها است.»
در حدیثی دیگر فرمود:

1- هود: 3.

2- کنزالعمال، ج 7272؛ صحیح مسلم، ج 6، ص 46.

«اذا عَمِلْتَ عَمَلًا فَاعْمَلْ للهِ خالِصاً، لانَّهُ لایَقْبَلُ مِنْ عِبادِهِ الأَعْمالَ إلّا ما کانَ‌خالِصاً». (1)
«هرگاه کاری را انجام دادی، آن را تنها برای خدا انجام ده؛ زیرا خداوند تنها اعمال خالص را از بندگان خود می‌پذیرد.»
پس بر سالکان این طریق است که با نیتی پاک و خالص در سرزمین وحی گام نهند، دل به غیر خدا نبندند و در انجام اعمال جز قرب و نزدیکی به حق‌تعالی چیز دیگری را نخواهند و در نظر نگیرند.
امیرمؤمنان علی(ع) فرمود:
«کَیْفَ یَسْتَطیعُ الإخْلاصَ مَنْ یَغْلِبُهُ الْهَوی». (2)
«آن‌کس که هوی و هوس بر وی چیره است، چگونه می‌تواند اخلاص داشته باشد؟»
حاجیان باید سفر را با مبارزه با نفس آغاز کنند و پس از غلبه بر آن، قصد کوی دوست کرده، با تمام وجود به‌سوی او روند، در چنین حالی است که به همه‌چیز خواهندرسید.
امام عسکری(ع) فرمود:
«لَوْ جَعَلْتُ الدُّنْیا کُلَّها لُقْمَةً واحِدَةً و لَقَّمْتُها مَنْ یَعْبُدُ اللهَ خالِصاً لَرَأَیْتُ انّی مُقَصِّرٌ فی‌حَقِّهِ». (3)
«اگر همه دنیا را یک لقمه کرده، در دهان کسی گذارم که خدا را از روی اخلاص پرستش و عبادت کند، باز می‌بینم که در حق او کوتاهی کرده‌ام!»

1- بحارالانوار، ج 77، ص 103.

2- غررالحکم، ح 6977.

3- بحارالانوار، ج 70، ص 245، ح 19.

ص: 62

وصیت

یکی دیگر از مستحبات سفر، وصیت کردن پیش از رفتن به مسافرت است. سفر همیشه با خطر همراه بوده و هست، در گذشته راه‌های طولانی و ناهموار، دزدان مسلح، نبود امکانات غذایی و بهداشتی، ناامن بودن راه‌ها و امثال آن، موجب می‌شد که تعدادی از مسافران، جان به جان‌آفرین بسپارند و مظلومانه در گوشه‌ای به‌خاک سپرده شوند.
در عصر کنونی نیز که امکانات فراوانی برای مسافران فراهم شده است، باز خطرهای بسیاری جان انسان‌ها را تهدید می‌کند و افراد بشر نه در زمین و نه در آسمان امنیت لازم را ندارند. گاهی هواپیمای مسافربری به‌علت نقص‌فنی سقوط می‌کند و تعدادی کشته می‌شوند، گاهی دو اتومبیل با هم برخورد می‌کنند و جان سرنشینان بی‌گناهشان را می‌گیرند و گاهی اتومبیلی به عابر پیاده می‌زند و ...
بنابراین، هیچ‌کس از آینده خود خبر ندارد و نمی‌تواند آن را پیش‌بینی کند و به بازگشت قطعی خود از سفر مطمئن باشد. از این رو، نوشتن و تنظیم وصیت‌نامه در شرایط عادی کاملا مطلوب است، لیکن در سفر حج، مطلوب‌تر و لازم‌تر است تا وارثان و بازماندگان دچار مشکل نشوند و تکلیف خود را بشناسند و بر اساس آن عمل کنند.
امام صادق(ع) فرمود:
«مَنْ رَکِبَ رَاحِلَةً فَلْیُوصِ». (1)
«کسی که بر مرکبی سوار می‌شود لازم است وصیت کند.»

1- وسائل‌الشیعه، ج 11، ص 369.

رسول خدا(ص) فرمود:
«الْوَصِيَّةُ حَقٌّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ». (1)
«وصیت کردن وظیفه هر مسلمانی است.»
در حدیث دیگری فرمود:
«مَا يَنْبَغِی لِامْرِئٍ مُسْلِمٍ أَنْ يَبِيتَ لَيْلَةً إِلّا وَ وَصِيَّتُهُ تَحْتَ رَأْسِهِ». (2)
«بر هیچ مسلمانی سزاوار نیست که شب سر بر بالین بگذارد مگرآن‌که وصیت او زیر سرش باشد.»
رسول خدا(ص) در حدیث دیگری فرمود:
«مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ وَصِيَّةٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً». (3)
«کسی که بدون وصیت بمیرد، به مرگ جاهلی مرده است.»
از مشکلاتی که گاهی در موسم حج و عمره، در کاروان‌ها پدید می‌آید، این است که نمی‌دانند فرد فوت‌شده درباره محل دفن خود چه وصیت کرده است؟ لذا چند روزی جنازه باقی می‌ماند تا بازماندگان تصمیم بگیرند به ایران حمل شود و یا در مکه و مدینه به‌خاک بسپارند؟
از این رو، مناسب است که در وصیت نامه، علاوه بر امور جاری زندگی، محلّ دفن نیز مشخص‌شود.

1- همان، ج 19، ص 257، ح 24544.

2- همان، ص 258، ح 24545.

3- همان، ص 259، ح 24546.

ص: 64

غسل

مستحب است انسان پیش از رفتن به مسافرت غسل کند و هنگام غسل این دعا را بخواند:
«بِسْمِ اللهِ و باللهِ و لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ الّا بِاللهِ وَ علی مِلَّةِ رَسُولِ الله وَ الصّادِقِینَ عَنِ الله صَلَواتُ الله عَلَیْهِم اجْمَعینَ.
أللّهُمَّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبی واشْرَحْ بِهِ صَدْری وَ نَوِّر بِهِ قَبْری.
اللّهُمَّ اجْعَلْهُ لِی نُوراً وَ طَهُوراً وَ حِرْزاً وَ شِفاءً مِنْ کُلِّ دَاءٍ وَ آفَةٍ وَ عاهَةٍ وسُوءٍ مِمّا أَخافُ و احْذَرُ، وَ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِی وَجَوَارِحِی وَ عِظَامِی وَ لَحْمِی وَ دَمِی وَشَعْرِی وَ بَشَرِی وَ مُخّی وَ عَصَبِی وَ مَا أَقَلَّتِ الْارْضُ مِنّی». (1)
«به‌نام و به یاری خدا، و هیچ حول و نیرویی جز با کمک او نیست و بر آیین رسول خدا(ص) و آن‌ها که صادقانه از خدا سخن گفته‌اند، درود خدا بر همه آنان.
بارخدایا! به وسیله این غسل قلبم را پاک و سینه‌ام را گشاده و قبرم را نورانی کن.
بارخدایا! این غسل را [برای من] نور و پاکی و نگاهبان و شفای هر آفت و درد و بیماری و هر بدی که از آن بیم دارم قرار ده و قلب و اعضای بدنم و استخوان‌هایم و خون و موی و پوست و مغز و اعصابم و تمام وجودم را پاک گردان.»
حاجی با این غسل جسمش را و با دعا و توبه جانش را شستشو می‌دهد تا هنگام حضور در خانه خدا، از هر آلودگی پاک و پیراسته شود.

1- همان، ج 11، ص 369، ح 15038؛ امان الاخطار، ص 33.

ص: 65

خلاصه درس

در ابتدا حاجی باید زنگارهای گناه و معصیت را از جان و دل بزداید، و روح را از تیرگی‌ها پاک کند تا زمینه را برای راه‌یابی به محضر حق و حریم عشق و پذیرش در پیشگاه معبود فراهم سازد. حاجی در سفر حج و عمره میهمان خداوند است و از آن‌جا که خالق، به ظاهر خلق نمی‌نگرد بلکه به باطن نظر دارد، لذا به روح و جان حاجی نظر می‌افکند و روا نیست انسان با آلودگی به محضر حق وارد شود. از این رو پیش از ورود به حرمین شریفین لازم است حاجی خانه دل را از گناه پاک نماید، آن‌گاه به‌سوی کوی دوست حرکت کند.
حاجی باید توبه نموده به ویژه از گناه در باره حق الناس توبه نماید، توبه این‌گونه گناهان، پس از پشیمانی و تصمیم به ترک گناه، آن است که در صورت امکان رضایت مردم را جلب و سپس از پیشگاه حق، طلب مغفرت نماید. اگر مالی از کسی به زور گرفته، آن را به صاحبش برگرداند و اگر صاحبش را نمی‌شناسد با اذن مرجع تقلید از سوی صاحب اصلی صدقه دهد، اگر غیبت دیگران را کرده از آن‌ها حلالیت بطلبد و پس از آن استغفار نماید.
اخلاص شرط اساسی در تمامی عبادات است، هرکس عبادتی را برای خودنمایی و ریا و یا دستیابی به امور مادی و دنیایی انجام دهد، از آن عمل هرگز بهره و نصیبی نخواهد برد. بنابر این حاجی باید اخلاص داشته باشد.
همچنین یکی از مستحبات سفر، وصیت کردن پیش از رفتن به مسافرت است که نباید از آن غفلت شود. همچنین غسل و صدقه دادن از امور بسیار مهمی است که در هنگام سفر باید انجام شوند.

ص: 66

خود آزمایی

1. چرا قبل از سفر باید توبه و استغفار نمود؟
2. گناهان بر چند دسته‌اند و چگونه باید ازهر یک از گناهان توبه نمود؟
3. توبه نصوح چه نوع توبه‌ای است؟
4. چرا حاجی باید اخلاص در نیت داشته باشد؟
5. رسول خدا(ص) در باره ضرورت وصیت کردن چه فرموده‌اند؟

ص: 67

ص: 68
پرهیز از عجله، حفظ اثاثیه و پرداخت هزینه‌ها و ...

درس پنجم: پرهیز از عجله، حفظ اثاثیه و پرداخت هزینه‌ها، یادآوری نعمت ها، صدقه دادن

هدف‌های آموزشی

انتظار می‌رود با مطالعه این درس:
- با آثار منفی عجله آشنا شویم
- با روایات مربوط به موضوعات درس آشنا شویم
- ضرورت یادآوری نعمت‌های خداوند را فراگیریم
- اهمیت صدقه دادن را بدانیم

یکی از نکات مهم در سفر حج پرهیز از عجله و شتاب است، نکته مهم دیگر دقت در حفظ کردن اثاثیه و چگونگی پرداخت هزینه‌ها است که در این درس مورد بحث قرار گرفته است. همین‌طور در این درس ضرورت یادآوری نعمت‌های الهی نیز مطرح شده است.

ص: 69

پرهیز از عجله و شتاب

در سفر، هرگز در انجام کارها نباید عجله کرد؛ زیرا عجله موجب می‌شود تا کار یا به‌درستی انجام نشود و یا دارای فضای معنوی مناسب نباشد.
رسول خدا(ص) فرمود:
«الْاَنَاةُ مِنَ اللَّهِ وَ الْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ». (1)
«تأنّی در کارها از جانب خدا و عجله از جانب شیطان است.»
مرحوم علامه ملا مهدی نراقی در تعریف عجله‌می‌گوید:
«عجله حالتی است در دل که به مجرد خطور امری در ذهن، بی‌درنگ و بدون تأمل در باره آن، به آن اقدام کند و این حالت از لوازم ضعف وکوچکی نفس و از درهای بزرگ ورود شیطان به دل آدمی است که بسیاری از مردم را از این راه به هلاکت افکنده است». (2)
یکی از دلایل مذمّتِ عجله و شتاب، آن است که کارها، اگر بخواهد صحیح انجام شود باید همراه با بصیرت و معرفت باشد و این نیاز به تأنی و آرامش و صبر دارد و فردی که شتاب‌زده عمل می‌کند فرصت اندیشیدن در کارها را نیافته و در نتیجه کاری انجام می‌دهد که سرانجامِ آن، پشیمانی و خسران خواهد بود.
علی(ع) فرمود:

1- همان، ج 27، ص 169.

2- جامع‌السعادات، ج 1، ص 335.

«مَعَ الْعَجَلِ یَکْثُرُ الزَّلَلُ». (1)
«با شتابزدگی، لغزش‌ها فراوان گردد.»
امیر مؤمنان علی(ع) هنگام شهادت، به فرزند بزرگوارشان امام حسن مجتبی(ع) فرمودند:
«أَنْهَاکَ عَنِ التَّسَرُّعِ بِالْقَوْلِ وَ الْفِعْلِ». (2)
«تورا ازشتاب در گفتار و کردار نهی می‌کنم.»

مسافر باید حافظ و نگهبان پول و اثاثیه خود باشد و در طول سفر مراقبت کند تا چیزی را گم نکند و یا در محلّی جا نگذارد.
صفوان جمال به امام صادق(ع) گفت:
«می‌خواهم به حج بروم، خانواده من نیز همراه من است، نفقه سفرم را در کیسه‌ای گذاشته، به کمر می‌بندم [نظر شما در این‌باره چیست؟]
امام صادق(ع) فرمود:
آری، پدرم] امام باقر(ع) [پیوسته می‌فرمود:
«حفظ و نگهبانی نفقه از توانمندی مسافر است». (3)
یعقوب بن سالم گوید: به امام صادق(ع) گفتم:
همراه من درهم‌هایی است که دارای تصویراند و من نیز مُحرم هستم؛

1- غررالحکم، ح 9740.

2- امالی طوسی، ص 7.

3- وسائل‌الشیعه، ج 11، ص 419، ح 15152.

آن‌ها را در همیانم قرار داده و آن را به کمر می‌بندم.] آیا اشکالی ندارد؟ [امام فرمودند: مانعی ندارد. مگر نه این است که آن‌ها خرجی سفر تو است؟ و پس از خداوند عزّ و جل اعتماد تو بر آن‌ها است؟ (1)
بنابراین در سفر حج، حاجی باید مراقب ارز و دیگر کالاهای همراه خود بوده، آن‌ها را به صندوق امانات تحویل دهد و یا در جای امنی نگهداری کند تا گرفتار سرقت‌های احتمالی و یا مفقود شدن نشود.

پرداخت هزینه‌ها

رسول خدا(ص) فرمود:
«مستحب است وقتی گروهی با هم به مسافرت می‌روند، مخارج سفر را از مال خود جدا نموده، آن را پرداخت کنند.
این شیوه برای اخلاق آن‌ها بهتر و برای خودشان پاکیزه‌تر است». (2)
بدیهی است اگر هر مسافری برای تهیه غذا و امکانات مورد نیاز خود، بخواهد جداگانه تصمیم‌گیری نموده، اقدام نماید و یا تنها برای خود غذا طبخ کند، علاوه بر صرف وقت زیاد، خستگی روحی به‌دنبال دارد و از فیض حضور در اماکن مقدس مکه و مدینه نیز کم‌بهره خواهد شد.

1- من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 280، ح 2449.

2- وسائل‌الشیعه، ج 11، ص 413، ح 15136.

از این رو شاید بتوان گفت، الگوی امروزه حج و عمره همان توصیه روایت است که زائر هزینه‌های خود؛ اعم از هواپیما، هتل، غذا و ... را یک‌جا پرداخت نموده، به‌شکل کاروانی حرکت می‌کند و در مدتی که در مکه و مدینه حضور دارد، به‌هیچ وجه دغدغه غذا و مسکن و امثال آن را ندارد و در نتیجه می‌تواند برای لحظه لحظه حضور خود در حرمین شریفین برنامه‌ریزی نموده، بهره معنوی ببرد.

مستحب است مسافر به هنگام سوار شدن بر مرکب و وسیله نقلیه، نعمت‌های الهی را به‌یاد آورده، از خداوند سپاسگزاری نماید.
امام صادق(ع) فرمود:
«هنگامی که پا در رکاب نهادی بگو:
بِسْمِ‌اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم، بِسْمِ‌الله وَ الله اکْبَر؛ به‌نام خدا و خدا بزرگ‌تر است] از آن که به وصف درآید [و آنگاه که بر مرکب جای گرفتی و استقرار یافتی بگو:
«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِلْاسْلامِ وَ عَلَّمَنَا الْقُرْآنَ وَ مَنَّ عَلَیْنَا بِمُحَمَّد(ص)، سُبْحَانَ اللَّهِ، سُبْحَانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَ مَا کُنَّا لَهُ مُقْرِنِینَ وَ إِنَّا إِلَی رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَامِلُ عَلَی الظَّهْرِ وَ الْمُسْتَعَانُ عَلَی الْامْرِ، اللَّهُمَّ بَلِّغْنَا بَلاغاً یَبْلُغُ إِلَی خَیْر بَلاغاً یَبْلُغُ إِلَی رِضْوَانِکَ وَ مَغْفِرَتِکَ، اللَّهُمَّ لا طَیْرَ إِلّا طَیْرُکَ وَ لا خَیْرَ إِلّا خَیْرُکَ وَ لا حَافِظَ غَیْرُکَ». (1)

1- همان، ص 387، ح 15080.

سپاس خدای را که ما را به اسلام هدایت کرد و به ما قرآن آموخت و با فرستادن رسولش محمد(ص) بر ما منت نهاد؛ منزه است خدا، منزه است خدایی که این مرکب را در اختیار ما نهاد و آن را مسخّر ما ساخت؛ ما توان آن را نداشتیم و همانا به‌سوی پروردگارمان برمی‌گردیم و سپاس مخصوص پروردگار جهانیان است.
بارخدایا! تو ما را بر این مرکب سوار نمودی و تو در هر کاری پشتیبان هستی. بارخدایا! ما را به جایی رسان که به خیر و خوبی منتهی گردد، به‌جایی که به آمرزش و رضوان تو نائل گردیم. بارخدایا! هیچ امری جز امر تو و هیچ خیری جز خیر تو و حافظ و نگهدارنده‌ای جز تو نیست.»
علی بن ربیعه اسدی گوید:
امیر مؤمنان علی بن ابی‌طالب(ع) بر مرکب سوار شد، هنگام پانهادن در رکاب فرمود: «بِسْمِ اللهِ، و پس از آن‌که روی مرکب استقرار یافت فرمود:
«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی أَکْرَمَنَا وَ حَمَلَنَا فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَ رَزَقَنَا مِنَ الطَّیِّبَاتِ وَ فَضَّلَنَا عَلَی کَثِیر مِمَّنْ خَلَقَ تَفْضِیلا سُبْحَانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَ مَا کُنَّا لَهُ مُقْرِنِینَ». (1)
«سپاس خداوندی را که ما را گرامی داشت و درخشکی و دریا ما را حمل نمود و از غذاهای پاک و پاکیزه به ما روزی داد و ما را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری بخشید، منزه است خدایی که این مرکب را مسخّر ما ساخت و ما توان تسخیر آن را نداشتیم.»

1- همان، ص 390.

سپس سه مرتبه «سبحان‌الله» و سه مرتبه «الحمدلله» گفت و آن‌گاه فرمود:
«رَبِّ اغْفِرْ لِی فَإِنَّهُ لا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلّاأَنْتَ». (1)
«پروردگارا! مرا ببخش، که گناهان را جز تو کسی نمی‌بخشد.»
و در ادامه فرمود:
«رسول خدا(ص) [هنگام سفر] در حالی که من کنار او قرار داشتم، این‌چنین عمل می‌کرد.» (2)
بنابراین، شایسته است حاجی هنگام حرکت، لحظه‌ای با خود بیاندیشد و نعمت‌های خداوند را به‌یادآورد و پروردگار را به‌خاطر نعمت سلامتی، توفیق یافتن برای چنین سفر ارزشمندی، فراهم ساختن ابزار و وسایل سفر و دیگر نعمت‌هایی که به او عنایت فرموده سپاس گوید.
آن‌گاه براساس آیه شریفه لإِنْ شَکَرْتُمْ لأَزِیدَنَّکُمْ، خداوند نعمت‌هایش را در این سفر بر حاجی افزون خواهد کرد.

صدقه

مستحب است مسافر هنگام حرکت، صدقه دهد (3) و با نیکی به مردم، سفر را آغاز کند.

1- همان.

2- همان، ص 390، ح 15085.

3- محاسن، ج 2، ص 348، ح 231.

امام صادق(ع) فرمود:
«تَصَدَّقْ وَ اخْرُجْ أَیَّ یَوْمٍ شِئْتَ». (1)
«صدقه بده و هر روزی خواستی خارج شو.»
ابن ابی عمیر گوید:
به ستارگان می‌نگرم، آن‌ها را می‌شناسم و شگون و سعد و نحس طلوع ستارگان را نیز می‌دانم، پس در من تردید به وجود آمد، به موسی بن جعفر(علیهما السلام) شکوه بردم، آن حضرت فرمود:
«اگر در وجود تو مسأله‌ای [نگران‌کننده] پیدا شد به نخستین مسکینی که رسیدی صدقه بده و سپس بگذر. پس همانا خداوند- عزّ و جلّ- آن نگرانی را از تو دفع می‌کند.» (2)
صدقه منافع فراوانی دارد که یکی از آن‌ها جلوگیری از بَدْ مردن است.
رسول خدا(ص) فرمود:
«الصَّدَقَةُ تَمْنَعُ مِیتَةَ السَّوْءِ». (3)
«صدقه از مرگ بد و دلخراش جلوگیری می‌کند.»
صدقه همچنین هفتاد نوع بلا را دفع می‌کند (4) و هفتاد در، از بلا را به‌روی انسان می‌بندد. (5) دادنِ صدقه در آغاز و در طول سفر حج، مورد تأکید روایات است.

1- وسائل‌الشیعه، ج 11، ص 375، ح 15051.

2- همان، ص 376، ح 15054.

3- بحارالانوار، ج 96، ص 124، ح 35.

4- کنزالعمال، ح 15982.

5- بحارالانوار، ج 62، ص 269.

امام صادق(ع) فرمود:
«شایسته است حاجی هنگامی که مناسک حج را انجام داد وتصمیم گرفت از مکّه خارج شود، یک درهم خرما بخرد و آن را صدقه دهد». (1)
در دادن صدقه به این نکته هم باید توجه داشت که گرچه صدقه‌گیرنده، فرد فقیر و مسکین است، لیکن گیرنده اصلی خداوند است و در نتیجه صدقه‌دهنده با خدا معامله کرده و چند برابر در دنیا و آخرت پاداش دریافت خواهد کرد.
امام صادق(ع) فرمود:
«همانا خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید:
هیچ چیزی نیست مگر آن‌که، کسی را مأموریت داده‌ام‌تاآن را بگیرد جز صدقه، که آن را خود می‌گیرم». (2)

خلاصه درس

در سفر، هرگز در انجام کارها نباید عجله کرد؛ زیرا عجله موجب می‌شود تا کار یا به‌درستی انجام نشود و یا دارای فضای معنوی مناسب نباشد.
نکته مهم دیگری که در این درس مورد بحث قرار گرفته ضرورت حفظ اثاثیه است، مسافر باید حافظ و نگهبان پول و اثاثیه خود باشد و در طول سفر مراقبت کند تا چیزی را گم نکند و یا در محلّی جا نگذارد.

1- کافی، ج 4، ص 533.

2- بحارالانوار، ج 80، ص 329، ح 2.

نکته مهم دیگر دقت در پرداخت هزینه‌هاست. یادآوری نعمت‌های الهی و شکرگزاری از خداوند است نیز از اموری است که اهمیت ویژه دارد. بنابراین شایسته است حاجی هنگام حرکت، لحظه‌ای با خود بیاندیشد و نعمت‌های خداوند را به‌یادآورد و پروردگار را به‌خاطر نعمت سلامتی، توفیق برای چنین سفر ارزشمندی، فراهم ساختن ابزار و وسایل سفر و دیگر نعمت‌هایی که به او عنایت فرموده سپاس گوید. همین‌طور مستحب است مسافر به ویژه حاجی، هنگام حرکت، صدقه دهد (1) و سفر را با نیکی به مردم آغاز کند.

خودآزمایی

1. عجله و شتاب در سفر چه پیامدهای منفی در پی دارد؟
2. علی(ع) در باره عجله کردن چه فرموده‌اند؟
3. امام صادق(ع) در ارتباط با حفظ اثاثیه در سفر چه فرموده‌اند؟
4. آثار صدقه را نام ببرید.
5. اهمیت یادآوری نعمت‌های خداوند را بیان کنید.

1- محاسن، ج 2، ص 348، ح 231.

ص: 78

درس ششم: اخلاق حاجی، مهرورزی، احترام و سلام کردن به همسفران، لبخند وکمک به آنان

هدف‌های آموزشی

انتظار می‌رود با مطالعه این درس:
- با اخلاق شایسته‌ای که یک زائر باید داشته باشد، بهتر آشنا شویم
- به اهمیت مهرورزی و احترام به دیگران پی ببریم
- با اهمیت احترام به بزرگسالان بیشتر آشنا شویم

در این درس با موضوعات مهمی از قبیل اخلاق شایسته حاجیان و احترام به همسفران، ضرورت داشتن اخلاق شایسته به ویژه در سفر معنوی حج و احادیثی در این باب آشنا می‌شویم. اهمیت

ص: 79
مهرورزی و محبت به دیگران، از دیگر مطالب مطرح شده در این درس است.
همین‌طور اهمیت سلام کردن به همسفران و لبخند زدن و کمک به آنان و روایات مرتبط با آن بیان شده است.

رعایت اخلاق اسلامی در سفر حج یکی از ضروریات این سفر عبادی و معنوی است. کسانی که می‌خواهند از این سفر بهره معنوی برده، مورد عنایت حضرت حق قرار گیرند، باید نکاتی را رعایت کنند:
امام باقر(ع) فرمود:
«مَا يُعْبَأُ مَنْ يَسْلُكُ هَذَا الطَّرِيقَ إِذَا لَمْ يَكُنْ فِيهِ ثَلاثُ خِصَالٍ:
وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنْ مَعَاصِى اللَّهِ وَ حِلْمٌ يَمْلِكُ بِهِ غَضَبَهُ وَ حُسْنُ الصُّحْبَةِ لِمَنْ صَحِبَهُ». (1)
«کسی که به حج می‌رود و این راه را طی می‌کند، اگر سه خصلت در وی نباشد مورد عنایت و توجه [خداوند] قرار نمی‌گیرد:
1. ورع و پارسایی که او را از گناه بازدارد.
2. صبر و بردباری که بتواند خشم خود را در اختیار گیرد.
3. خوش‌رفتاری با همراهان.»
در سفر حج، به دلیل بسیاری بیش از حد مسافران و نیز محدودیت بسیاری از امکانات، معمولاً مشکلاتی بروز می‌کند که اگر حاجی دارای

1- کافی، ج 4، ص 286.

ویژگی‌های فوق نباشد ممکن است خدای ناکرده با دیگران درگیری پیدا کرده، موجب آزار و اذیب دیگران گردد. برای پیشگیری از بروز چنین وضعیتی، در مرحله اول نیاز به ورع و پارسایی است تا حاجی بتواند از یک‌سو خود را کنترل کند و از سوی دیگر به ثمرات حج دست یابد.
رسول خدا(ص) فرمود:
«کسی که حج یا عمره انجام دهد و در آن گناه و فسقی مرتکب نشود، برمی‌گردد همانند روزی که از مادر متولد شده است». (1)
بنابراین ورع می‌تواند مانع انجام گناه و موجب آمرزش شود.
نکته دیگر این‌که حاجی باید تمرین کند تا همیشه در برابر مشکلات و سختی‌ها صبور و بردبار بوده، آشفته و خشمگین نشود.
رسول خدا(ص) در این زمینه فرمود:
«خشم ایمان را تباه می‌کند، چونان که سرکه عسل را خراب می‌کند». (2)
روزی عربی بیابانی نزد رسول خدا(ص) آمد وگفت:
من مردی بیابان‌نشینم، سخنانی جامع به من بیاموز] تا راهنمای عملم باشد [.
حضرت فرمود: به تو فرمان می‌دهم که خشم نکنی!
عرب سه‌بار سؤال خود را تکرار کرد و حضرت همان پاسخ را داد، تا آن‌که آن مرد به خود آمد و گفت:

1- سنن دارقطنی، ج 2، ص 284.

2- کافی، ج 2، ص 302.

پس از این دیگر چیزی سؤال نمی‌کنم؛ رسول‌خدا(ص) جز به خیر مرا فرمان نداده است. (1)
زیبایی کلام رسول خدا(ص) را سخن امام صادق(ع) تفسیر می‌کند که فرمود:
«الْغَضَبُ مِفْتَاحُ کُلِّ شَرٍّ». (2)
«خشم کلید هر بدی است.»
بنابراین هر حاجی باید مراقب خود باشد تا بر کسی خشم نگیرد و اگر خشمگین شد، خشم خویش را فرو برد و اجازه ندهد که خدای ناکرده به درگیری و خشونت مبدّل گردد.
امام صادق(ع) فرمود:
«هیچ بنده‌ای خشم خود را فرو نبرد مگر آن‌که خداوند بر عزت او در دنیا و آخرت بیافزاید ...». (3)
و سومین توصیه، خوش‌رفتاری با همسفران است.
امام صادق(ع) فرمود:
« [در سفر حج] خویشتن را آماده ساز تا با هرکس همراه می‌شوی، همنشینی خوب و خوش‌اخلاق باشی، زبانت را نگه‌دار و خشمت را فرونشان، از کارهای بیهوده و بی‌فایده کم‌کن، عفو و بخشش‌ات را برای دیگران بگستران و سخی و گشاده‌دست باش». (4)

1- همان.

2- همان، ص 303.

3- همان، ص 110.

4- همان، ج 4، ص 286.

مردی نزد رسول خدا(ص) آمد و گفت: ای رسول‌خدا به من سفارشی کن.
حضرت توصیه‌هایی به او نمود، از جمله فرمود:
«با برادر دینی‌ات با روی گشاده برخورد کن». (1)
یکی از اصحاب امام صادق(ع) نیز گوید:
به آن حضرت گفتم: حدود حسن خلق چیست؟ امام فرمود:
«این‌که بال خود را برای دیگران بگسترانی و نرم‌خو باشی، سخن شیرین بگویی و با برادر دینی‌ات با خوش‌رویی برخورد کنی.» (2)
ابوربیع شامی گوید:
خدمت امام صادق(ع) رسیدم، در حالی‌که خانه پر از جمعیت بود و جمعی از اهالی خراسان و شام و دیگر نقاط جهان آن‌جا حضور داشتند، به‌شکلی که من جایی را نیافتم تا بنشینم.
پس دیدم امام صادق(ع) در حالی که تکیه داده بودند، روی دو زانو نشسته، فرمودند:
«ای شیعیان آل محمد، از ما نیست آن کس که به هنگام خشم، خود را کنترل نکند و از ما نیست آن کس که با همنشین خود، به خوشی سخن نگوید و با هم‌نوعان خود خوش‌خلقی ننماید و با رفیقان خود رفاقت نکند و برای همسایگان خود همسایه خوبی نباشد. ای شیعیان آل محمد، از خداوند بترسید و تا می‌توانید تقوا داشته باشید.»

1- همان، ج 2، ص 103.

2- همان.

ص: 83

مهرورزی به مردم

توجه به ارزش‌های اخلاقی اسلام در سفر حج، این سفر را بسیار شیرین و جاذبه‌دار می‌کند. برای آن‌که از هرگونه کدورتی پیشگیری شود، حاجیان در برخورد با همسفران این نکات را رعایت کنند:

امام صادق(ع) به نقل از رسول خدا(ع) فرمود:

«سه چیز پایه‌های دوستی مرد با برادر دینی خود را محکم می‌کند:

1. همیشه با خوش‌رویی با او برخورد کند؛
2. در مجلس هرگاه به‌سوی او آمد، برایش جا باز کند و او را در کنار خود بنشاند؛
3. او را به هر نامی که خودش دوست دارد صدا بزند». (1)

امام باقر(ع) نیز فرمود:

روزی یکی از اعراب بنی‌تمیم به حضور رسول‌خدا(ص) شرفیاب شد و گفت: یا رسول‌الله مرا سفارشی کن.

حضرت در ضمن سفارش‌هایی به او فرمود:

«با مردم دوستی کن وآنان را دوست‌بدار تا تو را دوست بدارند». (2)

احترام به سال‌خوردگان

در هر کاروانی معمولاً تعدادی افراد سال‌خورده وجود دارند که نیازمند کمک همسفران خویش‌اند. هنگام سوار شدن و پیاده شدن از

1- همان، ص 643.

2- همان، ص 642.

اتوبوس و یا هواپیما و رفتن و برگشتن به حرم و بالأخره هنگام انجام اعمال، سزاوار است دیگر حاجیان آن‌ها را یاری دهند.
امام صادق(ع) فرمود:
«احترام به مرد سال خورده، احترام به خدا است». (1)
در حدیثی دیگر رسول خدا(ص) فرمود:
«هرکس، سالمندی را که در اسلام موی خود را سپید کرده احترام کند، خداوند او را از هراس روز قیامت آسوده سازد». (2)

سلام کردن به همسفران

انس و علاقه میان برادران و خواهران دینی، یکی از زیباترین هدیه‌های دین مقدس اسلام به مردم است و از جمله اموری که می‌تواند این پیوند را استوار سازد، سلام کردن به یکدیگر است. در برخوردهای داخل کاروان و نیز در دیدار با مسلمانان دیگر کشورها، سخن را با سلام آغاز کنید.
رسول خدا(ص) فرمود:
«پیش از سخن گفتن سلام کنید و کسی که بدون سلام سخن آغاز کرد پاسخش را ندهید». (3)
آن حضرت در حدیث دیگری فرمود:
«نزدیک‌ترین مردم به خدا و رسولش کسی است که آغاز به سلام کند». (4)

1- همان، ص 658.

2- همان.

3- همان، ص 644.

4- همان.

هنگام سلام گفتن نیز بلند سلام دهید تا طرف مقابل صدای شما را بشنود.
امام باقر(ع) فرمود:
«خداوند، آشکار سلام کردن را دوست می‌دارد». (1)
امام صادق(ع) نیز فرمود:
«هرگاه یکی از شما به دیگری سلام دهد، صدا به سلام بلند کند و نگوید: من سلام کردم، آن‌ها جوابم را ندادند. شاید سلام کرده و آن‌ها نشنیده باشند! هر یک از شما نیز که جواب سلام را می‌دهد، بلند جواب دهد تا مسلمانی نگوید: من سلام کردم و پاسخ من را ندادند ...». (2)
روش سلام کردن را نیز پیشوایان دین، به ما آموخته‌اند.
امام صادق(ع) فرمود:
«کوچک بر بزرگ، رهگذر بر کسی که نشسته و آنان که تعدادشان کم است بر کسانی که تعدادشان بیشتر است سلام کنند.» (3)
همچنین اگر تعدادی در مجلسی نشسته‌اند آنان که تازه به مجلس وارد می‌شوند به آنان که قبلاً در آن مجلس حضور یافته‌اند سلام دهند. (4)

1- همان، ص 645.

2- همان.

3- همان، ص 646.

4- همان، ص 647.

اما اگر جمعی نشسته‌اند و گروهی به مجلس وارد شده و سلام کنند، کافی است یک نفر آن را پاسخ دهد. (1)

لبخند به همسفران

حاجیان در طول سفر حج تلاش کنند تا در برخورد با همسفران به روی آنان لبخند بزنند.
امام باقر(ع) فرمود:
«تَبَسُّمُ الرَّجُلِ فِی وَجْهِ أَخِیهِ حَسَنَةٌ وَ صَرْفُ الْقَذَی عَنْهُ حَسَنَةٌ وَ مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَیْءٍ أَحَبَّ إِلَی اللَّهِ مِنْ إِدْخَالِ السُّرُورِ عَلَی الْمُؤْمِنِ». (2)
«لبخند هر مردی به‌روی برادر مؤمن خود حسنه است و پاداش دارد و برگرفتن خار و خاشاک از چشم او [و برداشتن مانع از سر راه او] حسنه است و خدا به چیزی محبوب‌تر ازمسرورساختن مؤمن پرستش نشده است.»
امام صادق(ع) نیز فرمود:
«کسی از شما گمان نبرد که اگر مؤمنی را شاد کند فقط او را خوشحال کرده، بلکه به خدا ما را شاد کرده و بلکه به‌خدا سوگند رسول خدا(ص) را شادمان کرده است». (3)

1- همان.

2- همان، ص 188.

3- همان، ص 189.

ص: 87

کمک به همسفران

مستحب است مسافر به همراهان خود در طول سفر کمک کند و بار خویش را به‌دوش دیگران نیاندازد.
در حضور رسول خدا(ص) سخن از مردی به‌میان آمد و درباره او گفته شد: او آدم خوبی است. سپس درباره اوصاف وی به پیامبر(ص) عرض شد: او با ما به حج آمد، هر زمان در مکانی منزل می‌کردیم، پیوسته ذاکر خدا بود و «لاإِلهَ إِلّا اللهُ» می‌گفت و آن‌گاه که حرکت می‌کردیم، پیوسته خدا را یاد می‌کرد و ذکر خدا می‌گفت تا باز در منزلی دیگر فرود می‌آمدیم.
رسول خدا(ص) فرمود:
پس چه کسی شترش را علوفه می‌داد و غذایش را آماده می‌کرد؟
پاسخ دادند: همه ما.
رسول خدا(ص) فرمود: همه شما از او بهترید! (1)
پیامبر(ص) در این زمینه برای اصحاب و یاران خویش الگو بود. در روایت آمده است که آن حضرت در سفری به اصحاب خود فرمودند تا گوسفندی قربانی کنند، یکی از مردان همراه گفت: ذبح گوسفند به‌عهده من؛ دیگری گفت: پوست‌کندن آن نیز با من؛ سوّمی گفت: قطعه‌قطعه کردن گوشت‌ها با من و چهارمی گفت پختن آن نیز با من.
رسول خدا(ص) نیز فرمود: فراهم کردن هیزم نیز با من! اصحاب گفتند یا رسول‌الله، پدران و مادران ما فدای شما باد! نباید شما به‌زحمت بیفتید، ما به‌جای شما کارها را انجام می‌دهیم!

1- مکارم‌الاخلاق، ج 1، ص 564، ح 1955؛ میزان‌الحکمة، ح 8614.

حضرت فرمود: می‌دانم که شما به‌جای من انجام می‌دهید، لیکن خداوند عزّوجل دوست نمی‌دارد بنده‌ای را که اگر با گروهی مسافرت کرد، گوشه‌ای بنشیند] وکار نکند [. حضرت این سخن را فرمود و برخاست تا برای آن‌ها هیزم جمع‌آوری کند. (1)
بنابراین، گرچه هم‌اکنون کارها به مدیر و خدمه کاروان واگذار گردیده، لیکن حاجی نباید خود را از فیض خدمتگزاری به حاجیان محروم سازد. امام سجاد(ع) مسافرت نمی‌رفتند مگر با کسانی که آن حضرت را نمی‌شناختند و از همان آغاز نیز با آن‌ها شرط می‌کردند که در طول سفر کار کنند و نیازهای کاروان را برآورده سازند.
در یک سفری که حضرت با گروهی همراه شد، مردی آن حضرت را دید و شناخت، سپس به کاروانیان گفت:
آیا می‌دانید این مرد کیست؟ گفتند: نه.
گفت: این علی بن الحسین(علیهما السلام) است!
آن جمع به‌طرف آن حضرت آمده، دست و پای ایشان را بوسه زدند و گفتند: فرزند رسول خدا! آیا می‌خواستی به‌دلیل رفتار نادرست ما با شما، آتش دوزخ ما را فرا گیرد؟ و در پایان عمر به هلاکت گرفتار آییم؟ چه باعث شده تا شما این‌چنین عمل کنید؟
حضرت فرمود: یک وقت با گروهی که مرا می‌شناختند همسفر شدم؛ آن‌ها به‌خاطر رسول خدا بیش از حد به من احترام و کمک کردند و من نگران تکرار آن توسط شما بودم، بنابراین مخفی بودن کارم را بیشتر دوست دارم! (2)

1- بحارالانوار، ج 76، ص 273، ح 31.

2- وسائل‌الشیعه، ج 11، ص 430، ح 15177.

پیامبر(ص) فرمود:
«کسی که مؤمنِ مسافری را یاری دهد، خداوند هفتاد و سه ناراحتی را از وی دفع کند و در دنیا و آخرت او را از همّ و غم پناه دهد و بلای بزرگی را که در روز اجتماع مردم [فردای قیامت]، با آن روبه‌رو است مرتفع سازد». (1)
اسماعیل خَثْعَمی گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: وقتی ما] در سفر حج [به مکه می‌رسیم، همراهان ما مرا نزد اثاثیه گذاشته، خود به طواف می‌روند.
حضرت فرمود:
«انْتَ اعْظَمُ اجْراً».
«پاداش و اجر تو از آن‌ها بیشتر است». (2)
شخص دیگری به‌نام مُرازِم بن حکیم گوید:
با محمد بن مُصادِف همراه بودم، وقتی به مدینه رسیدیم من بیمار شدم، وی نیز مرتب مرا تنها می‌گذاشت و به مسجد می‌رفت، من شکایت او را به پدرش مصادف کردم، او نیز مسأله را به امام صادق(ع) خبر داد، حضرت برای محمد بن مصادف پیغام فرستاد و فرمود:
«قُعُودُکَ عِنْدَهُ أَفْضَلُ مِنْ صَلاتِکَ فِی الْمَسْجِدِ». (3)
«نشستن تو در کنار او، از نماز خواندنت در مسجد بالاتر و برتر است.»

1- همان.

2- کافی، ج 4، ص 545، ح 26.

3- همان، ص 27.

رسول خدا(ص) فرمود:
«سَیِّدُ الْقَوْمِ خادِمُهُمْ فِی السَّفَرِ». (1)
«بزرگ هر قومی کسی است که در سفر خدمتگزار آنان باشد.»
بنابراین در طول سفر، به خصوص روزهایی که حاجیان به عرفات و مشعر و منا می‌روند، همسفران به ویژه افراد مسن و بیمار را یاری دهند تا با این عمل، پاداش آن‌ها مضاعف گردد.

خلاصه درس

داشتن اخلاق شایسته برای حاجیان بسیار حائز اهمیت است. رعایت اخلاق اسلامی در سفر حج یکی از ضروریات این سفر عبادی و معنوی است. کسانی که می‌خواهند از این سفر بهره معنوی برده، مورد عنایت حضرت حق قرار گیرند، باید دارای اخلاق شایسته باشند و از خشمگین شدن بپرهیزند و صبوری پیشه کنند و با همسفران خوش خلق باشند. از سوی دیگر مهرورزی به دیگران بسیار مهم است.
نکته مهم دیگر احترام به سالخوردگان، سلام کردن به همسفران، لبخند زدن و خوشحال کردن آنان است که در این درس به آن‌ها اشاره گردید. از جمله نکات مهم دیگر کمک کردن به همسفران است که مستحب است حاجی به هر میزان که می‌تواند به همسفران خود کمک نماید و بار خود را به دوش آنان نیندازد.

1- محجةالبیضاء، ج 4، ص 61.

ص: 91

خودآزمایی

1. خصوصیات اخلاقی شایسته کدامند؟
2. درباره داشتن اخلاق شایسته امام باقر(ع) چه فرموده‌اند؟
3. از نظر امام صادق(ع) کدام عوامل دوستی را تقویت می‌کند؟
4. رسول خدا(ص) در باره سلام کردن چه فرموده‌اند؟
5. در احادیثی که از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) نقل شده اهمیت لبخند زدن چگونه بیان شده است؟
6. در روایات چه توصیه‌هایی برای کمک به دیگران شده است؟

ص: 92

درس هفتم: ترک ناسازگاری، آزارنرساندن، نادیده گرفتن لغزش‌ها، بازگو نکردن خاطرات تلخ، ...

هدف‌های آموزشی

انتظار می‌رود با مطالعه این درس:
- با ضرورت ترک ناسازگاری در سفر آشنا شویم
- ضرورت آزار نرساندن به دیگران را بیشتر بدانیم
- به اهمیت نادیده گرفتن لغزش‌های دیگران بیشتر توجه کنیم
- با توصیه‌های اهل بیت(علیهم السلام) درباره بازگو نکردن خاطرات تلخ و جوانمردی در سفر آشنا شویم
- به اهمیت مدارا با بیماران و حل مشکل همسفران پی ببریم

ص: 93
در این درس چند نکته مهم اخلاقی مطرح شده که توجه زائران به آن‌ها ضروری است. یکی از نکات مهم ترک ناسازگاری و خودداری از کم حوصله‌گی و نیز مدارا با همسفران است. نکته مهم دیگر آزار نرساندن به دیگران به ویژه در اماکن شلوغ و پر تردد است. همچنین نادیده گرفتن لغزش‌های دیگران و گذشت از خطاهای آنان و نیز خودداری از بازگوکردن خاطرات تلخ، و جوانمردانه برخورد کردن با همسفران و کمک به حل مشکلات آن‌ها از نکات مهم این درس است.

ترک ناسازگاری

افراد بشر، هرچه از خوبی‌ها بهره‌مند باشند، باز ممکن است در برخی شرایط گرفتار کم‌حوصله‌گی، بهانه‌گیری و ناسازگاری شوند و به همین دلیل، هم خود و هم دیگران را ناراحت کنند.
رسول خدا(ص) در سفری که به حج مشرف می‌شدند، فرمودند:
«مَنْ کانَ سَیِّیءُ الْخُلْقِ وَ الْجِوارِ فَلا یَصْحَبُنا». (1)
«کسی که بداخلاق است و به همسایه خود بدی می‌کند، با ما همراه نشود.»
دلیل این سخن واضح است؛ زیرا آن کس که در وضعیت عادی کج‌خلق بوده و همسایه‌آزاری می‌کند، هنگام سفر و برخورد با سختی‌ها و مشکلات، رفتاری به مراتب نامناسب‌تر با دیگران خواهد داشت.

1- بحارالانوار، ج 73، ص 273.

علی بن ابی‌طالب(ع) کمی ناسازگاری با همسفران را از نشانه‌های جوانمردی در سفر برشمرده است. (1)
سعدی گوید:
یکی خوب‌کردار خوش خوی بود که بد سیرتان را نکوگوی بود
به خوابش کسی دید چون درگذشت که باری حکایت کن از سرگذشت
دهانی به خنده چو گُل باز کرد چو بلبل به‌صوتی خوش آغاز کرد
که بر من نکردند سختی بسی که من سخت نگرفتمی با کسی (2)
امام صادق(ع) فرمود:
«مسافرت و سیر منازل، توشه انسان را تمام، اخلاق را بد و لباس را فرسوده می‌کند ...». (3)
در مسافرت نظم زندگی عادی مردم به‌هم می‌خورد و در غذا و استراحت و مکان آنان تغییراتی ایجاد می‌شود، این امور موجب تغییر در روحیه و اخلاق آنان می‌گردد، لذا باید مسافران تلاش کنند تا در چنین وضعیتی، همسفران خود را خسته و دل‌آزرده‌نکنند.
ناسازگاری آن‌چنان مذموم است که امام باقر(ع) به نقل از رسول خدا(ص) فرمود:
«اگر ناسازگاری در برابر چشم [مردم] مجسم شود، هیچ آفریده‌ای از مخلوقات خداوند از آن زشت‌تر نخواهد بود.» (4)

1- همان، ص 266، ح 1.

2- بوستان سعدی: باب چهارم، ص 232.

3- بحارالانوار، ج 73، ص 277.

4- کافی، ج 2، ص 321، ح 2.

زخاک آفریدت خداوند پاک پس ای بنده افتادگی کن چو خاک
حریص و جهان‌سوز و سرکش مباش زخاک آفریدندت آتش مباش
چو گردن کشید آتش هولناک به بیچارگی تن بیانداخت خاک
چو آن سرفرازی نمود، این کمی از آن دیو کردند، از این آدمی (1)

زائران، در جلسات و هنگام شرکت در نمازهای جماعت، ورود و خروج به مساجد، سوار شدن به اتوبوس و مواردی از این قبیل، تلاش کنند تا دیگران را آزار ندهند، در مکان‌هایی که می‌روند، هر کجا جای خالی بود بنشینند و از تردّد و عبور میان جمعیت فشرده حجّاج اجتناب نمایند.
سیره رسول خدا(ص) این‌گونه بود که هر وقت به محلی وارد می‌شد، در نزدیک‌ترین جا به ایشان- یعنی دم در- می‌نشست. (2)
آن حضرت همچنین فرمود:
«هرگاه یکی از شما به مجلسی وارد شد، در کنار آخرین نفری که نشسته بنشیند». (3)
رسول خدا(ص) در حدیث دیگری فرمود:

1- بوستان سعدی، ص 189.

2- کافی، ج 2، ص 662.

3- بحارالانوار، ج 16، ص 240.

«هرگاه کسی در مجلسی وارد شود که تعدادی آن‌جا حضور دارند، اگر از میان آنان کسی برادر دینی خود را دعوت نموده و برای وی در کنار خود جا باز کند، باید دعوت او را بپذیرد؛ زیرا این احترامی است که برادر دینی او برای وی قائل شده و بدینوسیله او را گرامی داشته است. و اگر کسی برای وی جا باز نکرد، در مجلس بنگرد، هرکجا جای راحتی برای نشستن بود، همان‌جا بنشیند». (1)

نادیده گرفتن لغزش‌ها

در مسافرت گاهی آگاهانه و گاهی از روی غفلت ممکن است یکی از همسفران دچار لغزش شده، کار خلافی انجام دهد. سیره اهل بیت عصمت و طهارت(علیهم السلام) در این زمینه آن بوده که این لغزش‌ها را یا نادیده می‌گرفتند و یا با تذکر، فرد خطاکار را اصلاح می‌کردند.
زراره از امام باقر و امام صادق(علیهما السلام) نقل کرده که فرمودند:
«نزدیک‌ترین موضع بنده به کفر آن است که با مردی برادر دینی باشد و لغزش‌ها و خطاهای او را شمرده [نزد خود نگه دارد] تا روزی او را به‌خاطر آن لغزش‌ها سرزنش کند». (2)
طبیعی است که هرکس به‌دنبال کشف عیوب و خطاهای مردم باشد، عملاً دیگران را به مقابله دعوت کرده و آنان را بر این کار ترغیب می‌کند و همین، موجب حرمت‌شکنی و درگیری مؤمنان و مسلمانان با

1- همان، ج 72، ص 465.

2- کافی، ج 2، ص 354.

ی
کدیگر خواهد شد.
رسول خدا(ص) فرمود:
«به‌دنبال کشف لغزش‌های مؤمنان نباشید، زیرا هرکس در پی لغزش‌های برادر دینی خود برآید، خداوند لغزش‌های او را دنبال می‌کند و آن‌کس که خداوند به‌دنبال لغزش‌هایش برآید، او را رسوا خواهد کرد، گرچه در داخل خانه‌اش باشد». (1)
در حدیث دیگری امام صادق(ع) از رسول خدا(ص) نقل کرده‌اند که فرمود:
«ای کسانی که به‌زبان اسلام آورده، ولی ایمان در دل‌هایتان نفوذ نکرده است! مسلمانان را نکوهش نکنید و به‌دنبال عیوب آنان نباشید که هرکس چنین کند، خداوند عیوب او را پیگیری می‌کند و هرکه را خداوند دنبال عیب او برآید، او را رسوا می‌کند، گرچه در درون خانه‌اش باشد». (2)
با رعایت این نکته اخلاقی، می‌توان در کاروان‌ها فضایی صمیمی ایجاد کرد و بر شیرینی و لذّت سفر افزود، از این رو حاجیان باید با خوشبینی نسبت به یکدیگر برخورد کنند و هرگز به‌دنبال شمردن لغزش‌های دیگران نباشند.

زندگی در سفر حج، جمعی و گروهی است و درنتیجه، افراد مختلف

1- همان، ص 355.

2- همان، ص 354.

با سلیقه‌ها و رفتارهای گوناگون کنار همدیگر جمع شده، چندین‌روز با هم زندگی می‌کنند. به طور طبیعی این اختلاف سلیقه‌ها، گاهی منتهی به نزاع و درگیری و کدورت می‌شود. توصیه اهل بیت عصمت و طهارت(علیهم السلام) به حاجیان این است که با همسفران خود، جوانمردانه برخورد نموده، پس از مراجعت نیز در هیچ مجلسی، حوادث ناخوشایند سفر را برای دیگران بازگو نکنند.
امام صادق(ع) در حدیثی، یکی از دلایل جوانمردی در سفر را کتمان اسرار و رازداری همراهان پس از جدا شدن از آن‌ها ذکر می‌کنند. (1)
آن حضرت در حدیث دیگری فرمود:
«لَیْسَ مِنَ الْمُرُوءَةِ أَنْ یُحَدِّثَ الرَّجُلُ بِمَا یَلْقَی فِی السَّفَرِ مِنْ خَیْر أَوْ شَرّ». (2)
«این از جوانمردی نیست که انسان آن‌چه از خوب و بد در سفر دیده و با آن برخورد کرده را بازگو نماید.»

جوانمردی در سفر

در سفر حج، حاجیان باید با همسفران جوانمردانه برخورد کنند و سختی‌ها را به جان‌خریده، آسایش و آرامش دیگران را برخود ترجیح دهند.
هنگام سوار شدن به اتوبوس‌ها، موقع صرف غذا، زمان استفاده از

1- مکارم‌الاخلاق، ج 1، ص 541، ح 1876؛ امالی مفید، ص 44، ح 3.

2- آثارالصادقین، ج 8، ص 492.

بالابرها و ... دیگران- به خصوص کودکان و کهنسالان- را برخود مقدم بدارند و با برخورد صحیح و اسلامی و لبخند خستگی را از تن همسفران خویش بزدایند و به تعبیر روایات، از خود جوانمردی نشان دهند.
رسول خدا(ص) تلاوت قرآن، ساختن مسجد، دوست گرفتن برادران دینی به خاطر خدا، جوانمردی در وطن، بخشیدن غذا، خوش‌خلقی و شوخی بدون معصیت را نشانه‌های جوانمردی در سفر دانسته‌اند. (1)
شوخی با دیگران اگر با تمسخر و یا غیبت و امثال آن همراه باشد گناه و معصیت است، لیکن دیگران را خوشحال نمودن و خستگی را از تن آنان زدودن، از عبادات شمرده می‌شود.
صفوان جمّال گوید:
مُعَلی بن خُنَیس هنگام رفتن به سفر، برای خداحافظی خدمت امام صادق(ع) آمد. حضرت به او فرمود:
ای مُعَلی، به وسیله خدا عزّت را طلب کن تا خداوند به تو عزّت بخشد.
معلّی گفت: ای فرزند رسول خدا، چگونه؟
حضرت فرمود:
«ای مُعلّی، از خداوند متعال بترس تا همه‌کس از تو بترسند. ای مُعَلّی، با بخشش به برادرانت، به آنان اظهار دوستی کن؛ زیرا خداوند بخشش را وسیله دوستی و عطا نکردن به دیگران را وسیله دشمنی قرار داده است. به‌خدا قسم اگر شما از من چیزی بخواهید و آن را به شما ببخشم برای من بهتر از آن است که از

1- بحارالانوار، ج 73، ص 266، ح 2.

من چیزی طلب نکنید و من نیز آن را به شما ندهم و در نتیجه مرا دشمن بدارید.
و هرگاه خداوند عزّوجلّ به‌دست من خیری جاری کند و آن به‌شما برسد، همان مورد پسند و ستایش خدا است.» (1)

مدارا با بیماران

در مسافرت‌ها بسیار پیش می‌آید که یکی از همراهان مبتلا به بیماری می‌شود و دوستانش به وی کم‌توجهی یا بی‌توجهی می‌کنند. چه‌بسا می‌توانند او را همراه خود به زیارت ببرند، لیکن به‌دلیل سختی کار، از مسؤولیت‌پذیری خودداری می‌کنند. این عمل با جوانمردی و اخلاق اسلامی در سفر سازگاری ندارد.
روزی مفضّل بن عُمَر خدمت امام صادق(ع) آمد و بر آن حضرت وارد شد، امام از او پرسیدند: با چه کسی همسفر بودی؟
مفضّل گفت: مردی از برادرانم.
حضرت فرمود: او چه شد؟
گفتم: از وقتی که وارد مدینه شده‌ام نمی‌دانم مکان او کجاست!
امام(ع) به من فرمود:
«آیا نمی‌دانی که اگر کسی که چهل‌گام با مؤمنی همسفر شود، خداوند در روز قیامت درباره او از وی سؤال می‌کند؟» (2)

1- امالی طوسی، ص 304.

2- بحارالانوار، ج 73، ص 275.

امام صادق(ع) در حدیثی دیگر فرمود:
«حَقُّ الْمُسَافِرِ أَنْ یُقِیمَ عَلَیْهِ إِخْوَانُهُ إِذَا مَرِضَ ثَلاثاً». (1)
«حق مسافر آن است که اگر بیمار شد، برادرانش تا سه روز کنار او بمانند.»
آن حضرت همچنین فرمود:
«هرکس در راهی با برادر دینی خود همراه شود، سپس از او پیش‌افتد، به اندازه‌ای که از جلوی چشم رفیق خود پنهان گردد، به او ستم کرده است». (2)

حل مشکلات همسفران

گاهی در سفر حج، برای برخی از حاجیان مشکلاتی مانند گم‌کردن پول، بیماری و ... پیش می‌آید که شایسته است همسفران، آن‌ها را یاری دهند و مشکلاتشان را برطرف کنند.
ابان بن تغلب گوید:
با امام صادق(ع) طواف می‌کردم، مردی از اصحاب ما پیش آمد و با اشاره از من خواست تا برای انجام کاری همراه او بروم، لیکن من دوست نمی‌داشتم طواف با امام صادق(ع) را رها کرده، او را همراهی کنم. پس در همان حال که طواف می‌کردم، بار دیگر به من اشاره کرد و امام صادق(ع) او را دید، پس فرمود:
ابان، این مرد تو را می‌خواهد؟

1- همان، ص 273.

2- همان، ص 275.

گفتم: آری.
فرمود: او کیست؟
گفتم: مردی از اصحاب و یاران ما است.
حضرت پرسیدند: آیا با تو هم‌عقیده و هم‌مذهب است؟
گفتم: آری.
حضرت فرمود: نزد او برو.
گفتم: طواف را قطع کنم؟
فرمود: آری.
پرسیدم: اگرچه طواف واجب باشد؟
فرمود: آری.
ابان گوید: با او رفتم و پس از انجام کار وی، نزد آن حضرت بازگشتم.
سپس به ایشان عرض کردم: مرا از حقی که مؤمن به گردن مؤمن دیگر دارد باخبر ساز.
حضرت فرمود: آن را واگذار و پاسخش را نخواه.
گفتم: فدای شما شوم پاسخ آن را خواهانم و پیوسته اصرار کردم.
آنگاه فرمود: ای ابان، تا آن‌جا حق دارد که نیمی از مالت را به او بدهی!
سپس به من نگریست و عکس‌العمل مرا در برابر آن مشاهده نموده، فرمود: ای ابان، آیا نمی‌دانی که خداوند عزّوجلّ از آن‌ها این‌گونه یاد کرده که دیگران را بر خود مقدم می‌دارند؟
گفتم: آری، فدایت شوم.

فرمود: پس اگر تو مالت را با او قسمت کنی، او را بر خود مقدم نداشتی، بلکه او را با خود برابر داشتی، همانا وقتی او را بر خود مقدم داشته‌ای که آن نیمه‌ای که برای خود نگاه داشته‌ای به او دهی. (1)
در روایت تنبه آفرین دیگری، یکی از یاران امام باقر(ع) گوید:
به امام باقر(ع) گفتم: فدای شما گردم، همانا شیعه نزد ما فراوان است!
فرمود: آیا ثروتمندان به مستمندان کمک می‌کنند؟ آیا نیکوکار از بدکار می‌گذرد؟ آیا با هم برابری و مساوات دارند؟
گفتم: نه.
امام فرمود:
«لَیْسَ هَؤُلاءِ شِیعَةَ الشِّیعَةُ مَنْ یَفْعَلُ هَذَا». (2)
«این‌ها شیعه نیستند، شیعه کسی است که این‌چنین عمل کند!»
جمیل گوید از امام صادق(ع) شنیدم که می‌فرمود: مؤمنان خدمتگزار یکدیگرند.
پرسیدم: چگونه؟
حضرت فرمود: یعنی برای هم سودمند هستند و بعضی برای بعضی دیگر مفیداند .... (3)

خلاصه درس

1- کافی، ج 2، ص 171.

2- همان، ص 173.

3- همان، ص 167.

در برخی شرایط افراد ممکن است گرفتار کم‌حوصله‌گی، بهانه‌گیری و ناسازگاری شوند که ضروری است زائران تلاش کنند تا هم خود و هم دیگران را آزار ندهند و ناراحت نکنند. در مکان‌هایی که می‌روند مواظب باشند به کسی آسیبی نرسد. همچنین در سفر ممکن است برخی همسفران دچار لغزش شده، کار خلافی انجام دهند، سیره اهل بیت عصمت و طهارت(علیهم السلام) در این زمینه آن بوده که این لغزش‌ها را یا نادیده می‌گرفتند و یا با تذکر، فرد خطاکار را اصلاح می‌کردند. زائران نیز باید چنین باشند و خطاهای دیگران را نادیده بگیرند.
در سفر حج زائران باید تلاش کنند با بیان خاطرات تلخ موجب غم و اندوه دیگران نشوند، بلکه با بیان خاطرات خوشایند خشنودی دیگران را فراهم نمایند. همینطور در سفر حج، حاجیان باید با همسفران جوانمردانه برخورد کنند و سختی‌ها را به جان‌خریده، آسایش و آرامش دیگران را برخود ترجیح دهند. و نیز با بیماران و افراد ناتوان بیشتر مدارا نمایند و در حل مشکلات همسفران خود بکوشند.

خود آزمایی

1. رسول خدا(ص) در مذمّت ناسازگاری با دیگران چه فرموده‌اند؟
2. سیره رسول خدا(ص) هنگام ورود به مجلس، چگونه بوده است؟
3. نادیده گرفتن لغزش‌های دیگران چه اثرات مثبتی دارد؟
4. یکی از نشانه‌های جوانمردی در سفر را از نگاه امام صادق(ع) بیان کنید.
5. امام صادق(ع) در باره حل مشکل همسفران چه فرموده‌اند؟

ص: 105

ص: 106

ص: 107

درس هشتم: رازداری، پرهیز از سوء ظن و ...

هدف‌های آموزشی

انتظار می‌رود با مطالعه این درس:
- اهمیت رازداری را بهتر بدانیم
- به اهمیت پرهیز از سوءظن بیشتر واقف شویم
- با اهمیت مخفی‌کاری نکردن و عدم چشم‌داشت به مال دیگران آشنایی کامل‌تری پیدا کنیم
- اهمیت صبر در برابر مشکلات را بیشتر بدانیم
- با تعدادی از آیات و روایات در باره موارد فوق آشنا شویم

در این درس در ادامه مطالب دروس قبلی موضوعات مهم دیگری از قبیل پرهیز از افشای راز دیگران و عدم سوء ظن نسبت به همسفران و تأکید علی(ع) در این باره، مطرح گردیده است، همین‌طور ضرورت

ص: 108
عدم مخفی‌کاری، عدم چشم داشت به اموال دیگران و ضرورت صبر و بردباری در سفر بیان شده است.

رازداری

شیوه تقسیم‌بندی زائران هر کاروان به گونه‌ای است که معمولًا هر چند نفر در یک اتاق ساکن می‌شوند و نزدیک به یک ماه شب و روز با هم به سر می‌برند، در چنین وضعیتی طبیعی است که میان آنان گفت‌وگوهایی رد و بدل شود که چه بسا بعضی از آن‌ها دوست ندارند این سخنان جای دیگری بیان شود؛ از این رو پیشوایان دینی به ما دستور داده‌اند تا سخنان محرمانه اشخاص را برای کسی بازگو نکنیم.
امام صادق(ع) فرمود:
«آنچه در مجالس گفته می‌شود امانت است و کسی حق ندارد، سخن‌هم صحبت‌خود را برای دیگری بازگو کند مگر آنکه با اجازه او بوده و یا نقل آن، بیان خوبی او باشد(مانند آن که کسی در مجالس خصوصی، همسفران خود را به نیکی به عبادت و امثال آن تشویق و ترغیب کرده و این مطلب برای دیگری بازگو شود).» (1)
رسول خدا(ص) در این زمینه فرمود:
«مجالس امانت‌اند و فاش کردن راز برادر دینی، خیانت است پس از این کار دوری کن». (2)

1- همان، ص 660.

2- بحارالانوار، ج 74، ص 89.

و در حدیث دیگری فرمود:
«وقتی دو نفر با یکدیگر در جلسه‌ای صحبت می‌کنند، آنچه با یکدیگر در میان می‌گذارند امانت خدا است، پس جایز نیست که یکی از آن‌ها بر خلاف میل برادر دینی‌اش آنچه را که او میل به افشای آن ندارد، بازگو کند». (1)

پرهیز از سوء ظن

شایسته است حاجیان کاروان خود را به کانون محبت و صفا تبدیل کنند و نسبت به همدیگر مهربان و خوشبین باشند و از هر گونه سوء ظنی بپرهیزند.
امیر مؤمنان علی(ع) فرمود:
«کار برادر دینی خود را به بهترین وجه توجیه و حمل کن، تا زمانی که از او کاری سرزند که راه توجیه را بر تو ببندد و هیچگاه از سخنی که از(دهان) برادرت بیرون آید تا وقتی که می‌توانی محمل خوبی برای آن بیابی گمان بد مبر.» (2)
حسن ظن و خوش بینی نسبت به دیگران، از برترین ارزش‌های اخلاقی و بزرگ‌ترین عطیه‌ها است. (3)
برای حل مشکل سوء ظن، پیشوایان اسلام تا آنجا جلو رفته‌اند که رسول خدا(ص) فرمود:

1- تنبیه الخواطر، ج 1، ص 98.

2- امالی صدوق، ص 250.

3- غرر الحکم، ح 4834.

«اطْلُبْ لِاخِیکَ عُذْراً فَانْ لَمْ تَجِدْ لَهُ عُذراً فَالْتَمِسْ لَهُ عُذراً». (1)
«برای گفتار و کرداری که ازبرادر تو سر می‌زند عذری بجوی و اگر نیافتی عذری بساز!»
بنابراین، از آنجا که حاجیان در سفر حج، به عبادت خدا روی آورده و در صدد کسب معارف و آمرزش الهی برآمده‌اند، باید به شدت از سوء ظن و بدبینی نسبت به دیگران خودداری کنند؛ زیرا گمان بد عبادت را تباه می‌کند. (2)

مرحوم فیض در آداب سفر کتاب محجّةالبیضاء به نقل از غزالی آورده است:
«شایسته است مسافر تمامی بار خود را مشخص نموده، آن را به رؤیت صاحب مرکب برساند و با قرارداد و عقد صحیح، آن مرکب را اجاره کند تا میان آن‌ها [در طول مسیر] درگیری رخ ندهد که در نتیجه باعث کدورت و رنجش خاطر گردد. همچنین شایسته است از پرگویی و لجاجت با صاحب مرکب پرهیز کند و روا نیست بیش از آن‌چه که در قرار داد مشخص کرده بر آن بار زند، هرچند سبک باشد؛ زیرا هر چیزی از کم به زیاد کشیده می‌شود و کسی که در اطراف منطقه ممنوعه بگردد، ممکن است

1- بحارالانوار، ج 72، ص 197.

2- غرر الحکم، ح 5574.

که در درون آن قرار گیرد(یعنی از اموری که ورود به آن، به نزاع و اختلاف منجر می‌گردد پرهیز نماید)». (1)

چشم به مال دیگران نداشتن

سزاوار است مسافر در طول سفر، چشم به مال دیگران نداشته باشد و عزت و بزرگواری خود را به خصوص در سفر حج حفظ کند.
ابن عباس گوید:
گروهی از اهل یمن بدون تهیه زاد و توشه حج می‌گزاردند و می‌گفتند: بر خدا توکل می‌کنیم، خداوند این آیه را نازل کرد:
وَ تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزّادِ التَّقْوى (2)
«و برای خود توشه برگیرید که همانا بهترین توشه تقوا است.» (3)
عکرمه و مجاهد و دیگران نیز گفته‌اند:
گروهی از اعراب بدون همراه داشتن غذا و خوراکی لازم به حج آمدند و می‌گفتند: ما توکل کننده برخدا هستیم و برخی نیز می‌گفتند: ما حج خانه خدا را انجام می‌دهیم و او غذا به ماندهد؟
و با این تفکر، باری بر دوش دیگران بوده، غذای آنان را برخی از همسفرانشان تأمین می‌کردند، آن گاه خداوند آیه وَ تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزّادِ التَّقْوى را نازل‌کرد و آنان را از این کار برحذر داشت. (4)

1- محجة البیضاء، ج 4، ص 72.

2- بقره: 197.

3- تفسیر طبری، ج 4، ص 166؛ درالمنثور، ج 1، ص 221.

4- تفسیر طبری، ج 4، ص 166؛ درالمنثور، ج 1، صص 220 و 221.

احمد بن حنبل پیشوای حنبلیان، درباره آنان که بدون زاد و توشه به سفر می‌روند، گفت:
«من آن را دوست نمی‌دارم، این‌ها بر خوراکی‌های مردم توکل کرده‌اند.» (1)

صبر در برابر مشکلات

سفر غالباً با سختی و مشکلات همراه است، نظم زندگی به هم می‌خورد و دشواری‌های ناخواسته‌ای بر انسان تحمیل می‌شود، بهترین راه مقابله با این سختی‌ها، صبر و بردباری است.
امام صادق(ع) فرمود:
«إِذَا أَرَدْتَ الْحَجَّ ... وَ دَعِ الدُّنْيَا وَ الرَّاحَة». (2)
«هنگامی که اراده حج نمودی، دنیا و راحتی را رها کن ...»
محرم شدن و از محرمات احرام پرهیز کردن، در بین جمعیت انبوه حاجیان طواف کردن، حضور در صحرای عرفات، کوچ از عرفات به مشعر و در صحرای فاقد امکانات شبی را تا صبح به سر بردن، پیاده به سوی منا در میان آن جمعیت حرکت کردن و سپس رمی جمرات و سر تراشیدن و ... سختی‌هایی دارد که اگر حاجی عاشقانه هر یک از آن‌ها را انجام دهد، سختی‌ها به لذت روحی مبدّل خواهد شد.
در روایت دیگری امام صادق(ع) فرمود:

1- مغنی ابن قدامه، ج 3، ص 221.

2- مستدرک‌الوسائل، ج 10، ص 172.

«مَا مِنْ مَلِکٍ وَ لا سُوقَة یَصِلُ إِلَی الْحَجِّ إِلّا بِمَشَقَّة فِی تَغْییرِ مَطْعَمٍ أَوْ مَشْرَبٍ أَوْ رِیحٍ أَوْ شَمْسٍ لا یَسْتَطِیعُ رَدَّهَا وَ ذَلِکَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ تَحْمِلُ أَثْقالَکُمْ إِلی بَلَدٍ لَمْ تَکُونُوا بالِغِیهِ إِلّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّکُمْ لَرَؤُفٌ رَحِیمٌ». (1)
«هیچ پادشاه و نه هیچ رعیتی به حج نمی‌رسد مگر اینکه نوعی مشقت و ناگواری در غذا، آشامیدنی‌ها، باد توفان، خورشید و گرمای هوا او را تحت تأثیر قرار می‌دهد و این است معنی فرموده خداوند بلند مرتبه که «این چهار پایان هستندکه بارهای شما را به شهر حمل می‌کنند و اگر آن‌ها نبودند شما با مشقت و جان کندن آن را می‌بردید، همانا پروردگار شما مهربان و رحیم است.»
در روایت دیگری امام صادق(ع) فرمود:
«وَ مَا أَحَدٌ یَبْلُغُهُ حَتَّی تَنَالَهُ الْمَشَقَّةُ». (2)
«هیچ کس به حج دست نمی‌یابد مگر اینکه سختی به او می‌رسد.»
تحمل سختی و رنج، خود بخشی از فلسفه حج است که در آن، انسان ساخته شده و به ضعف خویش در برابر خداوند بیشتر پی می‌برد.
علی‌بن موسی الرضا(ع) فرمود:
«وَ عِلَّةُ الْحَجِّ ... وَ ما فِیهِ مِن اسْتِخْراجِ الْأَمْوالِ وَ تَعْبِ الْأَبْدانِ وَ حَظْرِها عَنِ الشَّهَواتِ وَ اللَّذّاتِ ...» (3)
«پرداخت اموال، سختی بدن‌ها، دورماندن از شهوات و لذات و ... بخشی از فلسفه وجوب حج است.»

1- کافی، ج 4، ص 253.

2- وسائل الشیعه، ج 11، ص 112.

3- کافی، ج 4، ص 255، ح 14.

امام صادق(ع) فرمود:
پدرم امام باقر(ع) پیوسته می‌فرمود:
«حج از نماز و روزه برتر است، همانا نمازگزار ساعتی و روزه‌دار، یک روز از اهل خود دور می‌شود، اما حاجی بدن خود را به رنج می‌افکند و نفس خود را به سختی وا می‌دارد و مال خود را انفاق و مدتی طولانی از خانواده خود دور می‌ماند ...» (1)
از جمله سختی‌های حج، تحمل گرما در فصل تابستان، به خصوص هنگام حضور در عرفات و منا است.
رسول خدا(ص) فرمود:
«وَ مَنْ صَبَرَ عَلَی حَرِّ مَکَّةَ سَاعَةً تَبَاعَدَتْ عَنْهُ النَّارُ مَسِیرَةَ مِائَةِ عَام وَ تَقَرَّبَتْ مِنْهُ الْجَنَّةُ مَسِیرَةَ مِائَةِ عَام». (2)
«و کسی که یک ساعت بر گرمای مکه صبر کند، دوزخ یک صد سال از وی دور و بهشت یک صد سال به وی نزدیک می‌گردد.»
تحمل گرما و ساخته شدن و ایجاد تحول روحی، انسان حج گزار را به خدا نزدیک و از آتش دور می‌کند و بر اساس فرموده ائمه معصومین(علیهم السلام) اجر کسانی که در سرما و گرما حج به جا می‌آورند از دیگران بالاتراست. (3)
در ره منزل لیلی که خطرهاست به جان
شرط اول قدم آن است که مجنون باشی

1- مسند احمد، ج 4، ص 114.

2- مستدرک الوسائل، ج 9، ص 364، ح 11088.

3- وسائل الشیعه، ج 11، ص 174، ح 14558.

گرچه امروزه امکانات فراوانی برای حاجیان فراهم شده و منازل به حرمین نزدیک‌تر و راه‌ها هموارتر و رفت و آمدها سهل‌تر و آب و غذا فراوان و بهداشتی و خیمه‌های منا ضدآتش و دارای کولر است و آب و سایر نیازمندی‌های حجاج به موقع تأمین می‌گردد، لیکن در عین حال این سفر دشواری‌هایی دارد که باید با صبر و حوصله آن‌ها را تحمل و از کنار آن عبور نمود.

خلاصه درس

در سفر حج زایران باید نسبت به همدیگر مهربان و خوشبین باشند و از هرگونه سوءظنی بپرهیزند و از افشا کردن راز یکدیگر بپرهیزند این کار خیانت محسوب شده و ائمه طاهرین کسانی که راز دیگران را فاش نمایند نکوهش کرده‌اند. همچنین لازم است حاجیان از مخفی کاری خودداری و چشم به اموال دیگران نداشته باشند و همواره در برابر سختی و مشکلات صبور و بردبار باشند.

خود آزمایی

1. اهمیت رازداری از نظر رسول خدا(ص) چیست؟
2. علی(ع) در باره پرهیز از سوء ظن چه فرموده‌اند؟
3. منظور از عدم مخفی کاری چیست؟
4. آثار و پیامدهای صبر و بردباری در سفر حج چیست؟

ص: 116

ص: 117

درس نهم: دوستی در سفر، نامه‌نگاری، ثبت خاطرات سفر و سفرنامه نویسی

هدف‌های آموزشی

انتظار می‌رود با مطالعه این درس:
- با روش‌های شناخت دوست بیشتر آشنا شویم
- با راه‌های تحکیم دوستی در سفر آشنایی کامل‌تری پیدا کنیم
- عواملی را که موجب گسستن دوستی‌ها می‌شود بهتر بشنایم
- ضرورت نامه‌نگاری و ثبت خاطرات سفر را بیشتر بدانیم
- با تعدادی از آیات و روایات در باره موارد فوق آشنا شویم

در این درست نکات مهمی همچون: یافتن دوستان خوب و رعایت

حقوق آنان و نیز راه‌هایی که می‌توان دوستان واقعی را شناخت و روش‌هایی که از سوی پیشوایان دینی برای تحکیم این اخوت و پیوند مطرح شده و همچنین عوامل گسسته شدن دوستی‌ها بیان شده است.
همچنین اهمیت ثبت خاطرات سفر، سفرنامه‌نویسی و استفاده‌های مختلفی که از سفرنامه‌ها می‌شود، در این درس ذکر شده است.

شناخت دوست

یکی از بهره‌هایی که می‌توان از مسافرت گرفت، شناخت دوستان واقعی و آزمودن آن‌ها است.
پیامبر(ص) فرمود:
«السَّفَرُ میزانُ الْقَوْم». (1)
«سفر وسیله سنجش اخلاق مردم است.»
در حکمت‌های منسوب به امیرمؤمنان علی(ع) نیز آمده است:
«السَّفَرُ مِیزانُ الأَخْلاقِ». (2)
امام صادق(ع) نیز فرمود:
«هیچ کس را دوست خود مشمار تا آن‌که او را در سه چیز بیازمایی:
1. او را به خشم آوری و ببینی که آیا این خشم او را از حق به باطل می‌کشاند؟

1- مکارم‌الاخلاق، ص 240.

2- شرح ابن ابی‌الحدید، ج 20، ص 294.

2. با دینار و درهم(در امور مالی).
3. و زمانی که با او مسافرت کنی». (1)
هنگام بروز مشکلات و سختی‌ها در سفر، می‌توان دوست واقعی را شناخت. زمانی که همه‌چیز خوب و منظم است، میان دوستان مشکلی بروز نمی‌کند، لیکن اگر دشواری و سختی پدید آمد و همراه و همسفر، پایدار و مقاوم باقی ماند و دوست خود را تنها نگذاشت، معلوم می‌شود در دوستی خویش صادق بوده و از این آزمون موفق بیرون آمده‌است.
امیر مؤمنان علی(ع) یافتن چنین دوستانی را نیازمند پیمودن راهی بس دراز و طولانی می‌داند. (2)

راه‌های تحکیم دوستی در سفر

اشاره

برخی حاجیان در سفر حج دوستانی پیدا می‌کنند که تا پایان عمر با یکدیگر مأنوس گشته، همچون برادر با هم زندگی و معاشرت می‌کنند. پیشوایان دینی برای تحکیم این اخوت و پیوند، راه‌هایی را مطرح کرده‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره‌می‌کنیم:

1. خوش‌خویی با مردم

علی(ع) فرمود: «خوش‌خویی محبت ایجاد نموده و دوستی را پابرجا می‌کند». (3)

2. خوش‌رفتاری با مردم

1- المحبة فی الکتاب و السنة، ص 99، ح 406.

2- همان، ص 101، ح 418.

3- همان، ص 66، ح 190.

علی(ع) فرمود: «هرکس خوش‌رفتاری پیشه کند، دوستانش فراوان شوند». (1)

3. اخلاص در دوستی

علی(ع) فرمود: «دوست واقعی از دوستی‌اش برنمی‌گردد، گرچه در حقّش جفا شود». (2)

4. خوش‌رویی

علی(ع) فرمود: «خوش رویی و گشاده‌رویی،] موجب [دوام دوستی است». (3)

5. رعایت ادب

امام کاظم(ع) فرمود: «ادب و احترام میان خود و برادر دینی‌ات را از بین مبر؛ زیرا از میان رفتن آن، حیا و شرم را از بین می‌برد و برجای بودن ادب، پایدار بودن دوستی را به‌دنبال دارد». (4)

6. اظهار دوستی

علی(ع) فرمود: «با اظهار دوستی، دوستی پدید می‌آید». (5)

7. تواضع

علی(ع) فرمود: «میوه تواضع، دوستی است». (6)

1- همان، ص 67، ح 199.

2- همان، ص 67، ح 201.

3- همان، ص 68، ح 205.

4- همان، ح 207.

5- همان، ح 208.

6- همان، ح 212.

ص: 121

8. وفاداری

علی(ع) فرمود: «عامل انس گرفتن مردم، وفاداری است». (1)

9. رعایت انصاف

علی(ع) فرمود: «با انصاف، برادری تداوم می‌یابد». (2)

10. مدارا با مردم

علی(ع) فرمود: «مدارا و نرمی و بخشندگی انسان، او را محبوب دشمنانش می‌کند». (3)

عوامل گسستن دوستی‌ها

اشاره

یک سلسله علل و عوامل نیز موجب گسستن دوستی‌ها و منشأ بروز کینه و دشمنی می‌گردد که مسافران و به خصوص زائران بیت الله الحرام باید از آن‌ها پرهیز کنند. برخی از آن‌ها عبارتنداز:

1. بدخلقی

علی(ع) فرمود: «هر که بد اخلاق شود، دوست و رفیق او نیز نایاب‌گردد.» (4)

2. عیبجویی

1- همان، ح 213.

2- همان، ص 69، ح 219.

3- همان، ص 70، ح 223.

4- همان، ص 87، ح 323.

امام صادق(ع) به ابوبصیر فرمود: «ای ابو محمد از دین مردم جستجو مکن که بدون دوست می‌مانی.» (1)

3. جدال

علی(ع) فرمود: «کسی که با برادران خود به بحث و مناقشه بپردازد دوستانش کم می‌شوند.» (2)

4. ستیزه جویی

علی(ع) فرمود: «با ستیزه‌گری، دوستی وجود ندارد.» (3)

5. تنگ چشمی

علی(ع) فرمود: «شخص تنگ چشم، دوستی ندارد.» (4)

6. تکبر

علی(ع) فرمود: «برای فرد متکبر دوستی وجودندارد.» (5)

7. کینه توزی

علی(ع) فرمود: «هیچ کینه توزی را دوستی نیست.» (6)

8. حسدورزی

علی(ع) فرمود: «حسود را دوستی نخواهد بود.» (7)

1- همان، ص 88، ح 329.

2- همان، ص 88، ح 332.

3- همان، ص 88، ح 335.

4- همان، ص 88، ح 343.

5- همان، ص 90، ح 351.

6- همان، ص 88، ح 356.

7- همان، ص 88، ح 358.

ص: 123

9. دست انداختن دیگران

امام صادق(ع) فرمود: «کسی که مردم را دست می‌اندازد، نباید انتظار صداقت در دوستی داشته باشد!»

10. نیرنگ و فریبکاری

علی(ع) فرمود: «با حیله‌گری، هیچ دوستی پایدار نمی‌ماند.» (1)

نامه‌نگاری

خانواده، خویشان و دوستان مسافر، از زمانی که او به سفر می‌رود تا وقتی که بر می‌گردد، دوست دارند پیوسته از او خبر بگیرند. در گذشته‌های دور که ارتباط تلفنی محدود بوده و یا در برخی مناطق امکان‌پذیر نبوده است، مسافران با تلگراف و نوشتن نامه، خویشاوندان و دوستان خود را از سلامتی خویش باخبر می‌ساختند.
امام صادق(ع) در این زمینه فرمود:
«التَّوَاصُلُ بَیْنَ الاخْوَانِ فِی الْحَضَرِ التَّزَاوُرُ وَ فِی السَّفَرِ التَّکَاتُبُ». (2)
«رابطه میان برادران در وطن با یکدیگر دیدار کردن و دید و بازدید و در سفر، نامه‌نگاری‌است.»

1- همان، ص 91، ح 361.

2- آثارالصادقین، ج 8، ص 493.

شیفتگی انسان به شنیدن خاطرات، همیشگی و ریشه دار است. این خاطره‌ها وقتی در باره سفرهای شخصی باشد نام" سفرنامه" به خود می‌گیرد و اغلب می‌تواند نمایانگر روزگار و شرایط خاص یک دوره یا ترسیمی از مکان‌ها، آبادی‌ها، و حوادث باشد.
بسیاری از آنان که به سفر معنوی حج می‌روند، خاطرات آن را همچون تابلوهایی شفاف و گویا و به یادماندنی، در ذهن و دل دارند و برای این و آن بازگو می‌کنند. اگر ذوق و قلمی هم داشته باشند، به نگارش سفرنامه حج می‌پردازند، چه در همان سفر، چه پس از بازگشت. از این رهگذر، حجم قابل توجهی از آثار مکتوب، پدید آمده و می‌آید.
سفرنامه‌های حج، اگر تنها در حد ثبت وقایع روزانه و مشاهدات روزمره باشد که اغلب برای همه پیش می‌آید، چندان ارزش نمی‌آفریند. ولی برخی فراتر از ظواهر، آن سوی صحنه‌ها را هم ترسیم می‌کند، به خواننده سفرنامه اندیشه و شناخت می‌دهد و در قدم به قدمش نکته وجود دارد. اینجاست که سفرنامه، غنای محتوایی می‌یابد و برای خوانندگان، سودمند و تأثیرگذار می‌شود. زاویه دید کسی که سفرنامه حج می‌نویسد و اندیشه‌ها و معلوماتش از حج، مناسک و آداب و سنن در این زمینه تأثیر عمده دارد. همین‌طور مهارتش در ترسیم دیده‌ها، شنیده‌ها، رفتارها و حالات و مفاهیم و همچنین زیبایی نگارش سهم مهمی دارد.
ممکن است مشغله‌های مختلف و نبودن فراغت ذهنی نویسنده سبب شود که در سفر حج حاجی نتواند سفرنامه را بطور کامل بنویسد ولی

ی
ادداشت‌های طول مسافرت می‌تواند دستمایه نگارش باشد و پس از بازگشت از سفر آن‌ها را تکمیل نماید. بنابراین، هر کس می‌تواند خاطرات خود را در سفر بنویسد، باید بنویسد و از نوشتن کوتاهی ننماید چه بسا نوشته‌های معمولی و حتی کم ارزش امروز در آینده ارزش پیدا کند و برای دیگران خیلی سودمند باشد.
در مجموع شاید بهترین سوغات سفر حج" سفرنامه" باشد و خاطرات ایام سفر را هم برای زائر و هم برای دیگران زنده نگاه دارد. (1)

خلاصه درس

یکی از بهره‌هایی که می‌توان از مسافرت گرفت، شناخت دوستان واقعی و آزمودن آن‌ها است. یکی از راه‌های شناخت دوستان آزمودن آن‌ها در هنگام بروز مشکلات و سختی‌ها در سفر است. پیشوایان دینی برای تحکیم دوستی، راه‌هایی را مطرح کرده‌اند که شامل: خوش‌خویی، خوش‌رفتاری، اخلاص در دوستی، خوش‌رویی، رعایت ادب، اظهار دوستی، تواضع، وفاداری، رعایت انصاف و مدارا می‌باشند.
همچنین عواملی نیز باعث از هم گسستن دوستی‌ها می‌شوند که بارتند از: بدخلقی، عیبجویی، جدال، ستیزه‌جویی، تنگ چشمی، تکبر، کینه‌توزی، حسدورزی، دست انداختن دیگران، نیرنگ و فریبکاری.
آگاه کردن بستگان از وضعیت خویش در سفر از نکات مهمی است

1- به نقل از: جواد محدثی، در حریم حرم، نشر مشعر 1375 صص 9- 12.

که باید مورد توجه باشد. حاجی شایسته است با هر وسیله‌ای، بستگان را از وضعیت خویش آگاه سازد. همچنین نوشتن سفر نامه و ثبت خاطرات سفر نیز حائز اهمیت است و محتوای نگارش یافته می‌تواند برای دیگران بسیار سودمند باشد.

خودآزمایی

1. از نظر امام صادق(ع) دوستان را در چند چیز می‌توان آزمود؟
2. راه‌های تحکیم دوستی کدامند؟
3. چه عواملی موجب گسستن دوستی‌ها می‌شوند؟
4. سفرنامه‌های حج چه استفاده‌هایی دارد؟

ص: 127

درس دهم: موعظه‌های لقمان به مسافران، زینت تشیع بودن، ایجاد جاذبه برای دیگران

هدف‌های آموزشی

انتظار می‌رود با مطالعه این درس:
- با مواعظ مهم لقمان به مسافران آشنا شویم
- با وظایف خود به عنوان زینت تشیع بیشتر پی ببریم
- به چگونگی ایجاد جاذبه برای دیگران بیشتر واقف شویم
- با تعدادی آیات و روایات در باره موارد فوق آشنایی پیدا کنیم

در این درس مواعظ مهم لقمان به مسافران از جمله تأکید ایشان بر مشورت، بخشش، همراهی آنان در امور مختلف و سایر نکات آموزنده

ص: 128
مطرح شده است. همچنین درباره شیوه ایجاد جاذبه در دیگران به عنوان شیعه در این درس مطالبی بیان گردیده است.

مواعظ لقمان به مسافران

امام صادق(ع) فرمود:
لقمان به پسرش گفت:
هرگاه با گروهی همسفر شدی، در کارهای خود و آنان بسیار با آن‌ها مشورت کن، با لبخند با آنان برخورد کن(و خنده‌رو باش)، در زاد و توشه‌ای که همراه داری نسبت به آن‌ها کریم و بخشنده باش، هرگاه تو را دعوت کردند، بپذیر و اگر از تو کمک خواستند آنان را یاری ده، بیشتر ساکت و خاموش باش و فراوان نماز بخوان و در آنچه که با خود داری از مرکب و مال و توشه، بسیار بخشنده باش.
هر گاه در امر حقی از تو شهادت خواستند، شهادت ده و هر گاه از تو مشورت خواستند، با دقت نظر به آنان پاسخ ده، پیش از آن که درباره چیزی فکر کنی و چگونگی آن بر تو روشن شود، تصمیم نگیر و در مشورت دهی به دیگران با شتاب پاسخ نده، مگر آن که در حال برخاستن، نشستن، غذا خوردن و ... فکرت را در رابطه با آن امر به کار اندازی؛ همانا کسی که برای طرف مشورت خیرخواهی نکند، خداوند رأی و اندیشه او را می‌گیرد و(لباس) امانت را از او دور کند.
هرگاه دیدی همراهان تو حرکت می‌کنند، با آن‌ها حرکت کن و اگر دیدی کار می‌کنند تو هم با آنان کارکن و اگر صدقه و یا وامی به کسی دادند تو نیز به ایشان اعطاکن و از آن که از تو بزرگتر است حرف

شنوی داشته باش.
هرگاه همراهانت تو را به چیزی فرمان دادند و از تو چیزی پرسیدند، به آن‌ها آری بگو و نگو خیر؛ زیرا «نه» گفتن عیب و نقص است.
هرگاه در راه سرگردان ماندید، از مرکب فرود آیید و آن گاه که تردید داشتید، بایستید و مشورت کنید ...
فرزندم! هرگاه وقت نماز فرارسید برای هیچ کاری نماز را به تأخیر میانداز، نماز را بخوان و خود را از این دَینی که به عهده‌داری راحت کن، نماز را به جماعت بگزار اگرچه بر سرِ نیزه باشد ... (1)
هر گاه خواستید جایی منزل کنید، در مکانی فرود آیید که خوش منظرتر و خاکش نرم‌تر و پرعلف‌تر باشد.
و آنگاه که فرود آمدی، پیش از آن که بنشینی دو رکعت نماز بگزار و هر گاه نیاز به قضای حاجت داشتی از آنجا فاصله بگیر و چون خواستی کوچ کنی دو رکعت نماز بگزار، و با زمینی که در آن فرود آمده بودی وداع کن و بر آن سرزمین و مردم آن جا درود فرست؛ زیرا هر سرزمینی ساکنانی از فرشتگان دارد.
اگر می‌توانی غذا نخور مگر آن که نخست بخشی از آن غذا را انفاق کرده باشی و تا زمانی که سوار بر مرکبی، بر تو باد به تلاوت قرآن و تازمانی که مشغول کاری هستی بر تو باد به تسبیح خداگفتن و هر وقت کار خاصی نداری برتو باد به دعا ... (2)

1- کنایه از تنگی مکان است.

2- وسائل الشیعه، ج 11، ص 440، ح 15208 و 15209.

ص: 130

زائران ایرانی سفیران مذهب تشیع و انقلاب اسلامی در سرزمین وحی‌اند و مسلمانان حاضر در آن دیار، شیعه بودن و ویژگی‌های تشیع را در رفتار و کردار ایرانیان می‌بینند، بنابراین باید به شکلی عمل کنند که باعث زینت و افتخار پیشوایان خود باشند.
هشام کندی می‌گوید: از امام صادق(ع) شنیدم که می‌فرمود:
«شما را برحذر می‌دارم از این که کاری انجام دهید که به خاطر آن، ما را سرزنش کنند؛ زیرا فرزندِ بد، با عمل خود پدر را بدنام می‌کند. شما برای آن کس که خود را به او بسته و از دیگران به خاطر او گسسته‌اید آبرو و زینت باشید، در میان عشایر آنان نماز بگزارید(یعنی در نماز جماعت آنان شرکت کنید) بیماران آن‌ها را عیادت کنید، در تشییع جنازه آنان حاضر شوید و مبادا آن‌ها در کار خیر بر شما سبقت گیرند، شما در انجام کارهای خیر از آن‌ها سزاوارترید (1) ...»
معاویةبن وهب گوید: خدمت امام صادق(ع) آمده، گفتم:
ما(پیروان شما) شایسته است که در رفتار با هم‌مذهبان خود و نیز مردم دیگری که با آنان معاشرت داریم چگونه رفتار کنیم؟
حضرت در پاسخ فرمود:
«امانت آنان را به آن‌ها برگردانید، بیمارانشان را عیادت کنید و در تشییع جنازه‌های آنان حضور یابید.» (2)

1- کافی، ج 2، ص 219.

2- همان، ص 635.

معاویةبن وهب در حدیث دیگری گفته است:
از امام صادق(ع) پرسیدم، ما با هم مذهبان و نیز کسانی که هم مذهب ما نیستند چگونه رفتار کنیم؟
حضرت(ع) فرمود:
«به امامان خود که از آن‌ها پیروی می‌کنید بنگرید و هر کاری که آن‌ها می‌کنند شما نیز انجام دهید. پس به خدا سوگند پیشوایان شما از بیماران آن‌ها عیادت می‌کنند، در تشییع جنازه‌های آنان حاضر می‌شوند و به سود و زیان آنان شهادت می‌دهند و امانت آنان را به آنان باز می‌گردانند.» (1)
ابی اسامه زید شحّام گوید: امام صادق(ع) به من فرمود:
به هر یک از آنان که می‌بینی از من اطاعت کرده و به گفته من عمل می‌کند، سلام برسان، من شما را به تقوای خداوند و ورع در دین، کوشش و تلاش برای خدا و راست گویی و امانت داری و سجده‌های طولانی و نیکی به همسایه دعوت و سفارش می‌کنم.
رسول خدا(ص) مأمور به ابلاغ چنین برنامه‌هایی بوده و این‌ها را آورده است. بنابراین، امانت هرکه به شما امانت سپرده را، به او بازگردانید، خواه خوش کردار بوده و یا بدکار، همانا رسول خدا(ص) پیوسته دستور می‌داد حتی نخ و سوزنی را هم اگر امانت سپرده‌اند به صاحبش برگردانند.
] امام سپس فرمودند: [با عشایر آنان نماز بگزارید و در تشییع جنازه ایشان حاضر شوید، بیماران آن‌ها را عیادت کنید، حقوق ایشان را

1- همان، ص 136.

بپردازید، پس هر مردی از شما اگر در دین خود ورع داشته باشد و راست گوید و امانت را بپردازد و با مردم خوش رفتاری کند، گفته می‌شود این مرد جعفری است و این موجب خشنودی من می‌شود و شادی را بر من وارد می‌کند و گفته‌می‌شود:
این است تربیت جعفر(بن محمد الصادق(ع)).
به خدا سوگند، پدرم(امام باقر(ع)) برای من نقل کرد که مردی از شیعیان علی‌بن ابی‌طالب(ع)، در میان قبیله‌ای زندگی می‌کرد که زینت آنان به شمار می‌آمد، او از همه امانت‌دارتر بود و حقوق را بیش از دیگران مراعات می‌کرد. از همه راستگوتر بود؛ به گونه‌ای که همگان وصایا و امانت‌های خود را به وی می‌سپردند،] اگر [از همه مردم آن قبیله سؤال می‌کردی، می‌گفتند:
«مَنْ مِثْلُ فُلان»
«چه کسی مثل فلانی است؟»
یعنی او از همه ما امانت‌دارتر و راستگوتر است. (1)
این گونه رفتار و عمل با مخالفان و خوش‌رفتاری و سلوک اسلامی با دیگر مسلمانان، موجب ایجاد جاذبه برای تشیع بوده، آنان را به مذهب شیعه و اهل‌بیت عصمت و طهارت علاقه‌مند می‌کند. و لذا تمامی حج‌گزاران چه در درون کاروان‌ها و چه در اجتماعات مسجد النبی و مسجدالحرام و دیگر مجامع عمومی، باید کاملاً مراقب رفتار و کردار خود باشند تا خشنودی امامان معصوم(علیهم السلام) را بر دیگر دستاوردهای این سفر الهی بیافزایند.

1- همان، ص 636.

ص: 133

ایجاد جاذبه

بسیاری از حاجیان می‌پرسند: ما برای ایجاد جاذبه بیشتر نسبت به اهل‌بیت عصمت و طهارت و تشیع در حرمین شریفین چگونه رفتار کنیم؟
پاسخ این پرسش، در بیان امام صادق(ع) آمده‌است:
«کُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمُ الْوَرَعَ وَ الاجْتِهَادَ وَ الصَّلاةَ وَ الْخَيْرَ فَإِنَّ ذَلِکَ دَاعِيَةٌ». (1)
«شما باَ غیرزبانتان(یعنی در عمل) مردم را(به اسلام و تشیع) دعوت کنید، باید از شما ورع، کوشش، نماز و کار خیر ببینند، این‌ها دعوت کننده بوده(و جاذبه ایجاد می‌کند).»
درحدیث دیگری امام صادق(ع) فرمود:
«همانا ما هیچ مردی را مؤمن نمی‌شماریم، مگر آن‌که تمامی اوامر و دستورات ما را اطاعت و پیروی کند، آگاه باشید یکی از نشانه‌های پیروی از دستورات و ارادت‌ورزی به ما، داشتن ورع است؛ پس خود را به آن بیارایید، خداوند بر شما رحمت آورد، دشمنان ما را با آن در تنگنا قرار دهید، خداوند شما را رهایی بخشد.» (2)
پیام این حدیث و احادیث مشابه آن به شیعیان این است که آنان نباید تنها به شیعه بودن دل خوش کرده و به آن قانع باشند، بلکه باید در عمل پیرو راستین اهل بیت بوده، در همه‌جا الگوی رفتاری پیشوایان خود را

1- همان، ص 78.

2- همان.

پیاده کنند و به نمایش بگذارند.
امام باقر(ع) در روایتی ویژگی‌های شیعیان خود را برای جابربن عبدالله انصاری این گونه بیان فرموده‌اند:
ای جابر کسی که خود را منتسب به ما می‌دارد، آیا او را همین بس است که گوید ما اهل بیت را دوست‌داریم؟
به خدا سوگند شیعه ما نیست جز کسی که از خدا بترسد و او را فرمانبردار باشد، این گونه کسان شناخته نمی‌شوند جز با تواضع و خشوع، امانتداری، کثرت یاد خدا، روزه‌داری، اقامه نماز، نیکی به پدر و مادر، رسیدگی به حال همسایگان فقیر و مسکین و بدهکار و رسیدگی به یتیمان، راستگویی، خواندن قرآن، کنترل زبان از(تعرض به) مردم مگر با خیر و خوبی، و این گونه کسان در میان قوم خود امین و مورد اعتماد می‌باشند.
جابر گوید: عرض کردم: فرزند رسول خدا! من امروزه کسی را با این خصوصیت‌ها که بیان فرمودید نمی‌شناسم!
امام فرمود:
ای جابر! روش‌های گوناگون تو را به سوی خود نکشاند، که فکر کنی برای مرد همین کافی است که بگوید:
من علی را دوست می‌دارم و پیرو او هستم و سپس با این گفته عملی همراه نباشد.
پس اگر گوید: من رسول خدا(ص) را دوست دارم، اما از سیره پیامبر پیروی نکرده، به سنت او عمل نکند، دوستی رسول خدا(ص) او را هیچ سودی ندهد.

پس از خدا بترسید و برای دستیابی به آنچه نزد خدا است کار کنید، و میان خدا و هیچ کس خویشاوندی و قرابتی وجود ندارد، بهترین بندگان خدا و گرامی‌ترین آن‌ها نزد خداوند، با تقواترین و مطیع‌ترین آن‌ها است.
ای جابر! به خدا سوگند، به خداوند نمی‌توان نزدیک شد جز با اطاعت و فرمانبرداری ...
«مَنْ کَانَ لِلَّهِ مُطِیعاً فَهُوَ لَنَا وَلِیٌّ وَ مَنْ کَانَ لِلَّهِ عَاصِیاً فَهُوَ لَنَا عَدُوٌّ وَ مَا تُنَالُ وَلایَتُنَا إِلّا بِالْعَمَلِ وَ الْوَرَعِ». (1)
«هر که مطیع خدا است، او دوست ما است و هر که خدا را نافرمانی کند، دشمن ما است، به ولایت ما نمی‌توان رسید جز با عمل و ورع.»

خلاصه درس

لقمان در توصیه به مسافران نکات مهمی را مطرح کرده است، از جمله: مشورت کردن با آنان در زمینه‌های مختلف، لبخند زدن و خنده‌رو بودن با آنان و بخشنده بودن، یاری آنان هنگام کمک خواستن، خیرخواهی نسبت به دیگران و پرهیز از شتاب در پاسخ دادن، تأکید بر نماز اول وقت، پاسخ مثبت به درخواست دیگران و حرف شنوی از بزرگتران و ....
زائران ایرانی سفیران مذهب تشیع و انقلاب اسلامی در سرزمین وحی‌اند و مسلمانان حاضر در آن دیار، شیعه بودن و ویژگی‌های تشیع را

1- کافی ج 2، ص 74، ح 3.

در رفتار و کردار ایرانیان می‌بینند؛ بنابراین باید به شکلی عمل کنند که باعث زینت و افتخار پیشوایان خود باشند. امام صادق(ع) در این باره توصیه‌های مهمی کرده‌اند که باید مورد توجه قرار دهیم.
برای ایجاد جاذبه در دیگران امام باقر(ع) صفاتی را بیان می‌کنند از جمله می‌فرمایند: به خدا سوگند شیعه ما نیست جز کسی که از خدا بترسد و او را فرمانبردار باشد، این گونه کسان شناخته نمی‌شوند جز با تواضع و خشوع، امانتداری، کثرت یاد خدا، روزه‌داری، اقامه نماز، نیکی به پدر و مادر، رسیدگی به حال همسایگان فقیر و مسکین و بدهکار و رسیدگی به یتیمان، راستگویی، خواندن قرآن، کنترل زبان از(تعرض به) مردم مگر با خیر و خوبی، و این گونه کسان در میان قوم خود امین و مورد اعتماد می‌باشند.

خودآزمایی

1. لقمان چه مواعظ مهمی به مسافران کرده‌اند؟
2. چگونه می‌توانیم زینت تشیع باشیم؟
3. از نظر امام صادق(ع) با کسانی که هم مذهب ما نیستند چگونه باید رفتار کنیم؟
4. از نظر امام صادق(ع) مؤمن باید دارای چه صفاتی باشد؟
5. امام باقر(ع)، چه ویژگی‌هایی برای شیعیان خود بیان فرموده است؟

ص: 137

درس یازدهم: عبادت، توجه به اوقات نماز، نماز نیکو، شرکت در جماعت

هدف‌های آموزشی

انتظار می‌رود با مطالعه این درس:
- اهمیت عبادت در حرمین شریفین را بدانیم
- با ضرورت و اهمیت توجه به اوقات نماز بیشتر آشنا شویم
- ویژگی‌های نماز نیکو و آداب آن را بهتر بدانیم
- با ضرورت و اهمیت شرکت در نماز جماعت بیشتر آشنا شویم

در این درس اهمیت و چگونگی عبادت در حرمین شریفین و رهنمودهای ائمه طاهرین(علیهم السلام) در باره عبادت کردن و ضرورت توجه به اوقات نماز و احادیث و روایات در این باره آورده شده است. همچنین

ص: 138
در این درس آداب و شرایط نماز نیکو و ضرورت شرکت در نماز جماعت و احادیث و روایات مربوط به آنها بیان شده است.

عبادت

حرمین شریفین بهترین مکان‌ها برای عبادت خداوند بر روی کره زمین است، عبادت نیز اگر با اخلاص همراه باشد، به یقین مورد پذیرش حضرت حق قرار می‌گیرد. از این رو حاجیان باید فرصت‌را غنیمت شمرده، از لحظه لحظه عمرشان در این سفر توشه برگیرند و آن را ذخیره آخرت کنند. لیکن در عین حال به این نکته توجه داشته باشند که در انجام عبادات افراط ننموده و خود را آن‌چنان خسته نکنند که همیشه با حال کسالت به عبادت مشغول شوند؛ زیرا عبادتی ارزشمند است که انسان با عشق و شور کامل در پیشگاه خدا حاضر شود و قلبش از خوف خدا به تپش درآید و اشک از دیدگانش جاری گردد و به گونه‌ای خدا را بخواند که گویی خدا را می‌بیند و مشاهده می‌کند.
رسول خدا(ص) فرمود:
«خدا را چنان عبادت کن که گویی او را می‌بینی ...» (1)
آن حضرت همچنین فرمود:
«برترین مردم کسی است که عاشق عبادت بوده، آن را در آغوش گیرد و از صمیم قلب دوستش بدارد و با بدن خود آن را لمس

1- کنز العمال، ح 5250.

کند و خویشتن را برای آن از هر چیزی فارغ سازد، و بر او باکی نباشد که دنیایش به سختی می‌گذرد یا به آسانی.» (1)
امیرمؤمنان علی(ع) در نامه‌ای به حارث همدانی این گونه مرقوم فرمود:
«نفس خود را در عبادت پروردگار فریب ده و با آن مدارا کن و به زور وادار به عبادتش مساز و در فراغت و خرّمی‌اش او را به طاعت و بندگی وادار، مگر در مواردی که بر تو واجب است(مانند نمازهای یومیه) که از به جا آوردن آن در وقتش چاره‌ای نیست ...» (2)
امام سجاد(ع) نیز این‌گونه دعا می‌کند:
«... أسْأَلُکَ مِنَ الشَّهادَةِ اقْسَطُها وَ مِنَ الْعِبادَةِ أَنْشَطُها.» (3)
«خداوندا! از شهادت دادن، عادلانه‌ترین آن را و از عبادت، با نشاطترین آن را از تو می‌خواهم.»
رسول خدا(ص) در یکی از وصایای خود به امیر مؤمنان علی(ع) این چنین فرمود:
«یا علی، این دین محکم و پایدار است، پس به آرامی در آن درآی و عبادت پروردگارت را مبغوض خود مکن، پس همانا

1- کافی، ج 2، ص 83.

2- نهج البلاغه، نامه 69.

3- بحار الانوار، ج 91، ص 155.

کسی که افراط می‌کند نه مرکبی به جای می‌گذارد و نه راه طی می‌کند ...» (1)
انجام عبادت کم، همراه با خشوع و تضرع و اخلاص در پیشگاه خداوند از عبادت فراوان همراه با کسالت و بی‌حالی ارزشش بیشتر و بالاتر است.
امام صادق(ع) فرمود:
«من نوجوان بودم و در حالی که عرق ریزان مشغول طواف بودم، پدرم(امام باقر(ع)) به من برخورد کرد و فرمود: ای فرزندم، جعفر! چون خداوند بنده‌ای را دوست دارد، او را به بهشت می‌برد و از او به اندک عبادتی راضی‌است.» (2)

توجه به اوقات نماز

خداوند در قرآن کریم خطاب به مؤمنان فرموده‌است:
حافِظُوا عَلَى الصَّلَواتِ وَ الصَّلاةِ الْوُسْطى وَ قُومُوا لِلّهِ قانِتِينَ. (3)
«بر نمازها و نماز میانه مواظبت کنید، و خاضعانه برای خدا بپاخیزید.»
امام صادق(ع) به حاجیان توصیه فرموده است‌که:
«وَ راعِ اوْقاتَ فَرائِضِ اللّهِ وَ سُنَنِ نَبِيّه». (4)

1- کافی، ج 2، ص 86.

2- همان.

3- بقره: 228.

4- مصباح الشریعه، ص 142.

«پیوسته مراقب و مواظب اوقات واجبات الهی(نمازها) و نیز سنت‌های پیامبرش باش.»
در حالات ائمه معصومین(علیهم السلام) آمده است که هرگاه زمان نماز فرا می‌رسید، اندامشان می‌لرزید و رنگ چهره‌شان دگرگون می‌شد؛ وقتی علت آن را جویا می‌شدند، می‌فرمودند:
«وقت ادای امانتی رسیده که آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها زیر بار آن نرفتند و آن را برنتافتند». (1)
و یا می‌فرمودند:
«سزاوار است کسی که در پیشگاه خداوند می‌ایستد رنگش پریده و بندبند اعضای بدنش بلرزد.»
امیر مؤمنان علی(ع) در فرمانی به محمد بن ابی‌بکر آنگاه که او را والی مصر قرار داد چنین نگاشت:
«صَلِّ الصَّلاةَ لِوَقْتِهَا الْمُؤَقَّتِ لَهَا وَ لا تُعَجِّلْ وَقْتَهَا لِفَرَاغٍ وَ لا تُؤَخِّرْهَا عَنْ وَقْتِهَا لِاشْتِغَالٍ وَ اعْلَمْ أَنَّ كُلَّ شَیْءٍ مِنْ عَمَلِکَ تَبَعٌ لِصَلاتِکَ». (2)
«نماز را در وقت تعیین شده آن به جای آور، نه به خاطر فراغت و بیکاری در انجام آن شتاب کن و نه به بهانه کار آن را به تأخیر بیانداز، بدان که همه اعمال تو بسته به نماز تواست.»
در قرآن کریم خداوند نسبت به کسانی که نسبت به نماز مسامحه و سهل انگاری می‌کنند، با لحنی تهدیدآمیز سخن گفته است.

1- تفسیر صافی، ج 2، ص 370.

2- نهج البلاغه، نامه 27.

در سوره ماعون می‌فرماید:
فَوَیْلٌ لِلْمُصَلِّینَ الَّذِینَ هُمْ عَنْ صَلاتِهِمْ ساهُونَ (1)
«وای بر نمازگزارانی که از نمازشان غافل‌اند! [و در انجام آن سهل انگاری می‌کنند].»
رسول خدا(ص) نیز فرموده است:
«نمازهای خود را تباه و ضایع نسازید؛ زیرا کسی که نمازش را ضایع کند، در روز قیامت با قارون و هامان محشور می‌شود و بر خداوند است که او را همراه با منافقین وارد آتش کند. پس وای بر کسی که مراقب نماز و انجام سنن او نیست.» (2)
در حدیثی دیگر امام صادق(ع) از رسول خدا(ص) نقل کرده‌اند که فرمود:
«شیطان از مؤمنی که مراقبت می‌کند تا نمازهای پنج گانه خود را در وقت مقرّر شده بخواند در هراس است، پس هر گاه مؤمن نمازهای خود را ضایع کند [نسبت به آن مراقبت نداشته باشد] شیطان جرئت یافته، آن فرد را به گناهان بزرگ مبتلا می‌کند.» (3)
امام صادق(ع) در حدیث مبسوطی فرمود:

1- ماعون: 7.

2- وسائل الشیعه، ج 4، ص 30، ح 4431.

3- همان، ص 28، ح 4426.

«ملک الموت شیطان را از کسی که نسبت به نماز خود مراقبت دارد دور می‌کند، و در لحظه حساس و خطرناک مرگ، شهادت به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر(ص) را به او تلقین می‌کند.» (1)
از زبان برخی از ائمه معصومین(علیهم السلام) مکرر نقل شده که رسول خدا(ص) فرمود:
«آن کس که نماز را سبک بشمارد، از من نیست و به خدا سوگند در حوض کوثر بر من وارد نمی‌شود.» (2)
ابا بصیر گوید:
«بر «امّ حمیده» وارد شدم تا رحلت امام صادق(ع) را به ایشان تسلیت بگویم، پس او گریست و من نیز از گریه او گریستم، آنگاه گفت:
ای ابا محمد، امام صادق(ع) هنگام مرگ چشمانش را گشود سپس فرمود: هر کس میان من و او خویشاوندی هست جمع کنید و ما هر کس بود جمع کردیم، آنگاه امام به سوی آنان نگریست و فرمود:
«إِنَّ شَفَاعَتَنَا لا تَنَالُ مُسْتَخِفّاً بِالصَّلاةِ». (3)
آن کس که نماز را سبک بشمارد به شفاعت ما نمی‌رسد.»
با توجه به آنچه ذکر گردید، زائر سرزمین وحی باید بیش از گذشته

1- همان، ص 29، ح 4429.

2- همان، ص 25، ح 4417.

3- همان، ص 26، ح 4423.

به نماز اهمیت داده و تلاش کند در اول وقت آن را اقامه نماید و هرگز هنگام نماز در کوچه و خیابان پرسه نزند و چهره تشیع را در نگاه و منظر دیگر مسلمانان خدشه‌دار نسازد.
رسول خدا(ص) فرمود:
«برای هر چیزی صورتی است و صورت دین شما نماز است، پس هیچ یک از شما چهره دین خود را زشت نکند.» (1)
نماز وسیله‌ای برای پاک کردن روح آدمی است؛ از این رو باید به استقبال آن شتافت و در اولین فرصت روح و جان را از آلودگی‌ها پاک کرد. رسول خدا(ص) تشبیه زیبایی در این زمینه داشته و به برخی از اصحاب خود فرمودند:
«اگر درِ خانه هر یک از شما نهری جاری باشد و هر روز پنج مرتبه در آن غسل کنید آیا چرکی در بدن باقی می‌ماند؟
گفتیم: نه
فرمود: مَثَل نماز نیز همچون نهری جاری است؛ هر نمازی را که بخوانید گناهان شما را در فاصله بین نمازها پاک می‌کند.» (2)

نماز نیکو

یکی از توصیه‌های امام صادق(ع) به پیروانشان این است که نماز را

1- همان، ص 24، ح 4416.

2- همان، ص 12، ح 4387.

خوب و نیکو بجای آورند: «عَلَیْکُمْ بِحُسْنِ الصَّلاةِ». (1)
نیکو نمازگزاردن یعنی آداب ظاهری و باطنی آن را رعایت کردن. برخی از آداب ظاهری نماز عبارتند از:
1. پیش از نماز دندان‌ها را مسواک کنند.
2. با لباس خوب و تمیز در مساجد حاضر شوند. رسول خدا(ص) فرمود: رنگ سفید نزد خداوند محبوب‌تر است پس در آن نماز بگزارید. (2)
3. موقع نماز خود را معطر کنند.
4. در نماز انگشتر عقیق در دست داشته باشند.
5. نماز را در اول وقت بخوانند.
6. نمازها را در مساجد و به جماعت اقامه کنند.
7. نماز را با دعا آغاز کنند رسول خدا(ص) خود پس از تکبیر می‌فرمود: «وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذِی فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْارْضَ عَالِمِ الْغَیْبِ وَ الشَّهَادَةِ حَنِیفاً مُسْلِماً وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِکِینَ إِنَّ صَلاتِی وَ نُسُکِی وَ مَحْیَایَ وَ مَمَاتِی لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ لا شَرِیکَ لَهُ وَ بِذَلِکَ أُمِرْتُ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِینَ». (3)
8. پیش از قرائت حمد «اعُوذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجیم» بگویند و از

1- امالی مفید، ص 186.

2- کنز العمال، ج 15، ص 302، ح 4117.

3- کافی، ج 3، ص 310، ح 7؛ تهذیب، ج 2، ص 67، ح 224.

شیطان به خدا پناه ببرند.
9. هنگام خواندن نماز آرام باشند و حرکت نکنند.
10. نماز را تند و با عجله نخوانند.
آداب باطنی نماز نیز عبارتند از: 1. حضور قلب؛ 2. خضوع و خشوع؛ 3. حالت بکاء و گریه؛ 4. به گونه‌ای نماز بخواند که گویی خداوند را می‌بیند و بداند که اگر او خدا را نمی‌بیند خداوند او را مشاهده می‌کند و ... (1)

شرکت در نماز جماعت

یکی از موفقیت‌های بزرگ سفر حج، دستیابی به ثواب فراوان نماز گزاری در مسجد النبی و مسجد الحرام است.
امام صادق(ع) فرمود:
«نماز در مسجد الحرام یکصد هزار و در مسجد النبی ده هزار نماز پاداش دارد.» (2)
و طبیعی است که اگر نمازهای واجب را در این دو مکان مقدّس به جماعت بخوانند، پاداشی برتر و غیر قابل تصوّر خواهد داشت.
در روایت آمده است که: اگر نماز به جماعت خوانده شود و نماز گزاران بیش از ده نفر باشند شمارش پاداش آن برای افراد بشر امکان‌پذیر نیست.
در همین زمینه، رسول خدا(ص) فرمود:

1- الصلوة فی الکتاب والسنة صص: 65- 86.

2- کافی، ج 4، ص 586، ح 1.

«فَإِنْ زَادُوا عَلَى الْعَشَرَةِ فَلَوْ صَارَتْ بِحَارُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ كُلُّهَا مِدَاداً وَ الْأَشْجَارُ أَقْلاماً وَ الثَّقَلانِ مَعَ الْمَلائِكَةِ كُتَّاباً لَمْ يَقْدِرُوا أَنْ يَكْتُبُوا ثَوَابَ رَكْعَة وَاحِدَة». (1)
«اگر بیش از ده نفر شدند، اگر دریاهای آسمان و زمین مرکّب و جن و انس و فرشتگان نویسنده شوند، نخواهند توانست ثواب یک رکعت آن را بنویسند.»
امام صادق(ع) نیز به پیروان خود دستور داده‌اند تا نمازهایشان را در مساجد] و به جماعت [بخوانند:
«عَلَيْكُمْ بِالصَّلاةِ فِي الْمَسَاجِدِ ...». (2)
«بر شما باد به خواندن نماز در مساجد.»
آن حضرت همچنین به زید شحّام که با غیر شیعه معاشر بود و با آنان در یک منطقه زندگی می‌کرد، فرمود:
«خود را با اخلاق ایشان تطبیق دهید، رفتاری خوب با آنان داشته باشید، در مساجدشان نماز بگزارید، از بیمارانشان عیادت کنید، در تشییع جنازه آنان حاضر شوید، و اگر بتوانید امام جماعت یا مؤذن آنان باشید چنین کنید، زیرا اگر چنین رفتار بنمایید گویند:
این‌ها جعفری(و پیروان جعفر بن محمد الصادق(ع)) اند، خداوند جعفر را رحمت کند. یاران خود را چه خوب تربیت کرده است ...» (3)

1- مستدرک‌الوسائل، ج 6، ص 443.

2- کافی، ج 2، ص 635.

3- من لایحضره الفقیه، ج 1، ص 383.

بنابراین نتیجه می‌گیریم:
1. نماز خواندن در مسجد النبی و مسجدالحرام ثواب فراوان دارد.
2. دستور پیشوایان دینی است که نمازها را به جماعت بخوانیم.
3. دستور امام صادق(ع) است که در نمازهای جماعت دیگران شرکت کنیم.
4. اگر نماز به جماعت خوانده شود، نوشتن ثوابِ آن برای کسی مقدور نیست.
حال با این همه سفارش و تأکید، متأسفانه گاهی مشاهده می‌شود که برخی از زائران ایرانی، یکی از زیباترین و شکوهمندترین صحنه‌ها، در مکه و مدینه را به تلخ‌ترین خاطره‌ها در ذهن مسلمانان سایر کشورها تبدیل می‌کنند.
در ایام حج مسلمانان جهان، که برای انجام فریضه حج و زیارت قبر رسول خدا(ص) به مکه و مدینه آمده‌اند، پیش از گفتن اذان، همچون سیل به سوی حرم سرازیر می‌شوند، راه‌های منتهی به حرم همه پر از انسان‌های عاشق پیشه‌ای است که به عشق خدا به این سرزمین آمده‌اند و اگر کسی دیر برسد در بسیاری اوقات امکان ورود به مسجد را پیدا نمی‌کند، درست در چنین وضعیتی بعضی از زائران ایرانی، یا از مسجد خارج شده و یا در کنار مغازه‌ها و خیابان‌ها نشسته و یا به سوی منازل خود در حال حرکت‌اند و در نتیجه خاطره تلخی از خود و تشیع در ذهن مسلمانان سایر کشورها به یادگار می‌گذارند.

اگر این گونه افراد به سخنان و سفارش‌های امام صادق(ع) توجه کنند، به یقین از این رفتارها دست برمی‌دارند.
امام صادق(ع) از طریق پدران خود از رسول‌خدا(ص) نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمود:
«کسی که صدای اذان را در مسجد بشنود و بدون علت و بیماری از مسجد خارج شود منافق است مگر آن که تصمیم داشته باشد به مسجد برگردد.» (1)
بنابراین، بر حاجیان لازم است هنگام اقامه نماز جماعت، از منازل خود و یا هر جا که هستند به طرف مساجد حرکت نموده، در اجتماعات مسلمانان شرکت کنند و افزون بر بهره معنوی و پاداش الهی، از برکات زندگی جمعی و انس با مردم نیز بهره‌مند شوند.
علی بن ابی‌طالب(ع) نیز فرمود:
«مَنْ سَمِعَ النِّدَاءَ فَلَمْ یُجِبْهُ مِنْ غَیْرِ عِلَّة فَلا صَلاةَ لَهُ». (2)
کسی که ندای مؤذن را بشنود و به آن پاسخ ندهد، نماز او کامل نخواهد بود.
در روایت آمده است که چون روز قیامت فرا رسد، گروهی از مردم به صحنه محشر می‌آیند، در حالی که چهره‌هایشان همچون ستاره درخشان است، فرشتگان به آن‌ها می‌گویند:
شما چه اعمالی داشتید؟

1- بحار الانوار، ج 85، ص 9، ح 13.

2- وسائل الشیعه، ج 8، ص 291، ح 10694.

پاسخ می‌دهند: ما هرگاه ندای اذان را می‌شنیدیم، برای گرفتن وضو برمی‌خاستیم و هیچ چیز غیر از آن، ما را به خود مشغول نمی‌کرد.
گروهی نیز محشور می‌شوند در حالی که چهره‌های آنان همچون ماه درخشندگی دارد، این‌ها نیز در پاسخ به همان سؤال گویند:
ما پیش از وقت نماز وضو می‌گرفتیم] و برای نماز آماده می‌شدیم [، گروهی نیز محشور می‌شوند در حالی که چهره آنان همچون خورشید می‌درخشد. این‌ها نیز در پاسخ می‌گوید:
ما اذان را در مسجد شنیدیم. (1)

خلاصه درس

حرمین شریفین بهترین مکان‌ها برای عبادت خداوند است، عبادت کردن اگر با اخلاص همراه باشد، به یقین مورد پذیرش حضرت حق قرار می‌گیرد. از این رو، حاجیان باید فرصت‌ها را غنیمت شمرده، از لحظه لحظه عمرشان در این سفر توشه برگیرند و آن را ذخیره آخرت خود کنند. نیز انجام عبادت کم، همراه با خشوع و تضرع و اخلاص در پیشگاه خداوند از عبادت فراوان همراه با کسالت و بی‌حالی ارزشش بیشتر و بالاتر است. زائر سرزمین وحی باید بیش از گذشته به نماز اهمیت داده و تلاش کند در اول وقت آن را اقامه نماید و هرگز هنگام نماز در کوچه و خیابان پرسه نزند و چهره تشیع را در نگاه و منظر دیگر مسلمانان خدشه دار نسازد. همچنین بر حاجیان لازم است هنگام اقامه نماز جماعت، از منازل خود و یا هر جا که هستند به طرف مساجد حرکت نموده، در

1- محجة البیضاء، ج 1، ص 344.

اجتماعات مسلمانان شرکت کنند و افزون بر بهره معنوی و پاداش الهی، از برکات زندگی جمعی و انس با مردم نیز بهره‌مند شوند.

خودآزمایی

1. چه نوع عبادتی در پیشگاه خداوند ارزشمند است؟
2. آداب ظاهری نماز نیکو کدامند؟
3. آداب باطنی نماز نیکو کدامند؟
4. اهمیت و ارزش شرکت در نماز جماعت چیست؟

ص: 152

درس دوازدهم: پرهیز از اسراف، پرخوری و خواب زیاد، رعایت نکات بهداشتی

هدف‌های آموزشی

انتظار می‌رود با مطالعه این درس:
- ضرورت پرهیز از اسراف را بیشتر بدانیم
- با زیان‌های پرخوری و خواب زیاد بهتر آشنا شویم
- اهمیت مسواک کردن را بدانیم
- به اهمیت نکات مهم بهداشتی پی ببریم
- با تعدادی آیات و روایات درباره موارد فوق آشنا شویم

پرهیز از اسراف، پرخوری و خواب زیاد و آثار منفی آن‌ها و چند نکته مهم بهداشتی دیگر و آثار مثبت آن، از جمله مواردی است که در این درس بدان پرداخته شده است.

ص: 153

پرهیز از اسراف

یکی از نکات مهم و قابل توجّه حاجیان این است که در سفر حج باید از اسراف و تبذیر خودداری کنند. گاهی اوقات حاجیان بیش از نیاز و مصرف خود، غذا و نوشابه و آب میوه را داخل اتاق برده و در نتیجه به دلیل ماندن و مصرف نکردن فاسد شده، آن‌ها را دور می‌ریزند و یا هنگام خروج از اتاق، کولر و چراغ‌ها را روشن می‌گذارند و از اتاق خارج می‌شوند.
قرآن خطاب به مؤمنان می‌فرماید:
كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (1)
«و بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید، همانا خداوند اسراف کنندگان را دوست نمی‌دارد.»
و در آیه دیگر می‌فرماید:
وَ أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحابُ النّارِ (2)
و همانا اسراف کنندگان یاران آتش‌اند.
علی(ع) فرمود:
«اسراف موجب هلاکت و نابودی، و میانه‌روی مایه زیادی ثروت است». (3)
امام سجاد(ع) در دعای بیستم صحیفه سجادیه، از خداوند می‌خواهد:

1- اعراف: 31.

2- غافر: 43.

3- بحارالانوار، ج 59، ص 192.

«بار خدایا! مرا از زیاده روی و اسراف باز دار و روزیم را از نابودی نگاهدار و ثروتم را با دادن برکت به آن، زیاد گردان و راه مصرف‌آن را در کارهای خیر به من بنمایان.» (1)
امیرمؤمنان علی(ع) در روایتی اسراف را این چنین معرفی کرده و فرموده‌ند:
«خرج کردن دارایی در مسیر نادرست، زیاده روی و اسراف است.» (2)
بنابراین، هزینه کردن مال در کارهای غیر ضروری و خرید کالاهایی که خیلی به آن نیاز ندارد و نیز خرید کالاهای تزیینی و تجمّلی را می‌توان از موارد اسراف شمرد.
در حدیث دیگری رسول خدا(ص) فرمود:
«این که هرچه دلت بخواهد بخوری، خود نوعی اسراف است.» (3)
در حدیث دیگری امام صادق(ع) دور ریختنِ مانده غذا در ظرف(چه آب و چه غذا و استفاده از لباس بیرون در خانه را) از موارد اسراف دانسته‌اند. (4)
و در حدیثی دیگر امام صادق(ع) در بیان معنای آیه وَ لا تُبَذِّرْ تَبْذیراً فرمود:

1- صحیفه سجادیه، ص 86.

2- نهج البلاغه، خطبه 126.

3- کنز العمال، ح 7366.

4- بحار الانوار، ج 72، ص 303.

«هر کس چیزی در راهی غیر از اطاعت خدا انفاق کند، او ولخرج است و هر کس در راه خیر انفاق نماید، صرفه‌جو و میانه‌رو است.» (1)
مُعَمَّرِ بن خِلّاد گوید:
از امام رضا(ع) شنیدم که می‌فرمود:
«کسی که در منزل غذا می‌خورد و چیزی از غذا [در سفره] ریخته و باقی مانده، آن را بخورد و کسی که در صحرا و خارج منزل غذا می‌خورد، [باقیمانده غذا را] برای پرندگان و حیوانات وحشی بگذارد.» (2)

پرهیز از پرخوری و خواب زیاد

یکی از نکات مهم و قابل توجه در سفر حج این است که به دلیل فراهم بودن امکانات و تغذیه مناسب، برخی افراد بیش از ظرفیت مورد نیاز بدن، اقدام به خوردن غذا و نوشیدنی‌ها می‌کنند و در نتیجه به دلیل پر شدن شکم و غلبه خواب بر آن‌ها، از فیض حضور بیشتر در حرمین شریفین و به خصوص بهره‌گیری از سحرهای مکه و مدینه محروم می‌شوند، از این رو کسانی که طالب صفای روح و حضور زیادتر در مسجد الحرام و مسجد النبی(ص) و بهره‌گیری افزون‌تر معنوی از این سفر عظیم الهی هستند، باید از غذای کمتری استفاده کنند و به اندازه ضرورت بخوابند و استراحت‌کنند.

1- همان، ص 302.

2- فروع کافی، ج 6، ص 300.

علی(ع) فرمود:
«هرگاه خداوند خوبی بنده‌اش را اراده کند، کم گویی، کم خوری و کم خوابی را به او الهام و نصیب گرداند.» (1)
در حدیث دیگری رسول خدا(ص) فرمود:
«با خوردن و آشامیدن فراوان، دل‌ها را نمیرانید، پس همانا قلب [بر اثر پرخوری] می‌میرد، مانند زراعتی که به آن زیاد آب داده‌شود.» (2)
حضرت مسیح(ع) به پیروان خود می‌فرمود:
«ای بنی اسرائیل، غذا زیاد نخورید؛ زیرا هر که فراوان غذا بخورد، زیاد می‌خوابد و هر کس زیاد بخوابد، کمتر نماز گزارد و هر که کمتر نماز بخواند، نامش در شمار غافلان ثبت‌گردد.» (3)
رسول خدا(ص) فرمود:
«از پرخوری پرهیز کنید؛ زیرا مایه بیماری و تباهی بدن گردد و انسان را در عبادت تنبل و سست گرداند.» (4)
و باز در جای دیگر فرمود:
«نزد خداوند چیزی منفورتر از معده پر نیست.» (5)
امام صادق(ع) نقل کرده‌ند که یحیای پیامبر(ع)، روزی با ابلیس

1- مستدرک الوسائل، ج 16، ص 213.

2- تنبیه الخواطر، ج 1، ص 46.

3- وسائل الشیعه، ج 24، ص 241.

4- بحار الانوار، ج 59، ص 266.

5- وسائل الشیعه، ج 24، ص 248.

برخورد کرد و به وی فرمود:
این آویزها چیست که همراه داری؟
ابلیس گفت:
این‌ها شهوات و تمایلاتی است که فرزندان آدم گرفتار آن شده‌اند.
یحیی گفت:
آیا چیزی از آن‌ها برای من هست؟
ابلیس پاسخ داد:
چه بسا برخی اوقات که از خوردن غذا سیر شوی، تو را از نماز و یاد خدا باز می‌دارم.
یحیی فرمود:
با خدا عهد می‌کنم که هرگز معده خود را از غذا پر نکنم.
ابلیس نیز گفت:
«... للهِ عَلَیَّ أَنْ لا أَنْصَحَ مُسْلِماً أبَداً». (1)
«با خداوند پیمان می‌بندم که هرگز، از این پس مسلمانی را اندرز ندهم ...»

مسواک زدن

مسواک زدن دندان‌ها مستحب مؤکد است و در روایات به مؤمنان سفارش شده تا با هر وضویی دندان‌ها را مسواک کنند.

1- همان، ص 241.

رسول خدا(ص) فرمود:
«وضو نیم یا پاره‌ای از ایمان و مسواک زدن نیمی یا پاره‌ای از وضو است.» (1)
امام صادق(ع) فرمود:
«مِنْ اخْلاقِ الأَنْبیاءِ السِّواکِ». (2)
«مسواک زدن از اخلاق پیامبران است.»
به ویژه کسانی که در حرمین شریفین اقدام به خواندن قرآن می‌کنند، شایسته است پیش از آن، دهان را مسواک کنند.
رسول خدا(ص) فرمود:
«دهان‌های خود را با مسواک زدن خوشبو کنید؛ زیرا دهان‌ها گذرگاه‌های قرآن است.» (3)
امام صادق(ع) برای مسواک، دوازده ویژگی برشمرده‌اند:
«1. از سنت رسول‌خدا(ص) است؛ 2. دهان را تمیز می‌کند؛ 3. نور چشم را زیاد می‌کند؛ 4. خداوند را خشنود می‌سازد؛ 5. دندان‌ها را سفید می‌کند؛ 6. پوسیدگی دندان‌ها را از میان می‌برد؛ 7. لثه را قوی و محکم می‌کند؛ 8. اشتهای به غذا را زیاد می‌کند؛ 9. بلغم را از بین می‌برد؛ 10. حافظه را زیاد می‌کند؛ 11- حسنات انسان را مضاعف می‌سازد؛ 12- با مسواک زدن فرشتگان خوشحال می‌شوند». (4)

1- کنز العمال، ح 26200.

2- بحار الانوار، ج 73، ص 131.

3- کنز العمال، ح 2753.

4- خصال، ص 481.

حال با توجه به ویژگی‌های فوق و سفارش‌های پیامبر(ص) و ائمه معصومین(علیهم السلام) و به خصوص از آنجا که سفر حج یک سفر جمعی است و حاجیان در طول شبانه روز، علاوه بر همسفران، در مساجد نیز با دیگر مسلمانان جهان از نزدیک ارتباط دارند، شایسته است که با مسواک زدن دهان خود را خوشبو سازند.

چند نکته مهم بهداشتی دیگر

رعایت اموری که تأمین کننده سلامتی انسان در سفر حج می‌باشد، بسیار ضروری و لازم است؛ چرا که ممکن است با اندک غفلتی، حاجی گرفتار بیماری شده و چند روزی از فیض حضور در حرم محروم بماند. از این رو، توجّه زائران را به چند نکته مهم بهداشتی از زبان معصومین(علیهم السلام) جلب می‌نمایم:

1. امام باقر(ع) فرمود:

«هر که می‌خواهد غذا به او ضرر نرساند، باید تا گرسنه نشده و معده وی خالی نگشته، غذا نخورد، پس هنگام خوردن غذا ابتدا نام خدا را بر زبان جاری کند و باید غذا را خوب‌بجود و تا اشتها دارد از خوردن غذا دست بکشد.» (1)

2. امام صادق(ع) فرمود:

«هر کس پیش و پس از غذا خوردن، دست‌های خود را بشوید، در آغاز و پایان آن غذا به او برکت داده شود و تا زنده است در گشایش به سر برده و از بیماری جسمانی مصون ماند.» (2)

1- وسائل الشیعه، ج 24، ص 433.

2- فروع کافی، ج 6، ص 290.

3. علی(ع) فرمود:
«غذا را با خوردن [کمی] نمک آغاز کنید ...» (1)
4. در روایات از خوردن غذای داغ و فوت کردن غذا نهی‌کرده‌اند، بنابراین‌شایسته است پس از ملایم شدن حرارت غذا، اقدام به خوردن آن کنید.
روزی برای رسول خدا(ص) غذای داغ و سوزان آوردند، حضرت فرمود:
«بگذارید تا خنک شود، خداوند نخواسته آتش به ما بخوراند و برکت در [غذای] خنک است». (2)

خلاصه درس

یکی از نکات مهم و قابل توجّه حاجیان این است که در سفر حج باید از اسراف و تبذیر خودداری کنند، نباید بیش از نیاز و مصرف خود، غذا و نوشیدنی بردارند، هنگام خروج از اطاق کولر و چراغ‌ها را خاموش کنند. همچنین از هزینه کردن در کارهای غیر ضروری و خرید کالاهایی که خیلی به آن نیاز ندارد و نیز خرید کالاهای تزیینی و تجمّلی که از مصادیق اسراف است، پرهیز کنند.
یکی از نکات مهم در سفر حج این است که به دلیل فراهم بودن امکانات و تغذیه مناسب، برخی بیش از ظرفیت مورد نیاز بدن، می‌خورند و می‌نوشند و در نتیجه به دلیل پر شدن شکم و غلبه خواب بر آن‌ها، از

1- همان، ص 325.

2- همان، صص 321 و 322.

فیض حضور بیشتر در حرمین شریفین و بهره‌گیری از سحرهای مکه و مدینه محروم می‌شوند، از این رو کسانی که طالب حضور زیادتر در مسجد الحرام و مسجد النبی(ص) و بهره‌گیری افزون‌تر معنوی از این سفر عظیم الهی هستند، باید از غذای کمتری استفاده کنند و به اندازه ضرورت بخوابند.
همین‌طور رعایت نکات بهداشتی مهم از جمله مسواک زدن، کم غذا خوردن و ... باید مورد توجه قرار گیرد.

خودآزمایی

1. اسراف شامل چه مواردی می‌باشد؟
2. در قرآن اسراف‌کنندگان چگونه مورد خطاب قرار گرفته‌اند؟
3. پرخوری و اسراف چه آثار زیانباری دارد؟
4. چه روایاتی درباره زیان‌های پرخوری آورده شده است؟
5. در غذا خوردن از نظر ائمه طاهرین(علیهم السلام) چه آدابی را باید رعایت نماییم؟

ص: 162

درس سیزدهم: آداب ورود به حرم و شهر مکه‌ومسجدالحرام، ادب لبیک، ادب طواف و سعی

هدف‌های آموزشی

انتظار می‌رود با مطالعه این درس:
- با آداب ورود به حرم و شهر مکه آشنا شویم
- آداب ورود به مسجدالحرام را بدانیم
- با ادب لبیک گفتن آشنا شویم
- ادب طواف و سعی را بدانیم
- با آیات و روایات در این زمینه آشنا گردیم

در این درس آداب مهمی که حاجی هنگام ورود به حرم و شهر مکه و مسجد الحرام باید رعایت کند. همچنین ادب لبیک گفتن و ادب طواف و سعی مطرح گردیده و در رابطه با هر یک از آنها

آدابی که در روایات از ائمه معصومین(علیهم السلام) نقل گردیده، آورده شده است.

آداب ورود به منطقه حرم و شهر مکه

در روایات برای ورود به مکه، آدابی ویژه بیان شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:
1. هنگام ورود به مکه باید با احرام داخل شود.
2. برای ورود به مکه غسل کند. (1)
رسول خدا(ص) خود هنگام ورود به مکه در منطقه «فخ» غسل کرد و سپس وارد مکه شد. (2)
حلبی از اصحاب امام صادق(ع) گوید:
«آن حضرت به ما دستور داد پیش از ورود به مکه در منطقه «فخ» غسل کنیم.» (3)
راه حل دیگری نیز امام صادق(ع) ارائه داده‌اند و آن اینکه کسانی که در میان راه موفّق به انجام غسل نمی‌شوند، می‌توانند از آن بهره گرفته، ثواب غسل کردن را ببرند. آن حضرت فرمود: هرگاه به حرم رسیدی ان‌شاء الله، موقع ورود به حرم غسل کن و اگر جلوتر رفتی در منطقه «بئرمیمون» یا «فخ» و] اگر میسّر نشد [در منزل خود در مکه غسل کن.

1- لازم به ذکر است که هم‌اکنون با توجّه به مقرّرات کشور عربستان و عدم توقّف اتوبوس‌ها و نبود امکانات، امکان غسل کردن هنگام ورود به مکّه وجود ندارد.

2- الحج فی الکتاب و السنه، ص 56، ح 82.

3- همان.

جبرئیل امین، هنگام حج گزاری حضرت ابراهیم(ع) و در حالی که اسماعیل نیز همراه او بود وقتی به حرم رسیدند، خطاب به آن دو گفت:
«فرود آیید و پیش از دخول به حرم غسل کنید، آن‌ها نیز فرود آمدند و غسل کردند!» (1)
3. متواضع و فروتن باشد.
معاویه‌بن عمار می‌گوید: امام صادق(ع) فرمود:
«هر کس به آرامی و همراه با آرامش وارد مکه شود، خداوند گناه او را ببخشاید.
پرسیدم چگونه با سکینه و آرامش واردشود؟
حضرت پاسخ داد: بدون تکبر و غرور داخل گردد.» (2)

پس از آن که حاجی وارد مکه شد، برای آن‌که بتواند مناسک و اعمال خود را به خوبی و با کمال توجه و با حال خضوع و خشوع انجام دهد، بهتر است که ابتدا به محل استقرار خود رفته، وسایل و اسباب سفر را مستقر و پس از رفع خستگی غسل کند، سپس وضو بگیرد و به طرف مسجد الحرام حرکت کند.
امام صادق(ع) در این زمینه فرمود:
«هر گاه حاجی یا عمره‌گزار به مکه وارد شد، ابتدا وسایل خود را مستقر سازد سپس آهنگ مسجد الحرام کند.» (3)

1- همان، ص 57.

2- همان.

3- کافی، ج 4، ص 399.

عمران حلبی می‌گوید: از امام صادق(ع) پرسیدم آیا زنان هنگام رفتن کنار کعبه غسل کنند؟
حضرت فرمود: آری، همانا خداوند متعال می‌فرماید:
أَنْ طَهِّرا بَیْتِیَ لِلطّائِفِینَ وَالْعاکِفِینَ وَالرُّکَّعِ السُّجُودِ. (1)
خانه‌ام را برای طواف کنندگان، عبادت کنندگان و راکعان و ساجدان پاک سازید.
و سزاوار است که بنده، بدون طهارت وارد خانه خدا نشود و(پیش از ورود) آلودگی‌ها را شسته و پاک شده باشد. (2)
مستحب است حاجی هنگام ورود به مسجد الحرام، از باب بنی شیبه وارد شود. این باب پیشتر کنار مقام ابراهیم قرار داشته که در تصاویر قدیمی مسجد الحرام مشخص است لیکن هم اکنون نشانی از آن باقی نمانده است. دلیل این عمل مستحبی را امام صادق(ع) این‌چنین بیان فرموده‌اند:
«بت هُبَل را که امیر مؤمنان، علی(ع) هنگام بالا رفتن بر دوش رسول خدا(ص) از بام کعبه به زمین انداخت، در باب بنی شیبه دفن کردند و از این رو، ورود به مسجد الحرم از این در سنت شد.» (3)
مرحوم شهید ثانی در «شرح لمعه» با بیان این‌که مستحب است حاجی از باب بنی‌شیبه وارد شود، فرموده‌اند:

1- بقره: 125.

2- تهذیب، ج 5، ص 251.

3- الحج فی الکتاب و السنه، ص 67، ح 109.

«لیَطَأ هُبَلْ».
تا بُت هُبل را پایمال کند. (1)
هُبل بزرگ‌ترین بُتی بوده که اعراب جاهلی آن را می‌پرستیدند. (2)
معنای این سخن آن است که هر حاجی هنگام ورود به مسجد الحرام باید بت‌ها را زیر پا گذاشته و سپس وارد شود.
امام باقر(ع) فرمود:
هرگاه به مسجدالحرام وارد شدی و مقابل حجرالاسود رسیدی، بگو:
«أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلّا اللّهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللّهِ وَکَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ وَ بِاللّاتِ وَالْعُزَّی وَ بِعِبَادَةِ الشَّیْطَانِ وَ بِعِبَادَةِ کُلِّ نِدّ یُدْعَی مِنْ دُونِ اللّهِ». (3)
«شهادت می‌دهم که جز خداوند یکتا معبودی وجود ندارد و شهادت می‌دهم که محمد(ص) بنده و رسول خدا است، به خدا ایمان آوردم و به طاغوت ولات و عُزّی و پرستش شیطان و هر که جز خدا پرستش شود کفر ورزیدم.»
سپس به حجر الأسود نزدیک و(اگر امکان استلام حجرالأسود به راحتی وجود داشت) آن را با دست راست لمس کن و بگو:
«بِسْمِ اللّهِ وَاللّهُ أَکْبَرُ، اللّهُمَّ أَمَانَتِی أَدَّیْتُهَا وَمِیثَاقِی تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ عِنْدَکَ لِی بِالْمُوَافَاةِ». (4)

1- اللمعة الدمشقیه، ج 2، ص 253.

2- همان.

3- کافی، ج 4، ص 403.

4- همان.

«به نام خدا، وخداوند بزرگتر از آن است که به وصف درآید، بار خدایا! این امانت من است که آن را ادا نمودم و پیمان من است که به آن وفا نمودم، برای آن که نزد تو شهادت دهد که من به پیمان خود وفا دارم.»
معاویةبن عمار نیز از امام صادق(ع) نقل کرده که:
هنگام ورود به مسجد الحرام، با پای برهنه و با آرامش و وقار و خشوع داخل شو.
همچنین فرمود:
«کسی که با خشوع وارد مسجد الحرام شود، خداوند اگر بخواهد او را می‌آمرزد.»
از آن حضرت پرسیدم: خشوع چیست؟
فرمود:
آرامش قلب. با تکبر و خود بزرگ بینی وارد مشو، پس هر گاه به در مسجد رسیدی بایست و بگو:
«السَّلامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ، السَّلامُ عَلَی أَنْبِیَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ، السَّلامُ عَلَی إِبْرَاهِیمَ خَلِیلِ الرَّحْمَنِ، السَّلامُ عَلَی الْمُرْسَلِینَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ». (1)
«سلام و درود و رحمت خدا بر تو ای پیامبر و درود و سلام بر پیامبران و رسولان خدا، سلام بر رسول خدا، سلام بر ابراهیم و حمد و سپاس مخصوص خداوند جهانیان است.»

1- همان، ص 402.

و پس از آنکه داخل مسجد شدی دو دست خود را بالا بیاور و رو به کعبه کن و بگو:
«اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ فِی مَقَامِی هَذَا، فِی أَوَّلِ مَنَاسِکِی، أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِی وَ أَنْ تَجَاوَزَ عَنْ خَطِیئَتِی وَ تَضَعَ عَنِّی وِزْرِی، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی بَلَّغَنِی بَیْتَهُ الْحَرَامَ، اللَّهُمَّ إِنِّی أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَیْتُکَ الْحَرَامُ، الَّذِی جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَ أَمْناً مُبَارَکاً وَ هُدًی لِلْعَالَمِینَ، اللَّهُمَّ إِنِّی عَبْدُکَ وَ الْبَلَدُ بَلَدُکَ وَ الْبَیْتُ بَیْتُکَ، جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَکَ وَ أَؤُمُّ طَاعَتَکَ، مُطِیعاً لِامْرِکَ، رَاضِیاً بِقَدَرِکَ، أَسْأَلُکَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَیْکَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِکَ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِی أَبْوَابَ رَحْمَتِکَ وَ اسْتَعْمِلْنِی بِطَاعَتِکَ وَمَرْضَاتِکَ». (1)
«بار خدایا! همانا من در این مکان و در آغاز مناسک خود، از تو می‌خواهم توبه مرا بپذیری و از خطاهایم درگذری و بار گناهم را فرو نهی و سپاس خداوندی را که مرا به بیت حرام خود رساند، بار خدایا! شهادت می‌دهم که این خانه، خانه حرام تو است، که آن را محل اجتماع مردم و مرکزی امن و هدایت‌گر جهانیان قرار دادی.
بار خدایا! من بنده تو هستم، شهر، شهرتو و خانه، خانه تو است، تو را اراده کرده‌ام، به سوی تو آمده‌ام و رحمت تو را می‌طلبم و طاعت تو را اراده کرده‌ام، فرمانبردار امر تو هستم و راضی به تقدیر تو و از تو درخواست می‌کنم درخواست بیچاره مضطری که از عقوبت تو در هراس است.

1- همان، ص 401.

بار خدایا! درهای رحمتت را به سوی من بگشای و مرا در مسیر بندگی خود و آنچه موجب خشنودی تو است به کارگیر.»
اگر حاجیان با رعایت این آداب وارد مسجد الحرام شوند و در انجام مناسک خود، عبودیت خدا را تمرین و عاشقانه اعمال حج را انجام دهند، به یقین تأثیر شگرفی در آنان ایجاد و از ثمرات حج بهره‌مند خواهندشد.

ادب لبّیک گفتن

اشاره

حاجی در میقات با لبیک گویی حضور خود در محضر حق را اعلام و به خداوند پاسخ مثبت می‌دهد، بر این اساس بر حاجی لازم است ادب را در گفتگو با خداوند مراعات نماید، برخی آداب لبیک عبارتند از:

1. خشوع

سفیان بن عیینه گوید:
امام زین العابدین(ع) در سفر حج، زمانی که احرام بست و بر مرکب قرار گرفت، رنگش زرد شده و لرزه بر اندام آن حضرت افتاد، کسی به آن حضرت گفت: آیا لبیک نمی‌گویید؟
فرمود: می‌ترسم بگویم و خداوند در پاسخ من بگوید: «لالَبَّیْکَ وَلا سَعْدَیْک»
پس زمانی که آن حضرت لبیک گفت، بیهوش شد و از مرکب فرو افتاد و تا پایان انجام مناسک حج این حالت به آن حضرت دست می‌داد. (1)

1- الحج فی الکتاب والسنة، ص 182، ح 456.

ص: 170

2. تکرار لبّیک

امام صادق(ع) فرمود:
هر گاه از مسجد شجره محرم شدی، اگر پیاده‌ای، از همانجا که در مسجد قرار داری تلبیه بگو و سپس این چنین بگو:
«لَبَّیْکَ اللّٰهُمَّ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ لا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ بِحَجَّة تَمَامُهَا عَلَیْکَ». (1)
و هرگاه بر مرکب سوار، یا از آن پیاده شدی، به دشتی سرازیر و یا بر تپه‌ای بالا رفتی و یا با سواری برخورد کردی، و نیز هنگام سحر، با صدای بلند لبّیک‌بگو. (2)

3. بلند گفتن لبیک برای مردان

رسول خدا(ص) فرمود: جبرئیل بر من نازل شد و گفت:
«همانا خداوند- عزّوجلّ- به تو فرمان می‌دهد که به یاران و پیروانت امر کنی صدایشان را هنگام گفتن تلبیه بلند کنند؛ چرا که تلبیه شعارحج است.» (3)
لازم به تذکر است که بلند لبیک گفتن، اختصاص به مردان دارد و بر زنان مستحب نیست.
امام صادق(ع) فرمودند:
«لَیْسَ عَلَی النِّسَاءِ جَهْرٌ بِالتَّلْبِیَةِ». (4)
«بلند گفتن تلبیه بر زنان لازم نیست.»

1- همان، ص 182، ح 459.

2- همان، ص 183، ح 459.

3- همان.

4- همان، ص 184، ح 466.

ص: 171

4. قطع لبیک با دیدن خانه‌های مکه

امام صادق(ع) فرمود:
«آنکه حج تمتع به جا می‌آورد، هنگامی که نگاهش به خانه‌های مکه افتاد، لبیک گفتن را قطع کند.» (1)

ادب طواف

اشاره

طواف خانه خدا یکی از زیباترین و شکوهمندترین صحنه‌های عرفانی حج است، حاجی در طواف، فرشته صفت گشته، از گناه پاک می‌شود. طواف‌گزار درحال طواف از دیگران بریده، به خدا پیوند می‌خورد و برای آن که بتواند از برکات معنوی طواف بهره گیرد، سزاوار است چند چیز را مراعات کند:

1. توجّه به خداوند

در حال طواف، باتمام وجود متوجه خدا باشد و جز به خیر و نیکی سخن نگوید.
رسول خدا(ص) فرمود:
«طواف خانه کعبه نماز است، جز این‌که خداوند سخن گفتن به هنگام طواف را جایز شمرده است، پس کسی که سخن می‌گوید، جز خیر و نیکی سخن نگوید.» (2)

2. متعادل راه برود

در طواف برای آن که دیگر مسلمانان طواف کننده آزار نبینند، سزاوار است حاجیان آرام و متعادل حرکت کنند.

1- الحج فی الکتاب والسنه، ص 184، ح 467.

2- همان، ص 191، ح 491.

عبدالرحمن‌بن سیابه گوید:
از امام صادق(ع) درمورد طواف پرسیدم که آیا تند بروم یا آهسته؟
حضرت فرمود: راه رفتنی میانه. (1)

3. طواف نکردن در حال خستگی

امام صادق(ع) فرمود:
«دَعِ الطَّواف وَ انْتَ تَشْتَهيهِ». (2)
«طَواف را رها کن در حالی که هنوز مایل به ادامه دادن آن هستی.»

ادب سعی

امام صادق(ع) در رابطه با ادب حاجی در سعی بین صفا و مروه چنین فرمود:
سپس از مسجدالحرام به سوی صفا بیرون رو ...، و بر تو باد به آرامش و وقار، آنگاه از صفا بالا رو تا نگاهت به کعبه افتد و رکنی که در آن حجرالاسود قرار دارد روبروی تو قرارگیرد، سپس حمد و ثنای الهی به‌جای آر، و نعمت‌ها و نیکی‌های خداوند را به مقداری که در توان داری یاد کن، پس از آن هفت مرتبه «اللهُاکْبَر»، و «الْحُمْدُللهِ»، و «لاإِلهَ إِلَّا اللهُ» بگو و سه مرتبه بگو:
«لا الهَ الّا اللهُ، وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، لَهُ المُلکُ وَ لَهُ الحَمْدُ، یُحْیی ویُمیتُ وَ هُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَی قَدِیر».

1- همان، ح 492.

2- همان، ص 193، ح 498.

سپس بر رسول خدا(ص) درود فرست و سه مرتبه بگو:
«اللَّهُ أَکْبَرُ عَلَی مَا هَدَانَا، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَی مَا أَوْلانَا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَیِّ الْقَیُّومِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَیِّ الدَّائِمِ». (1)
پس از آن سه مرتبه بگو:
«اشْهَدُ أنْ لا الهَ الّا اللهُ، وَاشْهَدُ أنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لا نَعْبُدُ إلّا ایّاهُ، مُخْلِصِینَ لَهُ الدّینِ وَلَوْ کَرِهَ المُشْرِکُونَ».
سپس سه مرتبه بگو:
«اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ الْعَفْوَ وَ الْعَافِیَةَ وَ الْیَقِینَ فِی الدُّنْیَا وَ الآخِرَةِ».
و سه بار بگو:
«اللَّهُمَّ آتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَ فِی الآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ».
آنگاه صد بار «اللهُ اکْبَرُ» و «لا الهَ الّا اللهُ» و «الْحَمْدُللهِ» و «سُبْحانَ الله» بگو و پس از آن این دعا را بخوان:
«لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ غَلَبَ الْاحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، وَحْدَهُ وَحْدَهُ، اللَّهُمَّ بَارِکْ لِی فِی الْمَوْتِ وَ فِی مَا بَعْدَ الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَ وَحْشَتِهِ، اللَّهُمَّ أَظِلَّنِی فِی ظِلِّ عَرْشِکَ یَوْمَ لا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّکَ».

1- کافی، ج 4، ص 431.

آنگاه دین و خود و خانواده‌ات را به خدا بسپار وبگو:
«أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِیمَ الَّذِی لا یَضِیعُ وَدَائِعُهُ نَفْسِی وَ دِینِی وَ أَهْلِی اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِی عَلَی کِتَابِکَ وَ سُنَّةِ نَبِیِّکَ وَ تَوَفَّنِی عَلَی مِلَّتِهِ وَ أَعِذْنِی مِنَ الْفِتْنَةِ».
پس از آن سه مرتبه تکبیر بگو و بار دیگر سه مرتبه دعا را بخوان و یک بار دیگر تکبیر بگو و اگر همه آن را نتوانی بخوانی، بخشی از آن‌ها را بگو. (1)

خلاصه درس

آداب مهم هنگام ورود به مکه این است که حاجی باید با احرام داخل شود، غسل کند و متواضع و فروتن باشد. آداب مهم ورود به مسجدالحرام این است که ابتدا غسل کند، سپس وضو بگیرد و به طرف مسجد الحرام حرکت کند. هنگام ورود به مسجدالحرام، با پای برهنه و با آرامش و وقار و خشوع داخل شود.
برخی آداب لبیک عبارتند از: خشوع، تکرار لبیک، بلند گفتن لبیک(برای مردان)، قطع لبیک با دیدن خانه‌های مکه. در هنگام طواف نیز چند نکته را باید رعایت کرد از جمله: توجه به خداوند، متعادل راه رفتن و طواف نکردن در هنگام خستگی. همچنین آدابی را باید هنگام سعی بجا آورد.

1- الحجّ والعمرة فی الکتاب والسنّه، ص 205، ح 548.

ص: 175

خود آزمایی

1. هنگام ورود به مکه، چه آدابی را باید رعایت کرد؟
2. آداب ورود به مسجدالحرام را نام ببرید.
3. آداب مهم لبیک گفتن را ذکر کنید.
4. هنگام لبیک گفتن چه آدابی را باید رعایت کرد؟
5. هنگام طواف چه آدابی را باید مراعات نمود؟
6. آداب سعی را ذکر کنید.

اغتنام فرصت‌ها، حفظ ارزش‌های اخلاقی، حرمت کعبه و ...

درس چهاردهم اغتنام فرصت‌ها، حفظ ارزش‌های اخلاقی، حرمت کعبه، طواف به نیابت از معصومین (علیهم السلام)، انس با قرآن

هدف‌های آموزشی

انتظار می‌رود با مطالعه این درس:
- با فرصت‌های گرانبهایی که در سفر حج در اختیار ما قرار می‌گیرد، آشنا شویم
- با دعاها و مناجات‌های توصیه شده آشنایی پیدا کنیم
- اهمیت توجه به ارزش‌های اخلاقی در حج را بدانیم
- اهمیت و چگونگی طواف به نیابت از معصومین(علیهم السلام) را بدانیم
- با اهمیت و چگونگی انس با قرآن آشنا شویم

در این درس ضرورت اغتنام فرصت‌های مهمی که در سفر حج، در اختیار زائران قرار می‌گیرد و حالت معنوی که هنگام رسیدن به مکه و مدینه به آنان دست می‌دهد و استفاده از فرصت‌های به دست آمده و ضرورت دعا و مناجات، مطرح شده است. همچنین ضرورت حفظ ارزش‌های اخلاقی و نگهداشتن حرمت کعبه و اهمیت طواف به نیابت از معصومین(علیهم السلام) بیان گردیده است.

اغتنام فرصت‌ها

مکه و مدینه از جاذبه‌های بی‌شماری برخوردارند. بیشتر حاجیان با اولین نگاه خود به گنبد سبز رسول خدا(ص) یا قبرستان بقیع و یا کعبه در مکه مکرمه، بی‌اختیار دگرگون شده، اشک از دیدگانشان جاری می‌شود و چنین صحنه‌هایی در عرفات، مشعر، مِنا و دیگر اماکن مقدس این دو شهر فراوان دیده می‌شود. حاجی باید چنین لحظاتی را غنیمت شمرده، از خداوند چیزی را طلب کند که خیر دنیا و آخرت او و وابستگانش در آن باشد.
آدمی گاهی دلش می‌شکند و اشکش جاری می‌شود و در آن حال از خداوند می‌خواهد تا خانه کوچکش را به یک خانه بزرگ تبدیل کند و یا آن که به کسب و کارش رونق دهد و چه بسا حاجتش نیز برآورده شود لیکن فرصت مهمّی را از دست داده‌است.
از این رو شایسته است حاجی، با مراجعه به ادعیه‌ای که در قرآن کریم آمده و یا دعاهایی که از رسول‌خدا(ص) و ائمه معصومین(علیهم السلام) نقل شده، جملاتی را در ذهن خود داشته باشد تا در آن لحظه حساسی که دلش می‌شکند و اشکش جاری می‌شود از خداوند چیزی را بخواهد که

خیر دنیا و آخرت در آن باشد.
برخی از این دعاها عبارتند از:
1. امام باقر(ع) به زراره فرمود بگو:
«اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ مِنْ کُلِّ خَیْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُکَ، وَأَعُوذُ بِکَ مِنْ کُلِّ سُوءٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُکَ، اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ عَافِیَتَکَ فِی أُمُورِی کُلِّهَا وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ خِزْیِ الدُّنْیَا وَ عَذَابِ الآخِرَةِ». (1)
«بار خدایا! از تو می‌خواهم، همه خوبی‌هایی را که علم تو به آن احاطه دارد و به تو پناه می‌برم از همه بدی‌هایی که تو به آن علم داری. بار خدایا! از تو می‌خواهم سلامتی و عافیت را در تمام کارهایم و به تو پناه می‌برم از خواری در دنیا و عذاب آخرت.»
2. مناجات با خدا.
محمدبن ابی حمزه به نقل از پدرش می‌گوید:
امام علی‌بن الحسین(علیهما السلام) را شب هنگام، کنار کعبه دیدم که نماز می‌خواند، پس قیام خود را طولانی کرد تا آنجا که گاهی بر پای راست و گاهی بر پای چپ تکیه می‌کرد سپس با صدایی همراه با گریه می‌فرمود:
«یَا سَیِّدِی تُعَذِّبُنِی وَ حُبُّکَ فِی قَلْبِی، أَمَا وَ عِزَّتِکَ لَئِنْ فَعَلْتَ لَتَجْمَعَنَّ بَیْنِی وَ بَیْنَ قَوْمٍ طَالَ مَا عَادَیْتُهُمْ فِیکَ». (2)

1- کافی، ج 2، ص 578.

2- همان، ص 579.

«آقای من! آیا در حالی که محبت تو در قلب من است مرا عذاب می‌کنی؟ به عزتت قسم اگر چنین کنی، میان من و مردمانی که مدتی طولانی به خاطر تو با آن‌ها دشمنی کرده‌ام جمع کرده‌ای!»
3. در دعای ابوحمزه ثمالی می‌خوانیم:
«اللّهُمَّ ... اصْلِحْ جَمیعَ احْوالِی وَاجْعَلْنی مِمَّنْ اطَلْتَ عُمْرَهَ وَ حَسَّنْتَ عَمَلَهُ وَ اتْمَمْتَ عَلَیْهِ نِعْمَتَکَ وَ رَضیتَ عَنْهُ و احْیَیْتَهُ حَیوهً طَیِّبَهً ...». (1)
«بار خدایا! تمام حالات مرا اصلاح کن و مرا از کسانی قرار ده که عمرش را طولانی و کردارش را نیکو و نعمتت را بر او تمام کرده‌ای و از او خشنود گشته‌ای و زندگی پاک و پاکیزه به او بخشیده‌ای ...»
4. در همان دعا می‌خوانیم:
«اللّهُمَّ أَلْحِقْنِی بِصَالِحِ مَنْ مَضَی وَ اجْعَلْنِی مِنْ صَالِحِ مَنْ بَقِیَ وَ خُذْ بِی سَبِیلَ الصَّالِحِینَ وَ أَعِنِّی عَلَی نَفْسِی بِمَا تُعِینُ بِهِ الصَّالِحِینَ عَلَی أَنْفُسِهِمْ وَ اخْتِمْ عَمَلی بِأَحْسَنِهِ». (2)
«بار خدایا! مرا به شایستگان از گذشتگان ملحق کن و از شایستگانی که باقی مانده‌اند قرارم بده و مرا به راه شایستگان ببر و به من کمک ده بر مخالفت با هوای نفسم، به آنچه کمک دادی

1- مفاتیح الجنان، دعای ابوحمزه ثمالی.

2- کافی، ج 2، ص 578.

شایستگان را بر مخالفتشان با هوای نفس و پایان کارم را به نیکوترین اعمالم ختم کن ...»
5. در دعای دیگری می‌خوانیم:
«اللّهُمَ صَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد وَ هَبْ لی رَحْمَةً واسِعَةً جامِعَةً ابْلُغُ بِها خَیْرَ الدُّنْیا وَ الاخِرَةِ ...».
«بار خدایا! بر محمد و آل او درود فرست و به من رحمتی گسترده عطا کن که به وسیله آن به خیر دنیا و آخرت نائل شوم و ...»
6. گاهی اوقات یک سطر دعا به عظمت همه جهان معنی و مفهوم دارد.
امیر مؤمنان علی(ع) می‌فرماید:
«الهی انْتَ کَما احِبّ فَاجْعَلْنی کَما تُحِبّ». (1)
«خدایا! تو آنگونه هستی که من می‌خواهم، پس مرا نیز آن گونه قرار ده که تو می‌خواهی!»
اگر انسان آنگونه شود که خدا می‌خواهد، به همه خوبی‌ها دست یافته است.
حال با توجه به آنچه که ذکر شد، به حجاج بیت‌الله‌الحرام توصیه می‌شود تا از ادعیه مهمی همچون: دعای کمیل، دعای ابوحمزه ثمالی، دعای عرفه امام حسین(ع)، مناجات شعبانیه، ادعیه صحیفه سجادیه، دعای مکارم الاخلاق و زیارت‌هایی مانند جامعه و امین الله غافل نشده و

1- بحار الانوار، ج 74، ص 400.

پس از توجه به قرآن، با خواندن این ادعیه و دقت در مضامین والای آن، چگونه با خدا سخن گفتن را آموخته و با درخواست بهترین و جامع‌ترین و پرمحتواترین دعاها، از خداوند خیر بزرگ، حسن عاقبت و موفقیت و فلاح و رستگاری در دنیا و آخرت را برای خود، فرزندان و بستگان و ملتمسین دعا طلب کرده و به فوز عظیم دست‌یابند.

حفظ ارزش‌های اخلاقی

با توجه به معنوی بودن سفر حج و برقراری امنیت همه جانبه در محدوده حرم، شایسته است حاجیان درحرم الهی ارزش‌های اخلاقی اسلام را به طور کامل رعایت کنند.
سماعةبن مهران می‌گوید: از امام صادق(ع) پرسیدم، از مردی که به من بدهی مالی دارد و مدتی از من پنهان بوده(و او را نمی‌یافتم) تا آن که او را در حال طواف مشاهده کردم آیا مال خود را از او بخواهم؟
حضرت فرمود: نه(حتی) به او سلام نکن و او را هراسان نساز، تا آن که از حرم بیرون رود. (1)
این روایت نشان می‌دهد که در سفر حج، و به خصوص مکه مکرمه، همه باید تمرین کنند، تا ارزش‌های اخلاقی اسلام را حفظ و به نمایش بگذارند.

نگاه داشتن حرمت کعبه

1- کافی، ج 4، ص 241.

عرب‌ها را رسم بر این بوده که هنگام نشستن، دست‌ها را گرد زانو حلقه زده و بر نشیمن‌گاه خود می‌نشستند و یا آن که زانوهای خود را به طرف سینه جمع نموده، آنگاه با پارچه‌ای آن‌ها را به پشت خود می‌بستند و به چنین نشستنی «احْتِباء» گفته می‌شد. در لغت فارسی نزدیک‌ترین کلمه به این نوع از نشستن، «چمباتمه» است. امام صادق(ع) از این‌گونه نشستن در برابر کعبه منع فرموده است. (1)

طواف به نیابت از معصومین (علیهم السلام)

سزاوار است حاجی روزهایی که درمکه حضور دارد، در اوقات مناسب به نیابت از پیامبر(ص) و ائمه معصومین(علیهم السلام) و فاطمه اطهر(س) طواف انجام دهد.
موسی‌بن قاسم گوید: به امام جواد(ع) عرض کردم:
تصمیم دارم به نیابت شما و پدرتان طواف کنم لیکن به من گفته شده که نمی‌توان به نیابت از اوصیا طواف انجام داد.
امام جواد(ع) فرمود:
چرا(می‌توان انجام داد) و هر مقدار برای تو امکان دارد طواف کن که این کار جایز است.
موسی‌بن قاسم گوید: پس از سه سال به حضور آن حضرت شرفیاب شده، عرض کردم:
من پیشتر از شما اجازه گرفتم تا به نیابت از شما و پدرتان طواف

1- همان، ج 2، ص 663.

کنم، شما به من اجازه دادید و من نیز به نیابت ازشما وپدرتان زیاد طواف کردم. سپس چیزی در قلب من گذشت و به آن عمل کردم.
حضرت فرمود: چه بود؟
گفتم:
یک روز به نیابت از رسول خدا(ص) طواف کردم. امام جواد(ع) سه مرتبه فرمود: درود خدا بر رسول خدا. سپس روز دوم به نیابت امیر مؤمنان(ع) روز سوم به نیابت از امام حسن(ع). روز چهارم به نیابت از حسین‌بن علی(علیهما السلام). روز پنجم به نیابت از علی‌بن الحسین(علیهما السلام)، روز ششم به نیابت از ابوجعفر محمدبن علی(الباقر)(علیهم السلام)، روز هفتم به نیابت از جعفربن محمد(الصادق)(علیهما السلام)، روز هشتم به نیابت از پدرت(جد شما) موسی‌بن جعفر(علیهما السلام)، روز نهم به نیابت از پدرت علی(بن موسی الرضا)(علیهما السلام)، و روز دهم به نیابت از شما ای آقای من و این‌ها کسانی هستند که به ولایتشان پایبندم.
آنگاه امام جواد(ع) فرمود:
در این صورت به دینی اعتقاد داری که خداوند جز آن را از بندگانش نپذیرد.
گفتم:
گاهی نیز به نیابت از مادرت فاطمه(س) طواف می‌کردم.
امام جواد(ع) فرمود:
به نیابت از فاطمه(س) زیاد طواف کن و این برترین کاری است که

انجام می‌دهی، ان‌شاء الله. (1)

قرآن کریم یکی از دو امانت پیغمبر(ص) و وسیله هدایت جهانیان و مکه و مدینه نیز محل نزول آن است. بنابراین، سزاوار است حجاج بیت الله الحرام در حرمین شریفین توجه ویژه به قرآن نموده، آن را زیاد تلاوت کنند و با فرشته وحی هم نوا شوند.
امام زین العابدین(ع) به کسانی که در مکه موفق به ختم قرآن شوند، بشارت بهشت داده است.
آن حضرت در حدیثی فرمود:
«کسی که در مکه قرآن را ختم کند نمی‌میرد مگر آن که رسول خدا(ص) را می‌بیند و جایگاه خود در بهشت را مشاهده می‌کند.» (2)
در حدیث دیگری امام باقر(ع) فرمود:
«کسی که در مکه از جمعه تا جمعه یا کمتر و بیشتر از آن، قرآن را ختم کند و روزِ ختم قرآن وی جمعه باشد، پاداش وحسنات مربوط به اوّلین جمعه‌ای که در دنیا بوده تا آخرین جمعه‌ای که در دنیاخواهد بود برای او نوشته شود. و اگر در روزهای دیگر نیز ختم کند این چنین پاداش خواهد داشت.» (3)

1- همان، ج 4، ص 314.

2- من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 227.

3- دعائم الاسلام، ج 1، ص 381.

ص: 185

خلاصه درس

معمولًا اغلب حاجیان با اولین نگاه خود به گنبد سبز رسول خدا(ص) یا قبرستان بقیع و یا دیدن کعبه در مکه مکرمه بی‌اختیار دگرگون شده، اشک از دیدگانشان جاری می‌شود و چنین صحنه‌هایی در عرفات، مشعر، مِنا و دیگر اماکن مقدس این دو شهر فراوان دیده می‌شود. حاجی باید چنین لحظاتی را غنیمت شمرده، از خداوند خیر دنیا و آخرت را طلب کند و با مراجعه به ادعیه‌ای که در قرآن کریم آمده و یا دعاهایی که از رسول‌خدا(ص) و ائمه معصومین(علیهم السلام) نقل شده، جملاتی را در ذهن خود داشته باشد تا در آن لحظه حساسی که دلش می‌شکند و اشکش جاری می‌شود به راز و نیاز بپردازد.

همچنین با توجه به معنوی بودن سفر حج و برقراری امنیت همه جانبه در محدوده حرم، شایسته است حاجیان درحرم الهی ارزش‌های اخلاقی اسلام را به طور کامل رعایت کنند. همینطور سزاوار است حاجی روزهایی که درمکه حضور دارد، در اوقات مناسب به نیابت از پیامبر(ص) و ائمه معصومین(علیهم السلام) و فاطمه اطهر(س) طواف انجام دهد.

انس با قرآن قرآن کریم، یکی از دو امانت پیغمبر(ص) و وسیله هدایت جهانیان و مکه و مدینه نیز محل نزول آن بسیار مهم است. بنابراین، سزاوار است حجاج بیت الله الحرام در حرمین شریفین توجه ویژه به قرآن نموده، آن را زیاد تلاوت کنند.

خودآزمایی

1. فرصت‌های مهم پیش آمده در سفر حج را نام ببرد.
2. دعاها و مناجات‌هایی که در سفر حج توصیه شده است؟

3. اهمیت و چگونگی حفظ حرمت کعبه را بیان کنید.
4. اهمیت طواف به نیابت از معصومین(علیهم السلام) را بیان کنید.
5. ارزش و اهمیت انس با قرآن در سفر حج چگونه است؟
6. امام صادق(ع) درباره حفظ ارزش‌های اخلاقی چه توصیه‌ای کرده‌اند؟

ص: 187

درس پانزدهم: آداب زیارت و رعایت وقار، زیارت رسول خدا (ص)

هدف‌های آموزشی

انتظار می‌رود با مطالعه این درس:
- با آداب عمومی زیارت آشنا شویم
- به ضرورت رعایت وقار در زیارت پی ببریم
- به اهمیت و چگونگی زیارت مرقد حضرت رسول(ص) پی ببریم
- با تعدادی آیات و روایات در باره موارد فوق آشنا شویم

در این درس بیست و نه مورد از آداب زیارت بیان شده و روایاتی در این زمینه ذکر شده است.

ص: 188

آداب زیارت

در روایات، برای زیارت آدابی ذکر شده که برخی از آن‌ها مخصوص موارد خاصّی است، لیکن برخی از این آداب که تقریباً جنبه عمومی داشته و به نوعی، به همه اماکن مقدسه و مشاهد مشرفه ارتباط پیدا می‌کند عبارتند از:

آداب عمومی زیارت

1. غسل کردن پیش از بیرون رفتن برای زیارت.
2. ترک کلام بیهوده و لغو و مخاصمه و مجادله درراه.
3. اگر چند امام را زیارت می‌کند، برای زیارت هر امام یک غسل کند.
4. خواندن دعای مأثور در وقت غسل کردن.
5. طاهر بودن، به این معنی که غسل واجبی به گردن نداشته و با وضو باشد.
6. پوشیدن جامه‌های پاک و پاکیزه.
7. جامه سفید پوشیدن.
8. لباس نو پوشیدن.
9. هنگام رفتن به زیارت گام‌ها را کوتاه برداشتن و به آرامی و با وقار حرکت کردن.
110. عطر زدن و خود را خوشبو کردن(غیر از زیارت کربلا).
11. هنگام رفتن به زیارت، ذکر «اللهُ أَکْبَر»، «الْحَمْدُللهِ»، «سُبحانَ اللهِ» و «لا الهَ الّا اللهُ» گفتن و صلوات فرستان بر پیغمبر و آل او.
12. بر در حرم ایستادن و اذن دخول خواندن به کلمات مأثوره.

13. تلاش در جهت تحصیل رقّت قلب، سوزش دل و خضوع.
14. سجده برای خداوند به منظور تشکر از این نعمت الهی.
15. مقدّم داشتن پای راست هنگام ورود، و پای چپ هنگام خروج.
16. ایستادن در وقت زیارت، اگر عذری ندارد.
17. سر به زیر انداختن و به بالا و طرف راست و چپ توجه نکردن.
18. خواندن زیارت‌های مأثوره و ترک زیارت‌های مخترعه.
19. خواندن نماز زیارت که اقلّ آن دو رکعت است.
20. خواندن دعاهای وارده، بعد از نماز و زیارت.
21. خواندن مقداری از قرآن و هدیه کردن به روح مقدس صاحب آن مرقد شریف.
22. نماز واجب را بر نماز زیارت مقدم داشتن و اگر مشغول زیارت بود و «قَدْ قامَتِ الصَّلاة» را شنید، زیارت را ترک و در نماز جماعت شرکت کند.
23. زیارت کردن برای پدر و مادر و دوستان و نزدیکان و به نیابت ایشان سلام کردن و برای آن‌ها طلب مغفرت نمودن.
24. ترک سخنان ناشایست و کلمات لغو و بیهوده و صحبت‌های دنیایی که همیشه در هر جا مذموم و مانع رزق و جالب قساوت قلب است، به خصوص در بقاع مقدس.
25. بلند نکردن آواز و صدای خود در آن مشاهد شریفه برای هر علتی که باشد.
26. وداع با صاحب آن مرقد شریف در وقت بیرون آمدن از آن شهر.
27. قصد مراجعت داشتن به آن مکان مقدس هنگام وداع.

28. بهتر کردن حال و کردار و گفتار خود، نسبت به پیش از زیارت.
29. انفاق و احسان بر فقرا و مساکین و مجاوران آن بقعه. (1)

رعایت وقار در زیارت

یکی از عاداتی که در حرمین شریفین به تدریج حالت رسمی به خود گرفته این است که هر کاروانی در کنار قبرستان بقیع، به صورت دسته جمعی نشسته و یک نفر برای آن‌ها زیارت و مرثیه می‌خواند و چون جمعیت زیاد کاروان‌ها فراوانند در نتیجه صداهای این افراد درهم می‌پیچد و مناظر ناخوشایندی را به وجود می‌آورد، شایسته است زائران عزیز خود خواندن زیارت را فراگرفته و هر کدام به صورت فردی و یا حداکثر چندنفره زیارت بخوانند.
مرحوم علامه امینی در «ادب الزائر» نقل کرده‌اندکه:
مرحوم شیخ الطائفه شیخ محمد طه نجف، در سامرا به حرم حضرت عسکریین(علیهما السلام) وارد شد، در حالی که صداها به اذان بلند بود،] و هر کس در گوشه‌ای برای خود اذان می‌گفت آنگاه ایشان [آن‌ها را از آن کار نهی کرد و این آیه شریفه را خواند:
ما لَکُمْ لا تَرْجُونَ لِلّٰهِ وَقاراً. (2) و (3)
مرحوم محدث نوری در تحیة الزائر، پس از نقل حدیثی‌که‌مرحوم مجلسی در بحارالانوار آورده، گوید:

1- آداب زیارت علامه محدث نوری، تحقیق و تصحیح: محمد حسین صفاخواه- عبدالحسین طالعی.(با کمی تغییر در عبارت).

2- نوح: 13.

3- ادب الزائر، ص 26.

مرحوم مجلسی در کتاب «بحار» (1) و «تحفه» از این آیه و روایت استظهار فرموده که:
«بلند نمودن آواز درحرم مطهّر نبوی ومشاهد شریفه(صلوات الله علیهم اجمعین) چه در زیارت و چه در غیر آن، منهی و مذموم است.»
سپس محدث نوری می‌گوید:
«و چه نیک فرموده و این ادبی است خاص، که در مرحله احترام و تعظیم، رسول‌خدا(ص) و ذریه طاهره‌اش(علیهم السلام) را به آن امتیاز اختصاص داده و پرده ناموس برای تکریم و توقیر ایشان درمیانشان گذاشته، پس هر که آواز را بلند کند، هر چند در عبادتی باشد که بلند نمودنِ آن صدا در آن ممدوح باشد، پرده ناموس الهی را دریده است ...»
و از این جا معلوم می‌شود قباحت و شناعت آن‌چه متعارف و مرسوم شده در حرمِ مطهر علوی و بقعه منوره حسینی(علیهما السلام) که در اوقات نماز، خصوص درصبح و شام، جماعت بسیاری که گاه عدد ایشان زیاده باشد از عدد گوش‌کنندگان، به غایت بلندی آواز، برخیزند و اذان بگویند و دعا کنند و صداها درهم پیچد، و فقرات اذان در یکدیگر مخلوط شود، عُبّاد آن محل را، از زائران و نمازگزاران و متضرعین و گریه کنندگان، از کار خود باز دارند و داخل در زمره صادّین عن سبیل الله شوند، و پاس حرمت نبوت و امامت را از هم درند و حکایت اذان را که از مستحبات اکیده است، از میان برند، چه سامع نداند که کدام را حکایت کند.

1- بحار الانوار، ج 100، ص 125.

با این مفاسد و غیر آن، گمان دارد ثوابی برده و به فیض رسیده است و حال آن که بایست از منکرات شرع شمرده شود، نه عبادات و در موبقات داخل شود، نه درقربات! (1)

زیارت رسول خدا (ص)

حاجیان در سفر حج، علاوه بر دستیابی به منافع و برکات حج، توفیق زیارت مرقد نورانی رسول خدا(ص) در مدینه را نیزیافته، فیض حضور در محضر پیامبر را درک می‌کنند.
عظمت این حضور را زید شحام از زبان امام صادق(ع) چنین نقل کرده است:
به آن حضرت عرض کردم:
برای کسی که رسول خدا(ص) را زیارت کند چه پاداشی در نظر گرفته شده است؟
حضرت فرمود:
«کَمَنْ زارَ اللهَ فِی عَرْشِهِ». (2)
«مانند کسی است که خدا را در عرش خود زیارت کند.»
رسول خدا(ص) نیز در این باره فرمود:
«کسی که مرا در حیات و پس از مرگم زیارت کند، روز قیامت در جوار من خواهد بود. (3) و من او را شفاعت خواهم کرد.» (4)

1- آداب زیارت، ص 186.

2- کافی، ج 4، ص 585.

3- کامل الزیارات، ص 13.

4- کافی، ج 4، ص 548.

ص: 193

از این سخنان چنین نتیجه می‌گیریم که زائر با حضورش در مدینه، باید خود را در عرش خدا و در محضر پروردگار ببیند و آداب چنین زیارتی را رعایت کند و ادب حضور را گردن نهد و این حضور را به وصال متصل سازد تا در نتیجه، شفاعت رسول‌خدا(ص) او را نصیب و همنشین آن حضرت در قیامت گردد.
برخی از آداب ذکر شده برای حضور در محضر رسول خدا(ص) عبارتند از:
1. هنگام ورود به مدینه غسل کند.
2. برای ورود به مسجد پیامبر(ص) بار دیگر غسل‌کند.
3. غسل سومی نیز به عنوان غسل زیارت آن حضرت انجام دهد.
4. سپس حرکت کرده، کنار یکی از درهای مسجدالنبی(ص) و بهتر از همه باب جبرائیل بایستد و این چنین بگوید:
«اللَّهُمَّ إِنِّی وَقَفْتُ عَلَی بَاب مِنْ أَبْوَابِ بُیُوتِ نَبِیِّکَ صَلَی اللهُ عَلَیهِ وآله وَقَدْ مَنَعْتَ النَّاسَ الدُّخُولَ الی بُیُوتِهِ الّا بِاذْنِ نَبِیِّکَ فَقُلْتَ یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَدْخُلُوا بُیُوتَ النَّبِیِّ إِلّا أَنْ یُؤْذَنَ لَکُمْ (1) اللَّهُمَّ إِنِّی أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ نَبِیِّکَ فِی غَیْبَتِهِ کَمَا أَعْتَقِدُهَا فِی حَضْرَتِهِ، وَ أَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَکَ وَ خُلَفَاءَکَ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ أَحْیَاءٌ عِنْدَکَ یُرْزَقُونَ، یَرَوْنَ مَکانِی فِی وَقْتِی هذا وَ زَمانِی، وَ یَسْمَعُونَ کَلامِی فِی وَقْتِی هذا

1- احزاب: 53.

وَ زَمانِی، وَ یَرُدُّونَ عَلَیَّ سَلامِی، وَ أَنَّکَ حَجَبْتَ عَنْ سَمْعِی کَلامَهُمْ وَ فَتَحْتَ بَابَ فَهْمِی بِلَذِیذِ مُنَاجَاتِهِمْ فَإِنِّی أَسْتَأْذِنُکَ یَا رَبِّ أَوَّلا وَ أَسْتَأْذِنُ رَسُولَکَ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ ثَانِیاً، وَ أَسْتَأْذِنُ مَلائِکَتَکَ الْمُوَکَّلِینَ بِهذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبارَکَةِ الْمُطِیعَةِ للهِ السّامِعَة، السَّلامُ عَلَیْکُمْ أَیُّهَا الْمَلائِکَةُ الْمُوَکَّلُونَ بِهذَا المَوْضِعِ الْمُبارَکِ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ، بِإِذْنِ اللهِ وَ إِذْنِ خُلَفائِهِ وَإِذْنِکُمْ صَلَواتُ اللهِ عَلَیْکُمْ أَجْمَعِینَ، أَدْخُلُ هذَا الْبَیْتَ مُتَقَرِّباً إِلَی اللهِ وَرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِینَ، فَکُونُوا مَلائِکَةُ اللهِ أَعْوانِی وَکُونُوا أَنْصارِی حَتّی أَدْخُلَ هذَا الْبَیْتَ وَ أَدْعُو اللهَ بِفُنُونِ الدَّعَواتِ وَ أَعْتَرِفُ للهِ بِالْعُبُودِیَّةِ وَ لِلرَّسُولِ بِالطّاعَةِ». (1)

نکات بسیار مهمی در عبارات فوق که اذن ورود به محضر رسول خدا(ص) است وجود دارد که توجه به آن، جان انسان را آتش زده و تحوّلی بنیادین در روح آدمی ایجاد می‌کند، به برخی از این نکات دقت کنید:

1. خدایا! همانا من بر دری از درهای خانه‌های پیامبر تو ایستاده‌ام و تو خود منع کردی و فرمودی کسی بدون اذن رسول خدا(ص) وارد این خانه نشود. این فراز از اذن دخول، به ما می‌فهماند که مسجدالنبی(ص) یک مسجد معمولی نیست که انسان بدون توجه و گستاخانه وارد آن شود، اینجا توقف لازم دارد تا در این توقف کمی به خود آییم، من کیستم؟ و

1- مصباح الزائر، ص 44.

پیغمبر(ص) کیست؟ به محضر چه کسی می‌خواهم وارد شوم؟ آیا او مرا خواهد پذیرفت؟ با او چه بگویم؟ و ...
2- هنگام روبرو شدن، با مرقد نورانی پیامبر(ص) لازم است چنین احساسی در زائر وجود داشته باشد که او با مرده سخن نمی‌گوید، لذا پیش از ورود به محضر رسول‌خدا(ص) با صراحت اعتراف می‌کند که خداوندا! باور من بر این است که رسول خدا و جانشینان تو، زنده‌اند و در نزد تو روزی می‌خورند، دراین زمان مرا در جایی که ایستاده‌ام می‌بینند، سخن مرا می‌شنوند و سلام مرا پاسخ می‌دهند لیکن خداوندا! تو خود به گونه‌ای مقرر داشتی که گوش من کلام آن‌ها را نمی‌شنود.
3- سپس از خداوند و پس از آن از رسول خدا(ص) و آن‌گاه از جانشین آن حضرت و در مرحله چهارم از فرشتگانی که خداوند در کنار آن بقعه آن‌ها را گمارده است، اجازه ورود می‌گیرد! عجیب بقعه مبارکی است، در سراسر این بقعه، فرشتگان حضور دارند و زائر همدم فرشتگان می‌شود و خود را کنار آنان حس می‌کند.
4- فراز دیگر مشخص نمودن هدف است؛ که به چه منظوری زائر به اینجا آمده است؟
هدف از ورود به این خانه، نزدیک شدن به خدا و رسول خدا(ص) است؛ «مُتَقَرِّباً إِلَی اللهِ وَ رَسُولِهِ ...» تاکنون از خدا رسول(ص) دور مانده بودم، آمده‌ام تا فاصله‌ها را کم کنم و خود را به آنان نزدیک سازم.
5- این کار ساده نیست، نیاز به پشتیبانی و حمایت دارد؛ از این رو، زائر فرشتگان را به کمک می‌گیرد و به آنان خطاب می‌کند:

«فَکُونُوا مَلائِکَةَ اللهِ أَعْوانِی وَ کُونُوا أَنْصارِی حَتّی أَدْخُلَ هذَا الْبَیْتَ وَ أَدْعُو اللهَ بِفُنُونِ الدَّعَواتِ وَ أَعْتَرِفُ للهِ بِالْعُبُودِیَّةِ وَ لِلرَّسُولِ بِالطّاعَةِ».
ای فرشتگان الهی، مرا کمک دهید، و یاری‌ام رسانید تا در این خانه وارد شوم و خدا را به فنون دعاها بخوانم و به بندگی خدا و پیروی از رسول خدا(ص) اعتراف نمایم!
در این بخش، هدف از زیارت بیان شده است و آن این است که زائر ده‌ها فرسنگ راه را طی کرده، کنار مرقد نورانی رسول خدا(ص) می‌آید تا به این حقیقت اعتراف کند.
پس از خواندن اذن ورود، پای راست خود را مقدم داشته وارد می‌شود و دعای «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ إِلَی اللَّهِ وَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ ...» را خوانده، صد مرتبه «اللهُ اَکْبَر» گوید.
و پس از آن که داخل شد، دو رکعت نماز تحیت مسجد بخواند، سپس به سوی حجره] که قبر در آن قرار گرفته [حرکت کند و آنجا بایستد و زیارت بخواند یعنی سخن گفتن با پیامبر(ص) را آغاز کند:
درود بر تو ای رسول خدا، درود بر تو ای پیام آور خدا، درود بر تو ای فرزند عبدالله، درود بر تو ای خاتم پیامبران، شهادت می‌دهم که تو رسالتت را به خوبی به پایان بردی، نماز را اقامه کردی، زکات را پرداختی، امر به معروف و نهی از منکر کردی، خدا راپرستیدی تا مرگ تو را درکام خود گرفت، پس درود و رحمت خداوند بر تو و اهل بیت پاک تو باد ....! و زیارت را ادامه می‌دهد.
در فرازی از آن چنین می‌گوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِالَّذِی اسْتَنْقَذَنَا بِکَ مِنَالشِّرْکِ وَ الضَّلالَةِ ...». (1)
«سپاس خدایی را که به وسیله شما، ای رسول خدا، ما را از شرک و گمراهی نجات داد ...»
زیارت پیامبر(ص) آداب دیگری نیز دارد که علاقمندان می‌توانند به کتب ادعیه مراجعه نمایند.
سالک عارف، مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی(رحمة الله) درباره وظایف زائر حرم نبوی می‌نویسد:
«سپس غسل کند و پاکیزه‌ترین لباس خود را بپوشد و به آنچه می‌تواند، خود را خوشبو سازد و با سکینه و وقار قصد حرم مبارک کند و در حال راه رفتن گام‌های کوچک بردارد و بین هر گام تسبیح، تحمید، تهلیل و تکبیر بگوید و چنین بداند که آن حضرت او را می‌بیند و به آنچه در نهاد او خطور می‌کند، داناست و مراتب شوق و حسرت دل و اندوه درونی را مشاهده می‌کند و به تمام وجود او، متوجّه است. از این رو اهتمام می‌کند که غیر او، به خاطرش خطور نکند و در راه زیارت او، به احدی ننگرد و به چیزی که مانع حضور قلب او می‌شود، متوجّه نگردد.
و چون به در حرم رسیدی، بدان که تو قصد ورود بر پادشاه بزرگی را کرده‌ای که در بارگاه او، جز پاکان نزول نکنند و اجازه نیابند و همانا تو حرمی را اراده کرده‌ای که انبیا و مرسلین و ملائکه مقرّبین، بدون اذن داخل آن نمی‌شوند.
پس به دل و زبانت از خدای- جلّ جلاله- اذن بخواه، سپس از حضرت رسول(ص) و پس از آن از جانشینان و اوصیای او، به ویژه باب

1- کافی، ج 4، ص 550.

شهر علم او و بقیه خلفای او، استیذان کن. سپس از فرشتگان خدا- که موکّل به حرم شریف او هستند- اذن بگیر. آن وقت به بساط خدمت او و حضور در مجالس او، قدم بگذار؛ زیرا اگر غفلت کنی، در خطر عظیمی خواهی بود و بدان که او از جانب خدای- جلّ جلاله- قادر است، بر آنچه بخواهد از عدل و فضل با تو رفتار کند. پس اگر به کرم و فضل خود، به تو توجّه کند و تو را بپذیرد و زیارت تو را قبول کند و سلام تو را جواب گوید و سخن تو را گوش دهد، خوشا به حال تو. باز خوشا به حال تو. در این صورت چنان است که به زیارت خدایجلّ جلاله- نائل گشته‌ای و در این کار با فرشتگان مقرّب و پیامبران مرسل، شریک گشته‌ای و این جماعت بهترین رفقای تو خواهند بود.
و اگر به استحقاق او آنچه از صدق، خلوص، وفا، ادب و صفا بر تو واجب است، از تو مطالبه کند و تو محجوب باشی و تو را رد کند، پس وای بر تو! و باز هم وای بر تو! و حقّاً که زیان برده‌ای، زیان آشکاری. در این حال به عجز خویش و تقصیر و انکسار و فقر خودت در برابر او اعتراف کن؛ زیرا تو برای زیارت و مؤانست با او، توجّه کرده‌ای. پس حال خود را بر او عرضه بدار و راز خود را بر او فاش کن و از او همّت بخواه و به درگاه او توسّل بجوی و به باب فضل و کرم او ملتجی و پناهنده شو و عترت و ذریه او را شفیع قرار ده؛ زیرا او یا علمی که خدا به او داده و اخباری که خدا به او می‌فرماید، هر چه به خاطر تو بگذرد و هر چه به قلب تو در این باب خطور کند، می‌داند.
و مانند پست‌ترین غلامان، به درگاه او باش و بنگر از کدام دفتر نام تو بیرون می‌آید. پس اگر دلت رقّت یافت و چشمانت گریان گشت و

شوقت تو را به هیجان آورد و در قلب خود شیرینی مناجات او و لذّت گفت و گوی با او را یافتی و از جام کرامت او، نوشیدی، حاکی از حسن اقبال او با تو و پذیرفتن تو است. بنابراین داخل شو که تو را اذن و امان داده‌اند و لطف و احسان کرده‌اند و الّا توقّف کن، توقّف کسی که چاره‌های او ناچار گشته و باب آرزوها بر او مسدود شده و در این حال به درگاه خدای- جلّ جلاله- ملتجی شو، التجای کسانی که مضطرّ شده‌اند تا دل شریف او را نسبت به تو با عطوفت فرماید و لطف منیف او را به تو معطوف دارد؛ چه اگر خداوند، صحّت اضطرار و صدق التجای تو را از دل تو بداند، به چشم رحمت و دیده رأفت به تو نظر خواهد کرد و دل حبیب خود را به کرامت و عطوفت به تو معطوف خواهد ساخت و تو را به آنچه دوست داری و خشنود می‌شوی، موفّق خواهد ساخت؛ زیرا که او کریم است و کرامت نسبت به بندگان مضطرّ و بیچاره خود و پناهندگان به در خانه خود را، برای طلب رضای خویش، دوست می‌دارد و در کتاب خود نازل فرموده است که: أَمَّنْ یُجِیبُ الْمُضْطَرَّ إِذا دَعاهُ وَ یَکْشِفُ السُّوءَ و عتبه شریفه را ببوسد و در حال ورود بگوید:
«بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ وَ فِی سَبِیلِ‌اللهِ وَ عَلی مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ. الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِی هَدانا لِهذا وَ ما کُنّا لِنَهْتَدِیَ». (1)
کریمُ السجایا جمیلُ الشیم نبی البرایا شفیعُ الامم
امام رسل پیشوای سبیل امین خدا مهبط جبرئیل

1- المراقبات، ج 2، ص 233- 237.

ص: 200
شفیع‌الوری خواجه بعث و نشر امام الهدی صدر دیوان حشر
شفیعٌ مطاعٌ نبی کریمٌ قسیمٌ جسیمٌ نسیمٌ وسیمٌ

خلاصه درس

در روایات، برای زیارت آدابی ذکر شده که برخی از آن‌ها مخصوص موارد خاصّی است، لیکن برخی از این آداب که تقریباً جنبه عمومی داشته و به نوعی، به همه اماکن مقدسه و مشاهد مشرفه ارتباط پیدا می‌کند که در این درس این آداب عمومی در بیست و نه مورد ذکر شده است. یکی از نکات مهم رعایت وقار در زیارت است، و باید از سروصدا و همهمه زیاد خودداری گردد. شایسته است زائران خود خواندن زیارت را فراگرفته و هر کدام به صورت فردی و یا حداکثر چند نفره زیارت بخوانند.
بنابراین بلند نمودن آواز درحرم مطهّر نبوی ومشاهد شریفه(صلوات الله علیهم اجمعین) چه در زیارت و چه در غیر آن، منهی و مذموم است.
حاجیان در سفر حج، علاوه بر دستیابی به منافع و برکات حج، توفیق زیارت مرقد نورانی رسول خدا(ص) در مدینه را نیزیافته، فیض حضور در محضر پیامبر را درک می‌کنند. که اجر بسیار فراوان دارد.
بنابراین زائران با حضور در مدینه، باید خود را در عرش خدا و در محضر پروردگار ببینند و آداب چنین زیارتی را رعایت کنند و ادب حضور را گردن نهند و این حضور را به وصال متصل سازند تا در نتیجه، شفاعت رسول‌خدا(ص) نصیب آنان شده و همنشین آن حضرت در قیامت گردند.

ص: 201

خود آزمایی

1. چند مورد از آداب عمومی زیارت را ذکر کنید
2. رعایت وقار به چه معناست؟ چگونه می‌توان وقار را در زیارت رعایت کرد؟
3. در باره رعایت وقار چه احادیثی آورده شده است؟
4. ارزش و اهمیت زیارت حرم رسول الله(ص) را بیان کنید.
5. آداب زیارت مرقد مطهر رسول الله(ص) چگونه است؟

ص: 202

ص: 203

درس شانزدهم: کوتاه کردن سفر، آداب خروج از مکّه، نشانه قبولی حج، هدیه سفر، پاداش حج

هدف‌های آموزشی

انتظار می‌رود با مطالعه این درس:
- اهمیت کوتاه کردن سفر را بدانیم
- با آداب خروج از مکه آگاه شویم
- نشانه‌های قبولی حج را بدانیم
- به اهمیت هدیه سفر پی ببریم
- به ارزش پاداش حج پی ببریم

در این درس نکات مهمی از قبیل ضرورت کوتاه کردن مدت سفر تا حد ممکن، آدابی که هنگام خروج از مکه باید رعایت شوند، نشانه‌های قبولی حج و ضرورت دادن هدیه و سوغات به نزدیگان و دعایی که

ص: 204
رسول خدا(ص) در بازگشت از سفر می‌خواندند و پاداشی که خداوند به حاجیان می‌دهد، بیان شده است.

کوتاه کردن سفر

مستحب است حاجی پس از آن که مناسک حج خود را انجام داد، زودتر نزد خانواده خویش بازگردد، دلیل آن را امام صادق(ع) این گونه برشمرده‌اند:
«إِذَا فَرَغْتَ مِنْ نُسُکِکَ فَارْجِعْ فَإِنَّهُ أَشْوَقُ لَکَ إِلَی الرُّجُوعِ». (1)
«هرگاه از اعمال حج فارغ شدی، بازگرد که این عمل شوق تو را برای بازگشت [مجدد به زیارت] بیشتر می‌کند.»
اگر حاجی خود را با ماندن طولانی در مکه خسته کند و روحیه عبادت نداشته باشد، انگیزه آمدن مجدد در او کمرنگ می‌شود، لیکن پیش از انجام مناسک حج، مردم نشاط بیشتری دارند و اگر کمی هم بیشتر ماندند، خیلی احساس خستگی نمی‌کنند.
امام صادق(ع) فرمود:
«یک روز پیش از حج ماندن، بهتر از دو روز ماندن پس از حج است.» (2)
گفتنی است در برنامه‌ریزی‌هایی که هم اکنون توسط مسؤولان حج در دست اجرا است، کم کردن مدت اقامت حاجیان در سفر حج است؛

1- الحج فی الکتاب و السنه، ص 267، ح 732.

2- من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 525.

ص: 205
به شکلی که اگر کسانی تمایل داشته باشند، مدت کمتری را درسرزمین وحی به سر برند، می‌توانند از کاروان‌های ویژه استفاده نموده، زودتر مراجعت کنند و آنان نیز که مشتاق ماندن بیشتراند، روزهای زیادتری را در دو شهر مکه و مدینه می‌مانند.

آداب خروج از مکّه

اشاره

برای خروج از مکه نیز آدابی ذکر شده که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

1. صدقه دادن

امام صادق(ع) فرمود:
«هرگاه خواستی از مکه بیرون روی، یک درهم خرما خریده، آن را مشت مشت صدقه بده(یعنی اکتفا به دادن یک عدد خرما نکن و بیشتر بده)، پس این صدقه، کفاره گناهان تو در حال احرام و مدت اقامت در مکه خواهدبود.» (1)

2. وداع با کعبه

امام صادق(ع) فرمود:
«هر گاه تصمیم گرفتی از مکه بیرون روی و نزد خانواده‌ات برگردی، هفت شوط طواف بگزار و با کعبه وداع کن و اگر بتوانی در هر شوط، حجر الأسود و رکن یمانی را استلام کنی، چنین کن و اگر نتوانستی تنها در آغاز و پایان هر طواف استلام کن، و

1- کافی، ج 4، ح 533.

اگر آن را هم نمی‌توانی، مانعی ندارد(طواف خود را پایان ده و لزومی به استلام حجر نیست).» (1)
قاسم‌بن کعب گوید: امام صادق(ع) به من فرمود:
آیا پیوسته حج می‌روی؟
گفتم: آری.
فرمود: آخرین دیدار تو، با کعبه این چنین باشد که دست بر در کعبه بگذار و بگو:
«الْمِسْکِینُ عَلَی بَابِکَ فَتَصَدَّقْ عَلَیْهِ بِالْجَنَّةِ». (2)
«بینوا بر درگاه تو است، پس بهشت را به او عطا فرما!»
امام صادق(ع) وقتی می‌خواست با خانه خدا وداع کند و از مسجدالحرام بیرون آید، نزدیک در مسجد، مدت زیادی به سجده می‌افتاد و سپس برخاسته، از مسجد خارج می‌شد. (3)
ابراهیم‌بن ابی محمود نیز گوید:
امام کاظم(ع) را دیدم که با کعبه وداع می‌کرد، پس آن گاه که خواست از در مسجد بیرون رود به سجده افتاد، سپس برخاست و رو به کعبه کرد و گفت:
«اللَّهُمَّ إِنِّی أَنْقَلِبُ عَلَی أَلّا إِلَهَ إِلّا أَنْتَ». (4)
«بار خدایا! من برمی‌گردم و بر این باورم که جز تو معبودی نیست.»

1- همان، ح 530.

2- کافی، ج 4، ص 530.

3- همان.

4- کافی، ج 4، ص 531.

ص: 207
از برخی امامان دیگر(علیهم السلام) نیز این شیوه وداع با کعبه نقل شده است.

نشانه قبولی حج

حج تمرین عبودیت و بندگی است و حاجی در این دوره آموزشی، باید تلاش کند تا گناهانی را که به آن مبتلا بوده، ترک کند و هنگام مراجعت، زندگی جدیدی را آغاز نماید.
رسول خدا(ص) فرمودند:
«از نشانه‌های قبولی حج آن است که بنده، گناهانی را که مرتکب می‌شده ترک کند و اگر پس از بازگشت، همچنان گرفتار گناه باشد و در لجن‌زار زنا، خیانت و یا معصیت فرو رود، حج او به وی بازگردانده می‌شود.» (1)
فلسفه هر زیارتی آن است که زائر باگذشته غلط خود فاصله بگیرد و اصلاح شود.
مرحوم شهید در دروس گوید:
«... أن یکون الزائر بعد الزیارة خیراً مِن قبلها فإنّها تَحُطّ الأوزار إذا صادفت القبول». (2)
... از آداب زیارت آن است که زائر پس از زیارت، از وضعیتی که پیش از آمدن به زیارت داشته بهتر شود.
در آستانه ورود به حرم، کنار در ایستادن و اذن دخول خواندن و

1- الحج فی الکتاب و السنه، صص 741 و 742.

2- الدروس، ج 2، ص 24؛ آداب زیارت، ص 196.

تلاش در جهت ریزش اشک و رقّت قلب پیداکردن، یکی دیگر از وظایف زائران است. زائر در حالی اذن دخول می‌خواند که احساس می‌کند هم اکنون صاحب آن مرقد او را می‌بیند، کلامش را می‌شنود و به او پاسخ می‌دهد و درست در همان حال لطف و محبت صاحب آن مرقد نسبت به مردم و به خصوص پیروانشان را یاد کند و لحظه‌ای نیز به درون خود می‌نگرد که با کوله باری از گناه و نافرمانی به در خانه این عزیز آمده است که اگر کسانی به صورت حقیقی به درون خود نگریسته و سابقه اعمال خود را به یاد آورند چه بسا از راه رفتن بازمانند و از خجلت و شرمساری عقب‌نشینی کنند!
اگر چنین حالتی بر زائر عارض شد تا حدودی توانسته است به اهداف زیارت دست یابد. از این رو مرحوم شهید اول در این باره می‌گوید:
«... و ثانیها: الوقوف علی بابه و الدعاء و الاستئذان بالمأثور، فإن وجد خشوعاً و رقّة دخل و إلّا فالأفضل له تحرّی زمان الرقّة لأنّ الغرض الأهم حضور القلب لیلقی الرحمة النازلة من الرَّبّ». (1)
«... دوم: ایستادن بر در آن حرم شریف، و دعا و اذن دخول بخواند؛ آن گونه که در روایات وارد شده، پس اگر در خود رقت و خشوعی یافت داخل شود و گرنه افضل آن است که در صدد تحصیل زمانی برآید که در قلب او رقت و خشوعی حاصل گردد(و در آن حال به زیارت بیاید) زیرا هدف مهم‌تر، حضور قلب است برای دستیابی به رحمتی که از ناحیه پروردگار نازل گردد.»

1- الدروس الشرعیه، ج 2، ص 23.

ص: 209

هدیه سفر

مستحب است مسافر هنگام بازگشت به خانه، هدیه‌ای برای خانواده‌اش بیاورد.
ابن سنان از امام صادق(ع) نقل کرده که آن حضرت‌فرمود:
«هنگامی که یکی از شما به مسافرت برود، موقع برگشتن به هر مقدار که برای او امکان دارد هر چند یک سنگ، برای خانواده خود هدیه بیاورد ...» (1)
امام صادق(ع) در حدیثی دیگر فرمودند:
«هَدِیَّةُ الْحَجِّ مِنَ الْحَجِّ». (2)
«هدیه حج جزو حج است.»
لیکن باید توجه داشت که تهیه سوغات نباید حاجیان را از وظایف حساس و خطیرشان بازدارد و به جای حضور در حرمین شریفین، بیشترین وقت خود را در خیابان‌ها و بازارها سپری کنند و به دلیل خستگی از توفیق عبادت محروم شوند.
از این رو باید برای خرید هدایا، برنامه ریزی نموده، وقت خاصی‌را برای آن‌در نظر بگیرند و کالاهای مورد نیاز خود را بخرند، و دیگر سراغ بازار نروند.
شیطان نیز در این گونه موارد درکمین حاجیان است. تنوع کالاها و بازارها که بخشی از آن در مسیر حاجیان قرار دارد، موجب می‌شود تا در میان راه، مسیر خود را تغییر داده، به جای حضور در محضر نبی اکرم(ص)

1- وسائل الشیعه، ج 11، ص 459، ح 15259.

2- من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 225، ح 2250.

و ائمه‌بقیع(علیهم السلام) و یا در مسجد الحرام، از این مغازه به آن مغازه رفته و در پایان خسته و مانده خود را به محل اقامت می‌رسانند و به استراحت می‌پردازند.
آیا لحظه‌ای اندیشیده‌ایم که در شب‌های قدر و در ماه مبارک رمضان پیوسته با التماس و خواهش این دعا را می‌خواندیم: «اللّهُمَّ ارْزُقْنی حَجَّ بَیْتِکَ الْحَرَامِ وَ زِیَارَةَ قَبْرِ نَبِیِّکَ» و از خدا حج را طلب کرده‌ایم و حال که این توفیق رفیقمان شده، آیا شایسته است که منافع آن را به راحتی از دست بدهیم؟
نکته دیگر این که باید توقّعات دیگران را نسبت به میزان هدایا کاهش داد؛ زیرا همان گونه که زائران عتبات عالیات، جز یک مهر و تسبیح معمولی توقعی از زائر ندارند، در سفر حج نیز نباید به دنبال هدایای متنوع و رنگارنگ برویم، و چه بسا با خرید برخی کالاها بازار مشرکان و کفار را تقویت کنیم، بلکه باید با خرید هدایای مختصر، ضمن عمل به این وظیفه اخلاقی زمینه را برای بهره برداری هر چه بیشتر فراهم ساخت.

دعا در بازگشت

در احوالات رسول خدا(ص) این چنین نوشته‌اند که آن حضرت هرگاه از سفر حج یا جنگ و یا سفری دیگر بازمی‌گشت، به هر بلندی می‌رسید سه مرتبه الله‌اکبر می‌گفت و می‌فرمود:
«... لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ، لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، یُحْیِی وَ یُمِیتُ وَ هُوَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ، آئِبُونَ تَائِبُونَ

عَابِدُونَ سَاجِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ، صَدَقَ اللهُ وَعْدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ هَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهُ ...». (1)
سپس به مسجد می‌رفت و دو رکعت نماز می‌گزارد و آن گاه وارد خانه می‌شد. (2)

آنان که با بصیرت و معرفت، سفر عاشقانه حج را آغاز و با محبت و عشق به رسول خدا(ص) و خاندان گرامی او، به دور از هر گناه و معصیتی آن را به پایان می‌برند به سودی بزرگ دست یازیده‌اند و فردای قیامت حج مقبول و مبرور، آنان را از هول و هراس قیامت رهایی خواهد بخشید.
عبدالرحمان‌بن سَمُرَه گوید:
روزی در نزد رسول خدا(ص) بودم. آن حضرت فرمود: من دیشب شگفتی‌ها و عجائبی را دیدم!
گفتیم: ای رسول خدا، جان و خانواده و اولادمان فدایت باد! چه دیدید؟ برای ما بازگو کنید.
حضرت فرمودند:
«مردی از امت خود را دیدم، که از روبرو و پشت سر و از سوی راست و چپ و از زیر پا، تاریکی وی را فراگرفته و غرق در ظلمت بود. در این حال حج و عمره او مجسم و ظاهر شدند و او را از ظلمت و تاریکی رها ساختند و در نور وارد کردند.» (3)

1- محجة البیضاء، ج 4، ص 76.

2- همان.

3- مستدرک الوسائل، ج 8، ص 39.

محمد بن مسلم نیز گوید:
امام باقر یا امام صادق(علیهما السلام)(تردید از راوی است) فرمودند:
«وَدَّ مَنْ فِی الْقُبُورِ لَوْ أَنَّ لَهُ حَجَّةً بِالدُّنْیَا وَمَا فِیهَا». (1)
«مردگان در گورهایشان آرزو می‌کنند، کاش دنیا و آنچه در آن هست را می‌دادند و به جای آن پاداش یک حج به آن‌ها داده می‌شد.»
حجاج عزیز کشور ما، علاوه بر میهمان خدا و رسول(ص) بودن، ویژگی بسیار مهم و ارزشمند دیگری دارند و آن شیعه بودن و پیروی از اهل بیت عصمت و طهارت است.
یحیی‌بن یسار می‌گوید:
حج گزاردم و سپس به امام صادق(ع) برخورد کردیم، آن حضرت فرمودند:
«حاجی خانه خدا و زائر قبر پیامبر خدا(ص) و شیعه آل محمد(ص) گوارایتان باد.» (2)
بنابراین، حج و معنویت آن گوارای وجود شیعیانی باد که با رعایت تمامی این آداب و اخلاق، حجی شکوهمند و مقبول را به جای آورده و با روحی سرشار از معنویت و عشق به خدا و اهل‌بیت به ایران اسلامی باز می‌گردند.

1- وسائل الشیعه، ج 11، ص 110.

2- کافی، ج 4، ص 549.

ص: 213

خلاصه درس

مستحب است حاجی پس از آن که مناسک حج خود را انجام داد، زودتر نزد خانواده خویش بازگردد. اگر حاجی خود را با ماندن طولانی درمکه خسته کند و روحیه عبادت نداشته باشد، انگیزه آمدن مجدد در او کمرنگ می‌شود.
خروج ازمکه نیز آدابی دارد که باید رعایت شود از جمله این آداب، صدقه دادن و وداع با کعبه است. حاجی باید تلاش کند تا گناهانی را که به آن مبتلا بوده، ترک کند و هنگام مراجعت، زندگی جدیدی را آغاز نماید. از نشانه‌های قبولی حج این است که حاجی گناهانی را که مرتکب می‌شده ترک کند و پس از بازگشت، گرفتار گناه نباشد.
همچنین مستحب است مسافر هنگام بازگشت به خانه، هدیه‌ای برای اعضای خانواده‌اش بیاورد. و پس از بازگشت دعایی را که رسول خدا(ص) بجا می‌آوردند، بجا آورد و قدر این سفر ارزشمند را بداند.

خود آزمایی

1. برای کوتاه کردن سفر حج چه توصیه‌هایی شده است؟
2. آداب خروج از مکه کدامند؟
3. قبولی حج چه نشانه‌هایی دارد؟
4. امام صادق(ع) در باره هدیه سفر چه فرموده‌اند؟
5. خداوند چه پاداشی به حاجیان می‌دهد؟

ص: 215

درس هفدهم: حج کامل، برکات و دستاوردهای حج

هدف‌های آموزشی

انتظار می‌رود با مطالعه این درس:
- با اهمیت حج آشنایی پیدا کنیم
- با ویژگی‌های حج کامل آشنا شویم
- برکات و آثار ارزشمند حج را بدانیم
- با آیات و روایات مربوط به موارد فوق آشنا شویم

در این درس ویژگی‌های حج کامل، الگو قرار دادن ائمه طاهرین(علیهم السلام)، و آثار و برکات حج در سیزده عنوان ذکر شده و روایاتی در باره هر یک از مطالب آورده شده است، تا با عنایت به این موارد حاجیان حداکثر بهره را از این سفر معنوی ببرند.

ص: 216

حج کامل

اعزام زائران ایرانی به حرمین شریفین، به گونه‌ای برنامه‌ریزی شده که برخی از آنان مدینه قبل و برخی دیگر مدینه بعد هستند، از روایات این گونه فهمیده می‌شود که ابتدا به مکه رفتن و پس از انجام مناسک حج به مدینه آمدن افضل و ارجح است.
امام باقر(ع) فرمود:
«تَمَامُ الْحَجِّ لِقَاءُ الْاِمَام». (1)
«تمام شدن حج و کمال آن به دیدار با امام است.»
در حدیث دیگری امام صادق(ع) فرمود:
«هر گاه یکی از شما حج انجام داد، حج خود را با زیارت ما به پایان برد؛ زیرا این وسیله کمال و اتمام حج است.» (2)
سدیر نیز گوید:
در حالی که دست من در دست امام باقر(ع) بود، حضرت رو به کعبه کرد و فرمود:
«ای سدیر! مردم مأمور شده‌اند تا نزد این سنگ‌ها آمده، آن را طواف کنند، سپس پیش ما آمده و دوستی و پیوند خودشان را به ما اعلام دارند.» (3)
دلیل این اقدام نیز در بیان امام باقر(ع) آمده است که‌فرمود:

1- همان.

2- علل الشرایع، ص 459.

3- کافی، ج 1، ص 392.

«... وَأَنْ یَلْقُونا حَیْثُ کُنّا، نَحْنُ الأدِلّاءُ عَلَی‌اللهِ». (1)
«و اینکه هر کجا باشیم نزد ما آیند،(زیرا) ما راهنمایان به سوی خداوندیم.»
یعنی حاجی در حج، از گناه پاک شده و از راه و رسم و اعمال غلط فاصله می‌گیرد و در نتیجه برای آنکه بار دیگر گرفتار خطا نشود نیازمند الگوی مناسب است، این الگو همان امامان و پیشوایان دینی هستند که با مراجعه و تبعیت از آن‌ها، انسان به خدا دست می‌یابد و به هدف اصلی از خلقت نائل می‌گردد.

برکات حج

اشاره

حج خانه خدا اگر صحیح و با رعایت آداب آن انجام شود، دستاوردهای بسیار مهم وشیرینی به همراه دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

1. پاکی از گناه

حاجی در حج بر گذشته نادرست خود خط بطلان می‌کشد و راه را برای داشتن یک زندگی سالم و درست دینی و الهی هموار می‌سازد.
رسول خدا(ص) فرمود:
«هر مردی که برای حج یا عمره از منزل خود بیرون رود، پس هر قدمی که برمی‌دارد و به زمین می‌گذارد، گناهان از بدن او فرو می‌ریزد چونان ریختنِ برگ از درخت. پس آن گاه که وارد

1- تفسیر عیاشی، ج 2، ص 233.

مدینه شده و به وسیله سلام با من مصافحه می‌کند، و آن گاه که وارد ذوالحُلیفه(مسجد شجره) گردیده، غسل انجام می‌دهد، خداوند وی را از گناهان پاک می‌گرداند ...» (1)
امام صادق(ع) نیز فرمود:
«کسی که حج انجام دهد و خدا را اراده کند و قصد ریا و شهرت‌طلبی نداشته باشد، به یقین خداوند او را خواهد بخشید.» (2)
رسول خدا(ص) فرمود:
«کسی که حج یا عمره انجام دهد و در آن گناه و فسقی مرتکب نگردد، بر می‌گردد همانند روزی که از مادر متولد شده است.» (3)
و در حدیثی دیگر آن حضرت فرمودند:
«ای مردم، هیچ مؤمنی در موقف(عرفات) وقوف نمی‌کند مگر آنکه گناهان گذشته او تا این زمان را ببخشاید و آن گاه که حج وی پایان پذیرفت، عملش از نو آغاز شود.» (4)
از مجموع آنچه گذشت نتیجه می‌گیریم که انجام حج صحیح و مورد قبول خداوند، اولین پاداشش آمرزش گناهان و ورود به یک زندگی جدید است.

1- الحج فی الکتاب و السنة، ص 148، ح 325.

2- وسایل الشیعه، ج 11، ص 109.

3- الحج فی الکتاب و السنة، ص 163، ح 392.

4- سنن‌دار قطنی، ج 2، ص 284.

ص: 219

2. راهیابی به بهشت

خداوند پاداش حج مقبول و پذیرفته شده را بهشت قرار داده است و دلیل آن را شاید بتوان چنین برشمرد که هر کس به مهمانی می‌رود، صاحب خانه معمولاً تلاش می‌کند تا بهترین غذا و امکاناتی را که دارد برای او فراهم سازد. درحج نیز حاجی میهمان خداوند است و یکی از ویژگی‌های حضرت حق، کریم بودن و بخشندگی است و همیشه در دعاها به او خطاب می‌شود:
«یَا أَکْرَمَ الْاکْرَمِینَ».
«ای کریم‌ترین کریمان!»
یکی از بهترین هدایای خداوند، بهشتی است که به مؤمنان و نیکان و پاکان وعده داده است که در سفر حج آن را به میهمانان خانه خود هدیه می‌دهد.
رسول خدا(ص) فرمود:
«برای حج مبرور پاداشی جز بهشت نیست.» (1)

3. نورانیت

هر انسانی به هنگام تولد از مادر، فطرتی پاک و پاکیزه دارد. قلب کودک نورانی و فاقد هر نوع تیرگی است. لیکن پس از دوران بلوغ و ورود به جامعه و کم کم آلودگی به گناه و معصیت، گرفتار تیرگی شده و گاهی نیز تا آنجا پیش می‌رود که قلب دچار قساوت گردیده و دیگر امیدی به نجات او نیست.

1- مستدرک الوسائل، ج 2، ص 8.

افرادی که هنوز در این مرحله قرار نگرفته و توفیق انجام حج راپیدا می‌کنند، پس از آنکه روح و جان خود را در دریای شفاف و زلال حج شستشو داده و خود را پاک کردند، باز به فطرت اولیه بازگشته، نورانیت را از خداوند جایزه می‌گیرند و می‌توانند با عمل به اسلام آن را حفظ کنند، لیکن آلودگی به گناه بار دیگراین نورانیت را کم می‌کند و با ادامه آن، به طور کلّی از میان می‌رود.
امام صادق(ع) فرمود:
«حج گزار تا زمانی که به گناه آلوده نشده، نور حج را پیوسته دارا خواهد بود.» (1)

4. دستیابی به خیر دنیا و آخرت

رسول خدا(ص) فرمود:
«هر کس دنیا و آخرت را می‌خواهد، آهنگ این خانه کند، همانا بنده‌ای به آن جا نیامده و از خداوند دنیا را نخواسته مگر آنکه بدان دست یافته و خداوند حاجت او را برآورده ساخته است و نیز از خداوند آخرت را طلب نکرده مگر آنکه پذیرش این درخواست را برای وی ذخیره کرده است.» (2)
در حدیث دیگری رسول خدا(ص) به عثمان‌بن ابی‌العاص فرمود:
«بدان، عمره همان حج اصغر است و همانا یک عمره از دنیا و آنچه در آن است بهتر و بالاتر است و نیز بدان که حج از عمره برتر و بهتراست.» (3)

1- کافی، ج 4، ص 255.

2- مسند الامام زید، ص 197.

3- معجم الکبیر طبرانی، ج 9، ص 44.

5. آرامش دل

یکی از فلسفه‌های تشریع حج، اقامه یاد و ذکر خداوند است.
رسول خدا(ص) در حدیثی فرمود:
«انَّما جُعِلَ الطَّوافُ بالْبَیْتِ وَبَیْنَ الصَّفا وَالمَرْوَةِ وَرَمیُ الجِمار لِاقامَةِ ذِکْرِ اللهِ.» (1)
«همانا طواف خانه خدا و سعی میان صفا و مروه و رمی جمراتِ سه گانه، فقط برای اقامه یاد خدا قرار داده(و تشریع) شده‌است.»
قرآنِ کریم، تأثیر یاد خدا در انسان را «آرامش قلب» ذکر می‌کند و می‌فرماید:
«... أَلَا بِذِکْرِ اللهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ». (2)
«همانا با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد.»
حال باتوجه به این مقدمه و نیز فرموده امام باقر(ع) که: «الْحَجُّ تَسْکِینُ الْقُلُوبِ». (3)
نتیجه می‌گیریم که یکی از ثمرات حج، آرامش دل است، چیزی که امروز بشریت شدیداً به آن نیازمند می‌باشند.

امام صادق(ع) فرمود:
هنگامی که موسی(ع) حج انجام داد، جبرئیل به وی نازل شد. موسی

1- الحج فی الکتاب و السنة، ص 133، ح 280.

2- رعد: 28.

3- بحارالانوار، ج 75، ص 183.

به او گفت: ای جبرئیل! برای کسی که حج این خانه را با نیتی صادق و هزینه‌ای پاک به جای آورد، چه پاداشی مقرر شده است؟
جبرئیل بدون پاسخ به سوی خداوند- عزّوجلّ- بازگشت(و پاسخ آن را جویا شد) خداوند به او وحی کرد و فرمود:
به موسی بگو:
«او را در ملکوت اعلی همراه و همنشین با پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان قرار خواهم داد و این‌ها همراهان خوب و شایسته‌ای هستند.» (1)

7. در امان بودن از عذاب

امام باقر(ع) فرمود:
«هر کس داخل این خانه شود و نسبت به همه آنچه خداوند بر او واجب فرموده، آگاه باشد، ازعذاب‌همیشگی‌روز قیامت ایمن خواهد بود. (2)
در دنیا نیز اگر کسی به حرم پناه برد، از خشم خدا در امان است.» (3)
امام صادق(ع) فرمود:
«بر شما باد به زیارت این خانه، پس پیوسته حج این خانه کنید، که با حج پیوسته، گرفتاری‌های دنیا و هول و هراس‌های روز قیامت از شما دفع گردد.» (4)

1- من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 235.

2- عوالی اللآلی، ج 2، ص 84، ح 227.

3- کافی، ج 4، ص 226.

4- امالی طوسی، ص 668.

ص: 223

8. علوّ درجه در بهشت

رسول خدا(ص) فرمود:
«حج‌گزار در رفتن به حج و بازگشتن از آن، در ضمانت خداوند است، پس اگر در سفر به او رنج و خستگی برسد، خداوند گناهان او را به خاطر آن سختی می‌بخشد و برای هر قدمی که برمی‌دارد، هزار درجه در بهشت بالا می‌رود ...» (1)

9. استجابت دعا

یکی دیگر از ثمرات حج، «پذیرش دعای حاجی» است:
رسول خدا(ص) فرمود:
«دعای سه کس مستجاب است:
1. دعای حج گزار در مورد خانواده‌اش
2. دعای بیمار، ...
3. دعای مظلوم.» (2)
در حدیثی دیگر نیز فرمود:
«حاجیان و عمره‌گزاران میهمانان خدایند، خدا آن‌ها را دعوت کرده و این‌ها نیز پذیرفته‌اند، این‌ها نیز دعا کرده و خداوند آن را اجابت کرده است.» (3)

1- کنز العمال، ح 11812 و 11840.

2- الحج فی الکتاب و السنه، ص 162، ح 386.

3- همان.

ص: 224

10. پیشگیری از تنگدستی

رسول خدا(ص) فرمود:
«حج انجام دهید، [تا] هرگز نیازمند نشوید.» (1)
امام علی(ع) نیز فرمود:
«همانا بالاترین چیزی که متوسلین به درگاه ربوبی به آن توسل جویند، ایمان به خدا و رسول او و ... حجّ خانه خدا و عمره است، پس همانا این دو(یعنی حج و عمره) فقر را دور و گناه را می‌شویند.» (2)

11. دستیابی به سلامتی

از امام صادق(ع) نقل شده که فرمودند:
علی‌بن الحسین(علیهما السلام) فرمود:
«حج و عمره به جا آورید تا بدن‌های شما سالم، روزی‌های شما افزون، و هزینه‌های خانواده(و زندگی) شما تأمین گردد ...» (3)

12. پیشگیری از هلاکت

امام باقر(ع) فرمودند:
در وصیت امیرمؤمنان علی(ع) آمده است:

1- همان، ص 164، ح 398.

2- همان، ص 402.

3- کافی، ج 4، ص 252.

«حجّ خانه پروردگارتان را ترک نکنید که هلاک خواهید شد.» (1)
امام صادق(ع) نیز فرمودند:
«اگر مردم حج را ترک کنند عذاب بر آنان نازل شود.» (2)

13. شفاعت پیامبر (ص)

علاوه بر ثمراتی که در روایات برای حج ذکر شده است، زیارت رسول خدا(ص) و ائمه بقیع و سایر اماکن مقدس مدینه منوره نیز، هر یک دارای ثمرات ارزشمند و قابل توجهی است که از جمله آن‌ها دستیابی به شفاعت رسول خدا(ص) است.
رسول خدا(ص) فرمودند:
«هر کس به زیارت من بیاید و کاری جز زیارت من نداشته باشد، سزاست بر من، که روز قیامت شفیع او باشم.» (3)
و در حدیث دیگری فرمودند:
«هر کس به زیارت من بیاید، شفاعت او بر من واجب می‌شود و شفاعت هر کس بر من واجب گردد، بهشت بر او واجب می‌شود.» (4)

خلاصه درس

در سفر حج ابتدا به مکه رفتن و پس از انجام مناسک حج به مدینه آمدن افضل و ارجح است.
حاجی در حج، از گناه پاک شده و از راه و رسم و اعمال غلط فاصله

1- محاسن، ج 1، ص 170.

2- کافی، ج 4، ص 271.

3- معجم الکبیر طبرانی، ج 12، ص 225.

4- کافی، ج 4، ص 548.

می‌گیرد و در نتیجه برای آنکه بار دیگر گرفتار خطا نشود نیازمند الگوی مناسب است، این الگو همان امامان و پیشوایان دینی هستند که با مراجعه و تبعیت از آن‌ها، انسان به خدا دست می‌یابد و به هدف اصلی از خلقت نائل می‌گردد.
حج خانه خدا اگر صحیح و با رعایت آداب آن انجام شود، دستاوردهای بسیار مهم به همراه دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: پاکی از گناه، راهیابی به بهشت، نورانیت، دستیابی به خیر دنیا و آخرت، آرامش دل، همنشینی باپیامبران و صالحان، در امان بودن از عذاب، علوّ درجه در بهشت، استجابت دعا، پیشگیری از تنگدستی، دستیابی به سلامتی، پیشگیری از هلاکت و شفاعت پیامبر(ص).

خودآزمایی

1. چگونه حج کامل می‌شود؟
2. امام باقر(ع) در باره حج کامل چه فرموده‌اند؟
3. برکات مهم حج کدامند؟
4. زیارت رسول خدا(ص) و ائمه بقیع(علیهم السلام) و سایر اماکن مقدس چه ثمراتی دارد؟
5. در باره برکات حج چه روایاتی آورده شده است؟

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه 41)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است
اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهاي رایانه اي و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)
ز)طراحی سیستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائميه اصفهان
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com
فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران 2333045(0311)
نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : IR90-0180-0000-0000-0621-0609-53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».
التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».
[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹